تحفة الصلوة

تحفة الصلوة للمولى حسين بن علي الواعظ الكاشفي رحمه الله تعالى

كتاب [illegible] تحفة [illegible]
ابو السعادات [illegible] للمولى [illegible]
محمد [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] العلوي [illegible]
[illegible]
[illegible] سنة ١٢٨٢ [illegible]

(3)

Tohfatus-Salat

B.L. Ms.

No 110

واقف کردانید فرمود که سوال کردید مرا از علمی
پوشیده و سری مخزون که اگر نمی پرسیدید شما را
خبر نمیکردم پس گفت بدرستیکه خدای برمن یعنی
برای صلواة من دو ملک موکل کرده است پس
من یاد کرده نشوم نزد هیچ بنده مسلمان و او صلوات
برمن فرستد الا انکه ان دو فرشته اورا دعا کنند
و گویند غفر الله لک و حضرت عزت جل ذکره با
فرشتگان در جواب ان ملک گوید امین و مرا
یاد نکنند نزد هیچ بنده مسلم و او برمن درود
نفرستد الا انکه ان دو ملک او را نفرین کنند و گویند
لا غفر الله لک و حق سبحانه با ملایکه گوید و امام
ثعلبی و صاحب کشاف و غیر ایشان نیز همین نقل را
در تفسیر خود ذکر ایراد نموده اند و فاضل علامه شرف الدین

ابو النصر احمد بن الاسر بکتی تغمده الله بغفرانه در ترجمه
کتاب اسباب نزول که از تصانیف امام الائمه
ابی الحسن علی بن احمد الواحدی است شکر الله مساعیه
از اصمعی نقل میکند که در جامع بصره مهدی خلیفه را دیدم
بر منبر که میگفت ای مردمان حق سبحانه شما را کاری
فرمود و در ان ابتدا بنفس خود نمود انگه بمقربان
حظایر قدسی ثنی کرد ابتدا بنده که ان الله وملائکته یصلون
علی النبی همچنانکه از انبیا از بهر اجلال و اکرام کردند
که معجزها را و از امم سابقه هیچ امت را این تشریف
نداده اند که شما را پس نعمت خدای را شکرگذاری
و سپاس داری مقابله کنند و همواره بوظایف صلوة
و سلام بر سید انام قیام و اقدام نمایند شعر
الرب صلی والملائکه کلهم   صلوا علی خیر الوری تکریما

یا ابها

یا ایها الراجعون منه شفاعته صلوا علیه وسلموا تسلیما
خدا درود میدهی گفته است میگویند بفرمان ملک
در صوامع ملکوت تو هم زبان بدرود و سلام
وی بگشای که بهره مند شوی از لوامع جبروت قدوة
الفریقین مجد الدین ابو جعفر احمد بن طیفور السّبی وندی
رحمه الله در تفسیر عین المعانی آورده که چون این آیت
فرود آمد صحابه رضوان الله علیهم اجمعین آنحضرت را
تهنیت گفتند ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت یا رسول الله
هرگز خدای تعالی ترا البشری تخصیص نفرموده مگر آنکه ما را نیز
در آن شریک گردانید یعنی همواره بطفیل حضرة
تو از فواید فوایدی که خاص تو بود نواله حواله ما می شد
حالا نصیب ما ازین کرامت که ترا بدان اختصاص
داده کدام است آیت آمد که هو الذی یصلی علیکم

و ملائکه و در کشاف و تفسیر امام ثعلبی و ماوردی
و قصه ابو اللیث و لباب و غیر آن همین نقل مذکور است
و امام همام قدوة الانام فخر الملة والدین ابو عبدالله محمد
بن عمر الرازی طیب الله ~~الرحمن خاک کند~~ رمسه در اسرار (در نسخه دیگر)
التنزیل فرموده که در ضمن این نقل بشارتی تمام و مژده
عظیم هست چه حق سبحانه بر حبیب خود درود فرستاد و
در دنیا امت او را فرو نگذاشت بلکه از درود خود
و ملائکه فراخور استحقاق ایشان ایشان را بهره مند
گردانید فردا در آخرت از کرامات که برای سید
کائنات علیه افضل الصلوات معد و مهیا شده امتان
مفلس محتاج را چگونه نا امید و محروم گرداند بلکه
امید آنست که بطفیل آنحضرت در مهمان خانه جنات
عدن مفتحة لهم الابواب بر بساط حرمت و اقتراب

نشانند

نشانده همه امتان بر سر خوان او طفیلی خوان فضل و
احسان او صاحب کشف الاسرار امام رشید الدین
ابو الفضل احمد بن ابی سعد المیبدی رفع الله درجته
در تفسیر این آیه در نوبت ثالثه فرموده که زهی
رفعت درجه و علو مرتبه و کمال منقبت و شمول برکت
که حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم بان بارگاه
احدیت یافت ابتداء درود بر وی الحق باز
نگذاشت و گفت کو دست ابتداء فرموده و صلوة بر او
بشهادت توحید مشابهت داد چنانکه در شهادت
خود توحید کرد افتتاح کرد و شهد الله انه لا اله
الا هو آنگه گواهی فرشتگان در آن پیوست که والملئکة
پس درجه شهادت مومنان که اهل دانش اند
ابراد فرموده و اولو العلم همچنین در ثناء و درود

محمد صلی الله تعالی علیه وسلم نخست ابتدا به نفس خود
کرد و ثانیا از درود ملائکه خبر داد و سیم مرتبه
مومنان را فرمود که صلوا علیه و ازین کلام مستفاد می شود
که حکمت در آنکه حضرت عزت ابتدا به صلوة بر پیغمبر علیه الصلوة
والسلام کرد اظهار قدر و منزلت و شرف و
فضیلت اوست بر وجهی که در هیچ عاقل گنجد از اندازه
و زبان هیچ کامل بیان شرح شمه از آن نتواند بیت
ستایش تو چه داند خرد بدین دانش   مناقب تو چه گوید
زبان بدین گفتار نه چه بیان صفات کمال تو در شمار آید
که صد هزار یکی باشد از هزار هزار   در ذخیرة المذکرین
آورده که چون ملائکه بعد از نفخ روح در قالب
آدم علیه السلام بسجود وی مامور شدند تصور
ایشان آن بود که چون حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه وسلم

ظهور

ظهور فرماید همان امر سجود وجود خواهد گرفت
بعد از آنکه عرصهٔ جهان بلمعات آفتاب عالمتاب
وجود با وجودش منور شد و الفرمان شرف
صدور یافت حق سبحانه بجهت دفع شبههٔ تفضیل آدم
بر سید عالم صلی الله تعالی علیه و سلم بخود بر وی درود
فرستاد و ملایکه و مومنان را بدان امر فرمود تا از
روی اشاره دریابند که اگر آنجا همین زمرهٔ ملایکه
آدم را سجدهٔ تعظیم و تحیت بجا آوردند پس اینجا
حق سبحانه بخودی خود ستایش آنحضرت فرمود و ملایکه
و اهل ایمان را نیز بثنا و درود وی امر کرد و اگر آنان
یکبار سجده آدم بجا آوردند اینجا حق سبحانه تعالی و فرشتگان
و مومنان علی التعاقب و التوالی بر آن حضرت
درود میفرستند سید کامل محقق مدقق رکن الحق

والدین امیر حسین بن عالم المشتهر بالحسینی قدس سره
فرمود که هر یک از محب محبوب را در مرتبه خود بدایتی
و نهایتی هست بدایت محبیت انقطاع است از غیر و نهایتش
آنکه محبوب گردد و بدایت محبوبیت صفوتست و نهایتش آنکه
محمود شود آدم صفی الله علیه السلام در بدایت
محبوبی بود نام صفوت یافت ان الله اصطفی آدم
سید عالم صلی الله علیه و سلم در نهایت مرتبه محبوبی
بمقام محمود رسید عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا
که اینچنین ترقی یافت و در مقام شهود :. بتغیر حضرة
محبوب عاقبت محمود :. و ازینجاست که در بدایت
حال ملایکه را فرمود که محبوب صفی را سجده کنید
و چون کار بنهایت انجامید فرمود که من بر صاحب مقام
محمود درود میفرستم و ملایکه در ستایش او با من موافقت

می نمایند

می نمایید ای مومنان شما نیز بر وی صلوه فرستید   شعر

صلوا علیه فان الله کرمه   بین الانام باید الصلوة علیه

امام ابو سعید الحسین بن علی المطوعی رحمه الله در عیون
الاجوبه فی فنون الاسوله آورده که چون حق سبحانه
بحکم رفعنا لک ذکرک خواست که ذکر حبیب خود بلند
گرداند افتتاح فرمود بدرود وی و در اینجا ترغیب
کاینات مر امت را بفرستادن صلوة گویا بنظر باید
کرد که من با وجود استغنا از وی درود بر وی بفرستم
شما با وجود احتیاج بشفاعت وی سزاوارتر که
بوظایف درود و سلام او قیام نمائید که آن
در شفاعت را بهتر وسیله ایست   بیت   دست دل در رشته
زلفش زدم   زین نکوتر هیچ دست آویز نیست
جمعی بر آنند که حکمت در افتتاح صلوة الهی

بر حضرت رسالت پناهی انست که درود ملایکه
و مومنان بسبب اقتران با ان قبوت باید و لایق
جناب جلال انحضرت گردد و چه درود خدای حق ت
و درود دیگران رسم و رسم را با حق نسبت
مساوات نیست و ستایش مصطفی صلوة الله و سلامه علیه
بحق باید نه برسم و مقرر است که ستایش هیچ ستاینده
مر انحضرت را چون ستایش حق سبحانه نخواهد بود
بیت
مر او را آنچه از کنه وصف تو که تواند که دم زند
وصفی سزای تو بکنند جز خدای تعالی: پیش محققان بر آنند که
درود و حضرت عزت بر حبیب خود را انست
که حقیقت انحضرة مجلی انوار جمال و جلال ملک متعال
و مرات جامعیت صفات بر کمال مالک لم یزل
و لا یزال است و حضرت حقایق پناهی و لایت دستگاهی

البحر الطامی و البحر السامی مولانا نور الملة و الدین
عبد الرحمن الجامی قدس الله سره در شواهد النبوت
آورده است که ذو الجلال و الافضال در ازل
آزال حضرت و کان الله و لا شیء معه اول تجلی که
بر خود کرد بی آنکه وجود غیر در میان باشد بصورت
شانی بود مطلق کلی جامع بر جمیع شیونات رابی
امتیاز بعض از بعض و صورة معلومیة الشان را تعین اول
و حقیقت محمدی گویند صلوة الله و سلامه علیه و
حقایق سایر موجودات همه اجزاء و تفاصیل آن
حقیقت اند و ازینجا معلوم میشود که متعلق ارادت
اولی اوست و محرک سلسله موجودات بواسطه او
بیت سلسله کاینات را سببی نیست جز شکن زلف
مشکبوی محمد ∴ صلی الله تعالی علیه و سلم و صاحب گلشن راز

روح الله لطای روحه فی تحفه ✻ مراتب جمله زیر پای
اوست وجود کائنات از سایه اوست
همه عالمیان بر خوان وجود طفیلی خوار او شدند و جمیع
آدمیان بدیده شهود مشتاق گران گلزار اوست
درین عالم همه جزو اند و او کل درین بستان همه خار اند
او گل ✻ یکی پیکر از آن خورشید اعظم بجلوه آمده ذرات
عالم ✻ و چون نور حق سبحانه از مشکوة حقیقت حبیب وی
بر سایر حقایق منبسط شد مظهر ستایش الهی گشت
و یکی از انواع ستایش درود حق است بر وی
تنها ثنای تو گفتن نه کار بوالهوس است ✻ ستایش تو
درود خدای اکبر تو بس است حکمته در صلوة ملائکه بر آنحضرت
آنست که چنانکه آدمیان عرضه آفات و هدف سهام
یکسان شدند ملائکه نیز همواره از نوازل قضا و قدر خائف

دبوتم

وسموم بودند واز واقعه ابلیس وحادثه هاروت
ماروت استعاذه مینمودند حق سبحانه برای امنیه
خواطر وجمعیه بواطن ایشان ایشانرا امر فرمود
بدرود وجب خود تا ببرکة صلوة محفوظ باشند
از محن وبلیات واگر یعقوب نبی مبتلا گردند بسبب
درود نبوی ازان خلاص یافته بحالت اصلی خود
باز دوند چنانچه امام تاج الاسلام سلیمان بن داود
السقبینی رحمه الله در کتاب زهرة الریاض اورده
که روزی جبرئیل علیه السلام بجناب نبوة وباب
فتوة آمده گفت یا رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
امروز امری عجب وشانه عجیب مشاهده کرده ام
بوقت نزول از اسمان گذر من بر کوه قاف افتاد
اواز ناله دلخراش وفریادی جگرسوز بسمع من رسید

دانستم که مگسش زده نیست که بدان زاری

می‌نالد و درمانده نیست که بدان نیازمندی خروشد

مصطفی آتشی است که دود از سران می‌آید بر عقب آن ناله

برفتم فرشته دیدم که پیش از آن بر ایوان آسمان

او را بعظمت تمام و احتشامی لاکلام دیده بودم

که بر تختی از نور می‌نشست و هفتاد هزار فرشته

بخدمت وی صف زده می‌ایستادند هر گاه که نفس

زدی ملائکه از نفس وی مخلوق شدندی

القصه او را دیدم با دلی خسته و پای شکسته

رفته

بر زمین افتاده بسینه مجروح و جگر خسته و دل

مباد وه چه حالست مرا کس چنین حال مباد

فرا پیش وی رفتم و از حال وی استفسار نمودم

فرمود که من شب معراج بر تخت خود نشسته بودم

که چون

که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم بر من
بگذشت و من به تعظیم وی بر نخاستم و شرایط
تبجیل و تکریم فرو گذاشتم لاجرم بدین عقوبت
مبتلا گشته از ذروهٔ افلاک بحضیض خاک افتاده‌ام
تو شفیع من باش و از جناب کبریا درخواست کن
تا از من درگذارند [illegible] گذشته عفو باشند از بندگان
گناه من ببارگاه الهی تضرع بسیار کرده مغفرت
آن فرشته مسألت نمودم خطاب رسید که او را
بگوی اگر مغفرت زلت و عفو خطیئت خود میخواهی
بر حبیب من محمد صلی الله علیه وسلم صلوة فرست
تا بمقام اکرام خود باز رسی و جوار قرب ربانی
دریابی صورت حال با آن فرشته گفتم و او
بر حضرت شما صلوة فرستاد و فی الحال اجنحهٔ اقبال

و اهتمام و کمال پدید آمد و از مرکز خاک بمعارج
افلاک طیران نموده بر مسند اعزاز و احترام خود
نشست و برکت این خدمت بسریر حرمت باز رسید
بیت
بی خدمت تو کس بجهان عزتی نیافت ∴ آنکس که خاک در
تو نشد حرمتی نیافت ∴ حکمتی دیگر در صلوات ملایکه
آنست که صلوة مومنان را بسبب موافقت با آن
رواجی پدید آید چنانکه در حدیث آمین هست که هرکه
آمین او با آمین ملایکه موافق افتد گناهان گذشته
و آینده او آمرزیده گردد اینجا نیز چون درود
مومن با درود فرشتگان موافق افتاد حرمت و عزت
آن زیاده شود گفته اند ملایکه وقتیکه نور آنحضرت را
در جبین مبین آدم علی نبینا و علیه السلام می دیدند
زبان بدرود و صلوات گشوده غلغله در زوایای فلک

می افکندند

می افکندند چنانکه سلطان المحدثین قدوه اعاظم
المذکرین السید السند اصیل الدین عبد الله روح الله
روحه در کتاب درج الدرر آورده که
چون ملایکه منزلت دانائی آدم علی نبینا وعلیه صلی الله
علیه وسلم دانستند کمر طاعت او بر میان
جان بسته بر شارع فرمان برداری منتظر اوا
امر او بنشستند هرگاه که بنظر امعان در بشره
زاهره او می دیدند نشید صلواة بر حضرت سید
کاینات بر می کشیدند آدم کیفیت ان حال وچگونگی
ان مقال ازیشان بپرسید گفتند نوری از جبین
دلارای تو سطوع می یابد وشعله از شعله جبهه دلگشای
می تابد که چون نظر ما بران می افتد بر مثال گل
می شکفتیم وعندلیب بی اختیار زبان ما بترنمه صلواة

مترنم میگردد و هست   بلبل چو بگل درنگرد مست شود
سررشته اختیارش از دست شود   پس چون بحضرت
سید عالم بظهور آمد خطاب رسید که ای ملائکه آن نور
که در جبین آدم مشاهده میکردید این دم در میان آن
آدمیان ظاهر شد چنانکه در آن وقت بمراسم
تحیاتش اشتغال داشتید درین زمان بوظایف
صلواتش قیام نمائید تا میامن آن بروزگار شما رسیده
از بوائق نکبات محفوظ مانید و بجلایل برکات محظوظ
گردید چه همه بطفیل او بر خوان کرامت نشسته اند و بفیض او
از عاصفات مهب قهاری در امان اند و بنور عالم
مقدم است و بتفضل از آدم اشرف و اکرم است

ای واسطه وجود عالم   کز عالم و آدمی مقدم
ارواح مقربان قدسی   جمله بطفیل تو مکرم
یک حرف ز دفتر
تو کونین

تو کونین یک طفل ز مکتب تو آدم — حکمت و صلوة
مومنان آنست که ادای بعضی از حقوق دعوة
آنحضرت نمایند با آنکه ایجاب حق شفاعة در ذمه
کرم آنحضرت متحقق گردد چه اهل تحقیق بر آنند که
هدیه صلوة ثمن شفاعت سید کائنات چون
امروز بهر بازار اخلاص ثمن را ادا نمایند
فردا در چهارسوی حشر با خبر از ثمن مستعد شوند
هرچند نقد بها بیشتر دهند متاع فضل و عطا بیشتر برند
شفاعت بخندان که اری بری واگر بفلسی
سرشاری بری عمر بن عبد العزیز فرموده است که حق سبحانه مومنان را
بدرود آنحضرة امر کرد شکرانه آنکه امت اواند
و او افضل رسل است و حسب خود را بدعا و شفاعت
التفات فرمود شکرگذاری که پیغمبر آنست

وایشان خیر الامم اند پس چنانکه تو امروز
بصلوة بوی می نازی او فردا بتو نازد که انی
اباهی بکم الامم و چنانکه تو امروز بصلوة وی می
پردازی او فردا بشفاعت تو پردازد که شفاعتی
لاهل الکبایر من امتی گرچه ما را گناه کار بی‌نهایت
شفاعت امیدوار بی‌نهایت امام محقق شیخ نجم الدین
عمر المعروف بدایه قدس سره در بحر الحقایق در تفسیر
آیه مذکوره فرموده که امر مومنان بصلوة و تسلیم کمال عنایت
الهی است در حق ایشان چه هرگاه ایشان امتثال
فرمان نموده درود بر حبیب وی فرستند بحسب مراتب
ایشان بعضی را رحمت و بعضی را مغفرت و همچنین
برکات و واردات و کشوف و مشاهدات و جذبات
نامتناهیه نفعنا الله و ایشان مرا از میامن صلوة ترقی بدین

مقامات

مقامات دست و ید و حقیقت صلوة الهی بر بندگان
بدین نوع است که هر یک را فیضی خاص که مناسب حال
او بود شرف اختصاص ارزانی دارد

کس نیست که نیست بهره مند از تو ولی   اندر خور خود بحر جرعه

با جامی تحقیقی فرموده است که ترغیب مومنان بصلوة حضرت
رسالت صلی الله علیه و سلم جهت مزید قرب الست
بحضرة احدیت زیرا که بگفتن صلوة مرتبه آنحضرت
می افزاید و افزونی مرتبه او سبب ازدیاد مرتبه
اهل ایمان است زیرا که تابع وابسته بمتبوع میباشد
چندانکه درجه قرب محمدی زیاده گردد تابعان را
نیز که سلسله محبت با وی متصل اند مرتبه قرب بیفزاید
و حضرة مولوی قدس سره در غزل معراجیه میفرماید

صلوة بر تو آرم که فزوده باد قربت   چه بقرب

کل بکر دو همه جزوها مقرب   در کتاب مجمع اللطائف
ومنبع الظرائف آورده که مومنان مامورند بدرود
وستایش پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم زیرا که
ثنا وستایش لازم بود فرزند را بنسبت پدر
وشاگرد را بنسبت استاد وآنحضرت را نسبت
پدری واستادی با امت ثابتست چه المقدار
که آثار مرحمت وعاطفت در همه ابواب از آن
حضرت بنسبت ایشان ظاهر شده فرزندی پدران نتوان تصور
ومفحوای انما انا لکم مثل الوالد لولده شاهد این مدعاست
ودیگر اجتهاد آن حضرت در تعلیم احکام شرعیه وتلقین
آداب طریقت مراتب مرتبه از آن قبیلست
که بر کسی مخفی نماند ومضمون ویعلمکم الکتاب والحکمة گواه
این قضیه است وشیخ الاسلام شمس الدین ابو عبد الله محمد

بن علی

٣٣٧

بن علی الحکیم الترمذی قدس سره در اثبات العلل آورده
که صلوات مومنان که بر سید عالم صلی الله تعالی علیه وسلم
ادا ء حق نبوة و ابوتست چه آنحضرت نبی امت
و پدر ایشانست بهدایت همه را پرورش داده
و شناسائی حقوق وحدود کرد اینده و رافت
و رحمت او بر ایشان از حد احصا متجاوز و بیت حز و
حزده وان از احاطه بدقایق آن متحیر و عاجز هر کرا
دیده روشن است از نظر تربیت اوست و هر کرا
دل پاکیزه ایست آن از اثر تقویت او سو
بیان باغ جهان از زلال فیض هیبت نهال جان مرا
صد هزار نشو و نماست شیخ عارف محقق عز الدین
محمود کاشی زاد الله فتوحه در ترجمه عوارف
در فصل دوم از باب ثانی که ماخذ علم را بیان

سبق باید بر بنوجه آورده که مصدر و منشأ جمیع علوم

حضرت الهی ست و اول موردی که فیض علم از بارگاه

وارد و قابض شد قلب مصطفوی و نفس

بزرگوار نبوی بود علیه افضل الصلوات و اکمل التسلیمات

چه مصفیه الهی و تزکیه ربانی از شوائب کدورات

و از لواث طبیعت صافی و مطهر گشت و در و مناسب

صفا و طهارت قابلیت قبول و نزول علم بدرجه احد و

فراغت و خلو از ما سوی الله دل و شغف کلی بحق

اتصاف بحر علم ازلی یافت و چون بهر طایفه از توارد

علوم در تموج آمده از آن نوازل احوال سینه متوالی

و متعاقب گشت و شعبه از وی در مجاری صفات

روان شد و با نهار اخلاق الهی انشعاب یافت

و نهری از وی بزمین قالب رسید و بحد اول اعمال

صالح

صالح انفس امم بدیرفت و باطن نبوی بفیض علم
وعمل ناظر و مربوی شد و بعد از کمال نظارت
و ارتوا چون امداد فیض علوم هنوز متواتر و متعاقب
بود و از حد احتیاج او زیاده حق سبحانه بر قبول
آن زیادت را از قلوب و نفوس امت متناسب
صفا و طهارت چندین هزار جدول استعداد مهیا کردانید
و از قلب منور و نفس مطهر نبوی فیض علوم و احوال
اخلاق و اعمال در قلوب و نفوس امت روان کشت
و اوعیه قلوب و نفوس ایشان در قبول نزول فیض
متفاوت و مختلف اند بعضی قبول اعمال بیش نداشتند
وایشان عباد بودند و جمعی قبول اخلاق و اعمال
نمودند وایشان زهاد اند و بعضی از استعداد
قبول اعمال و اخلاق و احوال بود و ایشان صوفیانند

منفعلست و پیوسته از مبداء فیاض فیوض کلیه متوجه
الیت ان میباشد پس چون روح یکی از امت را
مناسبت و ملایمت با روح پیغمبر خود ثابت بود هرگاه
لوامع انوار غیبی از عالم اسرار لاریبی بر روح مطهر آن
نبی فایض گردد پرتوی از آن بطریق انعکاس
بر روح وی خواهد افتاد و از آن لامعه بقدر استعداد
مستنیر و مستفیض خواهد شد چنانکه در قصه شعاع
شمس و ظرفیت آب و دیوار و سقف خانه بر همه دیده
دوران روشن است و درین باب گفته اند
کم تفاسینی فی حوالی دورکم   نظر و انقش بین نورکم
چون دلت از فیض نور بی حجاب   شد منور همچو آب
از آفتاب   پرتوی بر سقف جان ما فکن   تا شود
روشن چو گلها در چمن   پس استحکام علاقه ارواح

ایشان

این نسبت بروح پرنور حضرة سید البشر صلی الله تعالی علیه وسلم
بجهة استناره لمعات لاهوتی واستفاضه برکات
جبروتی موقوف است بر وجود مناسبت واشناشدن
با سیرت وسریرت آنحضرة وهیچ واسطه ورابطه
مر آن آشنائی وروشنائی را به از صلوة نیست
وازینجا مفهوم که اولی الناس بی الی یوم القیمة اکثرهم
علی صلوة است در اقتباس لمعه فیض ازینه انام
بهتر وسیله صلوات است وسلام وحکمتی دیگر در صلوة
مومنان اثبات محبت ایشان است نسبت با حضرة
رسالة صلی الله تعالی علیه وسلم که اهل ایمان را از آن
محبت گزیر نیست امام همام شیخ المحدثین الشیخ شمس الدین محمد
بن محمد الجزری رحمه الله در مفتاح حصن حصین آورده
که محبت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم عقدیست از عقود

ایمان که ایمان تمام نشود الا بآن و حدیث صحیح متفق علیه
که لا یؤمن احدکم حتی اکون احب الیه من والده و ولده
والناس اجمعین موید این قول است و مراد ازین حب
طبعی نیست بلکه محبت اختیاریست حاصل شده از
اعتقاد صافی و نیت خالص و این محبت نیست نه
محبت حق سبحانه تعالی است زیرا که حق سبحانه دوست مومنان است
و حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم دوست خدا و علامت
صدق محبت بایشان آنست که دوست او را دوست دارند
و در ترجمه عوارف فرموده که اهل تحقیق و تصدیق و تحقیق را
معلوم محقق است که محبوب محبوب محبوب باشد هر که محبوب محبوب را
دوست ندارد و علامت آنست که محبت او بعلت
عرضی معلول و مدخول است و این چنین کس بحقیقه محب نفس
خود باشد نه محب محبوب و امیر سید حسینی قدس سره

در صفا

در صراط مستقیم آورده که ابلیس را فرمان رسید
که آدم را سجده کن گفت محب ترا سر بغیر تو فرود
نیاید گفتند اگر محب مائی باید که محبوب ما را نیز
محب باشی شعر ان المحب لمن یحب مطیع
محب صادق آنست که او را هیچ مرادی نبود
الا مراد محبوب و هم در ترجمه عوارف فرموده
که همچنانکه محبوب محبوب محبوبست وسیله وصول بحضرة
محبوب هم محبوبست و نزد ارباب ایمان و ایقان
مبین و معین است که حضرة رسول صلی الله تعالی علیه و سلم
هم محبوب الهست و هم وسیله قرب ببارگاه پادشاه
تعالی و تقدس پس محب الهی اقتضاء صدق محبت
محبت
حبیب او صلی الله تعالی علیه و آله و سلم میکند و صدق
آن حضرة موجب مرافقت با وی جائیکه در رسند

انس بن مالک رضی الله تعالی عنه از طریق سالم بن
ابی الجعد رحمه الله منقولست که مردی از حضرت
رسالت صلوة الله وسلامه علیه پرسید که قیامت
کی خواهد بود آنحضرت فرمود که چه چیز اماده کرده
برای آن روز را توجه کار ساخته برای آن گفت :
یا رسول الله نماز و روزه و صدقه بسیار اماده نکرده ام
اما آنست که خدای و رسول خدا را دوست میدارم
حضرت فرمود که فانک مع من احببت پس تو هستی با کسی
که او را دوست میداری و این حدیث متفق علیه است
در صحیحه و هم در صحیحین از طریق شریک بن عبد الله روایت
میکند که اجلس فانک مع احببت و این اشاره
به بضاعتان مفلس است که نقد محبت ایشان به محک
اخلاص تمام عیار آمده بشارتیست عظیم و کرامتی
بغایت جسیم

لعایب حبیب بیت اگر از روی خدمت بشمارم ::
همینم بس که او را دوست دارم :: و امام زاهد ابو بکر
محمد بن ابراهیم کلاباذی رحمه الله در معانی الاخبار
آورده که علامت دوستی کسی دوستی ذکر اوست
بس مومن که دعوی دوستی حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم
کند باید که ذکر او را نیز دوست دارد خواه آنکه
خود گوید و خواه آنکه از غیر خود شنود بیت
از یاد تو نیستم زمانی خالی :: یا میگویم نام تو یا میشنوم
و نشانه ذکر بسیاری محبوبست امام اجل ابو القاسم
احمد بن منصور سمعانی روح الله روحه در روح
الارواح آورده که یکی از بزرگان را پرسیدند
که علامت محبت چیست گفت بسیار یاد کردن محبوب دلیلش
قول سبحانه و تعالی که فرمود اذکروا الله ذکرا کثیرا و گفته

شایبه من احب شیئا اکثر ذکره از همین معنی خبر میدهد

پس علامت آنکه سلطان محبت در سراپرده دل

بر مسند تمکن قرار گرفته آنست که زبان مفتاح خزانه

چنانست پیوسته بذکر محبوب جاری باشد تا معلوم کند

که حجره دل ما از ماسوی او خالیست   از آن است

که سلطان خیالت   بخلوتگاه دل تشریف فرمود

نه از یاد تو غافل میتوان شد   نه از ذکر تو خالی میتوان بود

پس بنده مومن که جمیع اوقات بوظایف صلوة

میگذراند گویا اقامت شهادت مینماید بر محبت حبیب

اللهم ارزقنا حبک و حب من یحبک و من یحبه

فصل دوم در معنی صلوة و تسلیم بحسب لغة و اصطلاح اما

صلوة فعلیست مشتق از صلی بمعنی دعا و اسم دعاست

که در موضع مصدر وضع کرده میگویند صلیت صلوة و نمیگویند

تصلیه

تصلیه و صاحب کشاف میگوید یعنی صلی آنست که حرکت
داد صلوین را و آن جانب رانست وجنبیدن
از عجز و صلوة را که بمعنی نمازست ازین گرفته اند
چه مصلی در رکوع و سجود تحریک این دو عضو میکند
آنکه دعاکننده را تشبیه کرده اند بنمازگذارنده
در تخشع و تضرع و اورا نیز مصلی نیز گفته اند و صلوة را
بمعنی دعا ایراد کرده و جمهور برانند که صلوة در اصل
لغت دعاست و نماز از جهت اشتمال بر دعا
صلوة گویند و حالا لفظ صلوة بر دو چیز اطلاق میکنند
یکی درود و آن دعای است خاص مضمونش استدعای
رفعت درجه قدر و ازدیاد قرب حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم دوم نماز و آن عبادتیست
از هیات چند مشتمل بر ادعیه و اذکار مخصوصه و در ترجمه

عوارف آورده که لفظ صلوة در اصل لغت موضوع است
بازاء معنی دعا در شریعت بازاء مجموع اذکار و هیأت
جسد قلبی و قالبی قولی و فعلی یعنی حقیقة دعا بر وضعی
که اتم و اعم بود آنست که بنده بجمیع اجزای وجود
قولاً و فعلاً و عملاً و حالاً حق را سبحانه از سر تضرع و ابتهال
بخواند و همگی او در آن وقت زبان شود تا هیچ ذره
از ذرات وجودش ظاهراً و باطناً از دعا متخلف
نبود و بدین صفت در حکم المصلی یناجی ربه داخل شود
متکلم باشد با حق سبحانه بطریق مناجات

مرا غرض ز نماز آن بود که یک غمت غم فراق ترا با تو
دراز بگذارم وگرنه این چه نمازی بود که بی تو بجای
نشسته روی بمحراب و دل ببازارم

همچنین درود
دهنده نیز باید که هرگاه الفاظ صلوة بر زبان راند

معانی

معانی آنرا از سر حضور باطن وصفای خاطر تدبر نماید
تا نطق لسان که ترجمان دل است حاکی باشد
از نطق دل چه اعتبار نطق دلراست ونطق زبان
ترجمانست کما قیل شعر ان الکلام لفی الفؤاد وانما
جعل اللسان عن الفؤاد دلیلا   پس اگر نطق لسان
مترجم نطق دل نبود توجه درود دهنده بجناب
جلال محمد صلی الله تعالی علیه وسلم واقع نباشد وبی
توجه بمطلوب کسی بمنزل مقصود نرسد مصراع   رو جانب
ما دار اگر طالب مائی   وگفته اند اشتقاق صلوة
از صلی است ومعنی صلی در آتش افگندن باشد پس نماز
گذارنده بقبول انوار تجلی صفات از غایت خضوع
وخشوع وحرقت ودر زبان گویا که در عین آتش است
وهمین دستور درود دهنده باید که در توبه محبت

مصراع [illegible]

حبیب صلوات الله وسلامه علیه باتش شوق
ذوبان یافته از غش ریب و شبهه صافی شده باشد
تا نقد حالش بر محک اخلاق تمام عیار آید مصراع
بگداز نقد هستیی در کوره ریاضت تا بر محک معنی کامل
عیار باشی بعضی بر آنند که صلوة از صلیه گرفته اند
که بمعنی متابعت است قال الله تعالی فلا صدق و لا صلی و مصلی را
که تابع مجلی باشد مصلی گویند پس نماز گذارنده متابع امر
واضع شرع است در ادای ارکان نماز و درود دهنده
پیرو فرمان خدا ایستاده است در فرستادن درود
بر پیغمبر او و جمعی گویند اشتقاق صلوة از صله است
وآن پیوستن باشد پس نماز گذار حقیقی آنست
که در حال صلوة بغلبه نور شهود و تلاشی رسوم و حدود
وجود از خلق منفصل و بحق متصل بود درود دهنده کامل
آنکه

آنکه با نوار سنت بپیوسته و از آثار بدعت منقطع شده
باشد و از کلمات قدسی سمات ابو الفضایل عبد الله بن
محمد الهمدانی المیانجی المشتهر بعین القضاة همدانیست قدس سره که
همچنانکه صلوة که بمعنی نمازست صله قبض رتبت بمربوب
و رابطه تقرب عبد بمعبود صلوة که بمعنی درود باشد
صله التفات محبوبیت و واسطه اتصال است باکثره
و اتصال بکسی به انفصال از غیر او صورت نه بندد پس
مصلی بهر دو معنی باید که از ماسوی مطلوب بگسلد تا
بدو تواند پیوست ؎ چون پیوند با دوست بخواهی ای دل
ز چیزی که جز اوست پیوند بگسل مشهور میان جمهور امت
که صلوة از حق سبحانه بمعنی رحمتست و از ملائکه بمعنی استغفار
چنانکه از مضمون و هو الذی یصلی علیکم و ملائکته مستفاد میشود
از بشر و سایر مومنان بمعنی دعا کما قال الله تعالی و صل علیهم

ای ادع لهم بالبرکة و امام ابن الجوزی رحمه الله در تفسیر
زاد المسیر آورده که صلوة خدای پنج معنی دارد رحمت
و مغفرت و ثنا و تزکیه و کرامت و صلوة ملائکه بمعنی دعا
و استغفار است و صلوة مومنان دعاست و بس
و امام شهید شمس الدین سمرقندی رحمة الله علیه در احقاف
آورده که صلوة از حق سبحانه ذکر خیر بنده است و ثنا
و رحمت و رضوان و از ملائکه ثنا و دعا و امام المحدثین
شیخ عفیف الدین کازرونی رفع الله درجته در اربعین
از مبرد نقل کرده که اصل صلوة ترحم است پس از خدای
بمعنی رحمت بود و از ملائکه بمعنی رقت و محققان
بر آنند که صلوة بمعنی رحمت داشتن قولی ضعیف است
زیرا که حق سبحانه میان صلوة و رحمت فرق کرده است
آنجا که فرموده اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة چه عطف

مقتضی

مقتضی مغایرتست و دیگر آنکه صلوة خاص است با نبیا
و رحمت را عمومی هست کما قال و رحمتی وسعت کل شیء
و دیگر آنکه خلاف نیست در جواز رحمت بر مومنان و در
جواز صلوة بر غیر انبیا صلوة اختلاف است پس معلوم میشود
که صلوة از حق سبحانه ثنا او است و آن بر دو وجه واقع شده
یکی عام چنانکه هو الذی یصلی علیکم و دیگر خاص با نبیا و رسل
خصوصًا بر افضل و اکمل ایشان صلوة الله علیه و علیهم اجمعین
و قاضی رحمة الله علیه در شفا عیاض از امام بکر قشیری روایت
میکند که صلوة از خدا مر غیر نبی را رحمتست و مر آن
حضرت را تشریف بر زیادتی تکرمت و از ابو العالیه
رحمه الله منقول است که صلوة خدای بر پیغمبر ثنای اوست
نزد ملائکه و صلوة ملائکه دعا آنحضرت بر درگاه حق
و گفته اند صلوة حق سبحانه بر وی تعظیم و حرمت است و صلوة

ملایکه اظهار کرامت وصلوة امت طلب شفاعت جمعی بر آنند

که صلوة حق سبحانه بر پیغمبر از حیثیت فعل است نه از حیثیت قول

چنانکه شهادت او سبحانه بتوحید خود فعلی است نه قولی

یعنی اثبات وحدانیت خود فرمود بنصب دلایل ولوایح

آیات و ایراد حجج و براهین اینجا نیز صلوة الهی کرامتی

چند است که در بارهٔ آنحضرت فرموده وبعضی از آن

کریمه انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک

وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما مستفاد میگردد

امام خطابی رحمة الله علیه فرمود که صلوة بمعنی تعظیم و تکریم است

مر غیر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم نمی باشد

اما آنکه بمعنی دعا و تبریک است در شان غیر او میباشد

چنانکه اللهم صل علی محمد ال ابی اوفی ای ترحم و تبرک

و امام علامه رحمة الله علیه در اسرار التنزیل فرموده

که صلوة

که صلوة از خدای تعالی بر دو وجه است عام مر همه مومنان را
چنانکه هو الذی یصلی علیکم و خاص مر انبیا را چنانکه اولئک
علیهم صلوات من ربهم و خاص الخاص مر حضرت رسالت را
صلی الله علیه و سلم چنانکه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی
و اهل تحقیق بر آنند که هر یک از صلوة خدای تعالی و ملایکه
و مومنان قولی و فعلی میباشد پس صلوة از خدای تعالی
بر غیر نبی رحمت است و برای پیغمبر یا قولی بود و آن ثنای
و مدحت و ستایش و منقبت یا فعلی و آن توفیق عصمت
و تایید کرامت است و صلوة ملایکه بر غیر نبی استغفار باشد
و بر آنحضرت یا بفعل بود و آن نصرة و معاونت است
یا بالقول و آن اظهار مدحت و فضیلت است و صلوة مومنان
بر غیر نبی را دعاست و بر آنحضرت فعلا اتباع سنت است و قولا
طلب شفاعت و جمعی از علما بر آنند که معنی اللهم صل علی محمد

که بر زبان مومنان میگذرد و آنست که بار خدایا تعظیم کن
حبیب خود را در دنیا باعلای دین و اظهار دعوة و اعظام
ذکر و ابقاء شریعت و در آخرت بتضعیف مثوبت
و قبول شفاعت او در شان امت و تقدیم او بر کافه
انبیا و رفع درجه او در جوار کبریا و این دعای شبیهه
بمصعد اجابت میرسد   این دعائیست که چون او را از دل
به زبان میکنندش فیض الهی استقبال و حضرت شیخ المشایخ
سعد الحق و الملة و الدین محمد الحموی قدس سره در رساله
حقایق الحروف آورده که صلوة مرکبست از صاد بمد و لام
لطیف و واو واحد و هاء هادی و سر یای خاص از هر اسم
با صلوة معنی پس بمعنی صلوة مطلع نگردد الا کسیکه
حقایق این اسماء بروی متجلی شده باشد و دل وی
از انوار تجلیات این اسماء مستنیر و فیض پذیر گشته

و داود

و درود وی که بر زبان چنین کس که ز دل بی شبهه
شایسته بارگاه جلال خاتم النبین علیه افضل صلوات
المصلین تواند بود **فصل** تسلیم در قران بر پنج معنی امده
اول پاک ساختن از عیبها چنانکه مسلمة لاشیة فیها:
دوم سپردن چنانکه اذا اسلمتم ما اتیتم سیم تسلیم فروتنی کردن
چنانکه ایمانا وتسلیما چهارم سلامت دادن چنانکه ولکن الله
سلم پنجم افرین گفتن چنانکه وسلموا تسلیما امام اقضی القضاة
ابو الحسن علی بن محمد الماوردی البصری رحمه الله در تفسیر
نکت وعیون فرموده که تسلیم که در ایه صلوة وارد شده
دو وجه دارد اول باز سپردن خود بحکم کسی یعنی معنی
ایه چنین بود که ای مومنان درود دهید بر پیغمبر و
باز سپارید خود را بوی یعنی منقاد فرمان وی شوید
وگردن نهید حکم ویرا گردن نهادنی دوم سلام گفتن

بعد از درود بر وی سلام گویید سلام گفتنی

واین معنی به سیاق آیه اشبه و قاضی بیضاوی در تفسیر نموده

که سلام بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم سه معنی دارد

اول آنکه سلام بمعنی سلامت باشد یعنی سلامت مر ترا باد

و با تو باد دوم آنکه سلام نام حضرت ملک علام بود

و معنی آنکه حق سبحانه بر حفظ و رعایت تو وکیل و معاون

و حافظ تو کفیل است سیم آنکه سلام بمعنی مسالمه باشد

یعنی تسلیم و انقیاد از جانب ما مر ترا است بهرچه فرمایی

ماموریم و از مخالفت معاونت در فرمان تو دوریم

بهرچه حکم کنی بنده ایم و فرمان بر   بهرچه امر شود

چاکریم و خدمتکار

فصل سوم

در مباحث وجوب و استحباب

صلوة جمهور علما متفق اند بر آنکه امر الصلوة در آیه

مذکوره محمولست بر وجوب و قول بعضی که حمل بر ندب

کرده اند

از نسخه

کرده اند چنانکه در شفا مذکور شد مرجوع ست
و انها که فرض و واجب را یکی دانند گاهی بلفظ
فرض اد امیکنند و گاهی بلفظ واجب و بمذهب
ایشان در مقدار فرض از ان اختلاف ست
امام مالک رحمه الله فرموده که فرض هم عمره ست
و او را وقتی معین نیست اگر کسی در همه اوقات
عمر یکبار بگفتن او قیام نماید از عهده فرض بیرون امده
باشد و واجب از گردن او ساقط شود و قولی نادر هست
که در تمام عمر سه نوبت واجب ست و ائمه شافعیه رحمهم الله
بر انند که گفتن صلوة فرض ست در نماز در قعده اخیره
و در غیر ان مندوب و مستحب ست چنانکه شرح ان بیاید
و صلوة نزد امام اعظم رحمه الله باشد روایات
واجب ست او یا از در کلمه وجوب اختلاف نموده اند

در شرح قدوری زاهدی لعلامة فقط آورد

که امام ابو الحسن کرخی رحمة الله فرموده که صلوة بر پیغمبر

صلی الله علیه وسلم واجبست در همه عمر یکبار بجهت امر

یا ایها الذین امنوا صلوا علیه که بدان واقع شده

و امر مقتضی تکرار نیست و امام طحاوی رحمة الله گفت

که واجبست نزدیک ذکر آن حضرت هر چند واقع شود

در صلوة جلالی از بعضی نسخ نقل میکنند که درود

نام کتابیست

بپیغمبر صلوات الله وسلامه علیه واجبست در همه عمر

یکبار بابتداء و در هر مجلسی که ذکر او کنند یکمره و در آخر

فصل ثالث از کتاب استحسان ذخیره آورده که درود

بر نبی فرض است فی الجمله به نزدیک سماع ذکر وی

و در کتاب صلوة وی از خزانة المفتین لعلامه اخ

مذکورست که درود بر نبی فریضه همه عمرست در نماز

یا حاضر ناظر

یا خارج نماز و در شفا از قاضی ابوبکر بن بکیر رحمة الله
نقل میفرماید که حق سبحانه درود پیغمبر را صلی الله علیه وسلم
بر مومنان فرض کرد اینده و بهم انوقتی و زمانی معین
نساخته پس لازم ست در هر وقتی که توانند بدان
قیام نمودن و در ان باب به تغافل و تکاسل موصوف
و موسوم نابودن الا ایها الاخوان صلوا وسلموا
علی المصطفی فی کل وقت وساعة فان صلوة الهاشمی محمد
تنجی عن الاهوال یوم القیامة فی شام وسحر به روز
و شب به مه و سال غافل مشو از درود او در همه حال
وسلام بر ان حضرت در تشهد بباید گفت و تشهد
در قعده اخیره بقول امام اعظم رحمة الله واجب
وبقول امام شافعی رحمة الله فرض ست و در قعده اولی
بقولی واجب وبقولی مسنون و بر هر تقدیر سلام

بر آنحضرت از کلمات تشهد است و در روایة ابن مسعود

وجه در روایة ابن عباس رضی الله عنهما اما در روایة

ابن مسعود معرف السلام علیک ایها النبی معرف بلام است

و در روایة ابن عباس رضی الله عنه غیر معرف سلام علیک

ایها النبی و در صلوة کافی از امام ابراهیم نخعی رحمه الله

نقل کرده که سلام بر نبی محترم تتمه است از صلوة بر دو

مباحث وجوب استحباب صلوة و سلام در فصل سوم

مذکور خواهد شد علما را آنکه بر غیر پیغمبر ما صلی الله تعالی علیه و سلم

صلوة توان فرستاد یا نه اختلاف است از ابن عباس

رضی الله عنه روایتی هست که بر غیر حضرت رسول صلوات الله

و سلامه علیه درود روا نیست و آنکه قاضی عیاض

رحمه الله فرموده که بخط یکی از مشایخ مالکی نوشته دیدم

که جایز نیست بر هیچ یک از انبیا درود فرستادن

الا بر

الا بر محمد صلی الله علیه وسلم تقویه این قول میکند
اما الحب واقع ضعیف و مهجور است و مشهور از مذهب
امام مالک آنست که در مبسوط فرموده که کراهت
میدارم صلوة را بر غیر انبیا و روایت صحیح از
ابن عباس رضی الله عنه آنست که نشاید صلوة بر هیچ کس
الا بر پیغمبران و این قول مرضی جمهور است اما مخصوص سلام
علی المرسلین بر همه ایشان سلام میتوان فرستاد
بعضی علما رسل ملایکه را در زمره مرسلین داخل دارند
چه ایشان نیز رتبه رسالت هست کما قال الله تعالی
یصطفی من الملائکه رسلا امام بدر الدین اسمعیل رحمه الله
در کتاب الوزر و الاذکار فرموده که بر سایر انبیا سلام
میتوان داد اما اختلاف در آنست که سلام بر ایشان
فرض است یا نه بعضی علما بفرضیت قایلند و برخی باستحباب.

وجمعی بر آنند که بعضی از انبیا فرض ست وآن پنج پیغمبر اند
که حق تعالی سلام ایشان در آیات آیه وترکنا علیه فی الآخرین
الحاق فرموده نوح وابراهیم وموسی وهارون والیاس
علی نبینا وعلیهم السلام وبعضی این است که بگذاشتیم
برای یاد ایشان از امم یعنی آیندگان بعد از ایشان
سلام ایشان را تا گویند سلام علی نوح فی العالمین
سلام علی ابراهیم سلام علی موسی وهارون سلام
علی الیاسین پس سلام بر این پنج تن از انبیا که مقطوع به است
فرض باشد وبر غیر ایشان سنت واضح اقوال آنست
که صلوة وسلام بر همه انبیا وملایکه توان داد وبر غیر
ایشان ابتدا روا نیست ودر شرح مشکوة الانوار
از شیخ امام همام محی الدین ابو زکریا یحیی بن شرف الحزامی
النووی رحمه الله نقل کرده که صحیح آنست که صلوه بر غیر

انبیا

انبیا و ملایکه بطریق ابتدا مکروهست کراهت تنزیهی
چه آن شعار اهل بدعتست و ما را از آن نهی کرده اند
و امام الحرمین ابو محمد الجوینی قدس سره فرموده که سلام
نیز درین مسئله حکم صلوة دارد صاحب کشاف آورده
که قیاس اقتضای آن میکند که صلوة بر هر مومنی روا باشد
بنا بر آیه هو الذی یصلی علیکم و حکم وصل علیهم و دعای اللهم
صل علی آل ابی اوفی لیکن علما را درین باب
تفصیلی هست و آن چنانست که اگر صلوة بر غیر نبی بر سبیل
تبع است چنانکه صلی الله علی محمد و آله روا باشد اما اگر افراد کنند
بطریق تخصیص جایز نیست چه صلوة شعار ذکر انبیاست
و نشاید که علی الانفراد بر یکی از امت اطلاق کنند
و قاضی رحمه الله در شفا فرموده که صلوة مخصوص است
با نبیا و علامت توقیر و تعظیم ایشانست همچنانکه ذکر

حق سبحانه مخصوص است به تسبیح و تقدیس و تعظیم پس چنانکه
روا نیست نام غیر حق تعالی را شریک دادن با نام
حق تعالی در ان تعظیم روا نباشد غیر انبیا را با ایشان علیهم
شریک ساختن در ان تبجیل و تکریم و در کتاب
استحسان محیط برهانی از قول امام اعظم رحمة الله
آورده که درود نفرستد کسی بر کسی الا بر پیغمبر و امام محمد
رحمة الله بر این رفته و امام ابو یوسف رحمة الله گفته
لا باس به و اگر غیر نبی را بر اثر نبی ذکر کنند در صلوة
باتفاق جایز است و در ان خلاف نیست و در عیون
المسایل فرموده که مکروه است صلوة بر غیر نبی بر نوعی
که اللهم صلی علی فلان اما اگر بعد از صلوة بر پیغمبر ذکر دیگر
کنند رواست و برخی از محققان هیچ غیر را در صلوة
افراد ایشان هرگز نکنند بلکه تابع حضرت رسالت سازند

بطریق حرمت

بطریق حرمت و اولویت وقدوة المشایخ قطب
الملة والدین محمد البرغشی رحمة الله در گفتن و نوشتن
اسامی پیغمبران این قاعده رعایت فرمودی
و بر نوع چه گفتی که علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام و
بهمین منوال کتابت فرمودی و می‌فرمودند که جد
اعلای من شیخ المشایخ نجیب الدین علی برغشی قدس سره
از شیخ خود قطب الاولیا قدوة الاقطاب شیخ
شهاب الدین عمر السهروردی قدسنا الله بسره برین
قانون دیده و شنیده بودند و چون انبیا که محرمان
حریم دعوة و محترمان حرم بعثند در سرای وجود
بطفیل آنحضرت مهمان خوان کرم وجود اند اگر
بر مایده پر فایده درود نیز طفیلی وار نواله از
نوال دولت بی زوال او یابند عجب نمی نماید

کیست برین خوان که طفیل تو نیست • کیست درین خانه
که خیل تو نیست • صدر نشین سرای وجود • جمله ز صدر
تو کد این جود • شارع از او روان شرع تو •
اصل تو و جز تو همه فرع تو **فصل چهارم** چهارم در کیفیت صلوة
و تسلیما بباید دانست که در چگونگی صلوات احادیث
بسیار بصحت پیوسته و در هر یکی بنوعی دیگر مذکور است
امام نواوی رحمه الله در ریاض الصالحین
و در صحیح بخاری از ابی سعید خدری رضی الله عنه نقل میکند
که گفتیم یا رسول الله ما چگونه بر تو صلوة فرستیم فرمود
که بگویید اللهم صلی علی محمد عبدک و رسولک کما صلیت علی
ابراهیم و بارک علی محمد کما بارکت علی ابراهیم و در اربعین
کازرونی مذکور است که چون طرق احادیث وارده
در صلوة بتصحیح رسید اصح آنست که مصلی مجموع

طرق

طرق را جمع کند و همه الفاظ وارده تلفظ نماید تا ناطق شده باشد
بآنکه پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم بدان ناطق شده
و امام نواوی رحمه الله در اذکار فرموده که افضل آنست
که گویند اللهم صل علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی
الامی و علی آل محمد و ازواجه و ذریته کما صلیت علی ابراهیم
و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد النبی الامی و علی آل محمد
و ازواجه و ذریته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم
فی العالمین انک حمید مجید چه این صلوة جامع جمیع طرق احادیث
صحیحه است امام عفیف الدین رحمه الله تصحیح فرموده بخلاف
لفظ علی از آل ابراهیم در هر دو موضع چنانکه اینجا ثبت
افتاده و در تصانیف بعضی از ائمه حرف باثبات
علی در موضعین مذکور است و الله اعلم بحقیقة الاحوال و امام
نواوی رحمه الله در روضه آورده که اقل صلوة بر پیغمبر

صلی الله تعالی علیه وسلم بمعنی صیغه که بدان از عهده صلوة

بیرون توان آمد آنست که گوید اللهم صل علی محمد یا صلی الله

علی محمد یا صلی الله علی رسوله وگفته اند صلی الله علی النبی و وجهی آنست

که صلی الله علیه کافیست واقل صلوة بر آل آنست که گوید

و آله وصل از مروی احادیث مذکوره استدعای صلوة

و برکات از حق سبحانه بر حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم

معلوم شد و در بعضی دیگر از احادیث طلب رحمت

وحنان وسلام نیز معلوم میشود چنانکه قاضی رحمه الله

در شفا از مرتضی علی رضی الله عنه نقل میکند که بشمرد

پیغمبر صلی الله علیه وسلم این کلمات را در دست من

و فرمود که جبرئیل علیه السلام اینها را بر دست من بشمرد

وگفت همچنین از رب العزت منزل شده است که اللهم

صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم

الخ

انک حمید مجید اللهم بارک علی محمد وعلی ال محمد کما بارکت
علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انک حمید مجید اللهم ترحم
علی محمد وعلی ال محمد کما ترحمت علی ابراهیم انک حمید مجید
اللهم تحنن علی محمد وعلی ال محمد کما تحننت علی ابراهیم وعلی
ال ابراهیم انک حمید مجید اللهم سلم علی محمد وعلی ال محمد
کما سلمت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انک حمید مجید
و از ابن عباس و ابو هریره رضی الله عنهما منقول است
که بعد از صلوة و برکات منفرد نموده اند که وارحم محمد وال محمد
کما رحمت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انک حمید مجید
و در کتاب صلوة از ذخیره برهانیه از محمد بن عبدالله
رحمة الله نقل میکنند که مکروه است قول مصلی که وارحم
محمد وال محمد چه درینجا نوعی ایمااست به تقصیر انبیا علیهم السلام
زیرا که استحقاق رحمت بعد از ارتکاب چیزیست

که بدان مستحق ملامت شده باشند و ما مأموریم بتوقیر
و تعظیم انبیا نه بانتساب موجبات ملامت بدیشان
و از این است که بعد از ذکر هیچ پیغمبری میگویند رحمه الله
و صحابه را نیز ترحم نمیکنند بجهت حرمت بلکه ترضی مینمایند
و شیخ الاسلام خواهرزاده رحمه الله برین است
که امام شمس الائمه سرخسی رحمه الله میگوید لا باس به برای
آنکه اثر وارد شده است بآن از طریق ابن عباس
و ابوهریره رضی الله عنهما و در اتباع اثر هیچ عیبی لاحق
نشود بر متبع و دیگر آنکه هیچ احدی از رحمت الهی مستغنی نیست
و از حضرت رسول منقولست که بین السجدتین در نماز گفتی
اللهم اغفر لی و ارحمنی و دیگر در تعلیم سلام فرموده السلام
علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و حضرت رسالت
صلی الله تعالی علیه و سلم بر بعضی انبیا علیهم السلام دعا رحمت فرموده

جاکم

چنانکه رحم الله اخی موسی و رحم الله اخی لوطا پس ترحم
بر انبیا روا بود فصل در حدیث ابی مسعود بدری الانصاری
رضی الله عنه وارد شده که آنحضرت بعد از تعلیم صلوة
فرمود که والسلام کما قد علمتم یعنی سلام بر من همچنانست
که شما آموخته شده آید در شفا آورده که مراد آنست
که در تعلیم تشهد فرموده بود که بگوید السلام علیک
ایها النبی و رحمة الله و برکاته یا سلام علیک و رحمة الله
و برکاته و حضرت شیخ المشایخ قطب الاولیا ابو المکارم
رکن الملة والدین علاء الدولة السمنانی قدس الله سره
در کتاب مدارج و معارج فرموده که چون حضرت
عزت را آنحضرت ثنا گفت بدین نوع که التحیات لله
والصلوات والطیبات حق سبحانه بازاء آن بر آنحضرت
سلام فرمود بدین وجه که السلام علیک ایها النبی و

رحمة الله و برکاته لفظ سلام قائم مقام تحیاتست
و رحمة الله در عوض صلوة و برکاته بدل از طیبات
و هیچ کس از غیر سید انام بدین نوع سلام از
حضرت ملک علام شرف اختصاص نیافته محققان برآنند
که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم در شب معراج سه
تحفه ببارگاه عزة برد تحیات و صلوة و طیبات و در
عوض آن چهار هدیه بنقد کرامتش کردند سلام
و نبوت و رحمت و برکت و ازین جمله سلام مفرد یاد کرد
و چهارم را که برکت ست جمع آورده تا معلوم گردد
که آن پیوسته در ترقی و تزاید خواهد بود زیرا که لفظ
برکته هر چند مفرد ست دلالت بر زیادتی دارد و پس
چون بصیغت جمعیت یابد هر اینه دلالت بر تضاعف و تزاید
خواهد داشت و این ست که امروز پرتو آفتاب دولته

محمدی

محمدی از جای مشرق و مغرب را روشنی می بخشید و اعلام ملت
احمدی در اطراف و اکناف عالم بر افراخته میشود و
٤ دین تو منور از نتایج آن حضرت است و گفته اند سلام بر آنحضرت
در نماز هم از آنست که مذکور شد در غیر نماز با نواع آمده
و هر یک در محل خویش ذکر خواهد یافت و در شفاء مذکور است که مرتضی علی
رضی الله عنه برین وجه سلام گفتی بر پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم
که السلام علی نبی رسول الله السلام علی رسول الله السلام
علی محمد بن عبد الله شعر سلام سلام لا یحد انتشاره
علی من له نور منیر علی الشمس :: سلامی چو باران که بر گل چکد
ز گل بر ورقهای سنبل چکد :: بر آن سرو دلکش از دین برو رسید
کزو تازه شد روضه سروری فصل بعضی علما بر آنند
که صلوة امت بر پیغمبر درخواست صلوتست از حضرت عزت
بروی و موید این قول احادیث مذکوره است در گفته

صلوة چه در جواب سایلان از چگونگی صلوات چنین فرموده‌اند
که بگویند اللهم صل علی محمد و معنی این کلمات آنست که بار خدایا
تو درود فرست بر آنحضرت و این اشاره است بآنکه درود
ما را حواله فرماید بحق سبحانه و از و مسئلت نماید و نکته در آنکه
مومنان درود بر آنکه مکلف‌اند مامورند حواله بحق سبحانه مینماید
آن گفته‌اند که بزبان حال ایشان از روی عجز و نیاز بطریق
تضرع و تخشع میگویند خداوندا ما را بصلوة برسید کاینات
امر فرمودی و ما آن گونه صلوتی که لایق جناب جلال احمدی
و مناسب بارگاه کمال محمدی باشد نمیدانیم و بهر وجهی که باید و شاید
بدان قیام کردن و بر آن اقدام نمودن نمیتوانیم تو بکرم
عمیم و فضل عظیم خود درودی که سزاوار آنحضرت باشد
بوی فرست شعر سلام من الرحمن نحو جنابه
لان سلامی لا یلیق ببابه خدایا درود شه انبیا بوجهی که شاید

ز نقود و مایه

نه مقدور ماست تو از لطف خود جای خود درست

درود و سلامی که او را سزاست و در عیون الاخبار

آورده که صلوة ثناست و ثنا در نام امثال ما را نشاید ستایشی

که در خور حضرت خاتم النبیین علیه افضل صلوة المصلین

تواند بود ستایش خداست منفرد بالوهیة و متوحد بربوبیه

چه قدر آنحضرت را جز حق تعالی نشناسد چنانکه حضرة عزت را

نیز کسی مانند وی نشناخت بیت جز خدا قدر تو کس نشناخت زانکه

کس خدا را همچو تو نشناخته ∴ بنده خسرو تا نوشته مدحتت

ز آتش دل جان خود بگداخته ∴ بقول جمعی از علماء

که گفته اند صلوة از خدای رحمت است و از غیر وی طلب رحمت

پس هرگاه کسی بعد از ذکر آنحضرت و سماع آن و کتابت

نام ایشان صلی الله تعالی علیه و سلم میگوید و مینویسد

بدان معنی خواهد بود که ما بزبان حال طلب رحمت کرده ایم

دحق سبحانه رحمت کامله بر وی ارزانی فرموده و برینوجه
فعل ماضی بر معنی خود بود و نشاید که از قبیل دعا باشند
چون غفر الله له و ایده و ابقاه و امثال ان و چون
در معرض دعا واقع بشده افاده معنی مستقبل بود و مضمون
ان باشد که خدای تعالی یا رحمت شامله بر وی نثار کناد
وصل حکمت در تخصیص لفظ اللهم که بمعنی یا الله ست در
ادای صلوة دون باقی اسما چون یا رب صل علی محمد صلی الله
علیه وسلم و یا رحمن سلم علیه ان گفته اند که الله اعظم
اسما الهی ست بدان دلیل که اساس توحید بر اوست
و کافر بسبب گفتن ان در اثنای شهادة از حضیض
کفر بذروه ایمان انتقال یابد مثلا در گفتن لا اله الا الله
که علامت اسلام است اگر بجای لفظ الله لفظ الرحمن گوید
با انکه او نیز اسمی ست خاص اللفظ هنوز از ظلمت کفر بیرون نیامده

و بنور ایمان

وبنور ایمان نرسیده باشند پس حق سبحانه نفی الوهیة
از غیر خود و اثبات واحدانیة خود بدین کلمه کرد و چون
خواست که حبیب او صلوات الله وسلامه علیه از ماسوی
اعراض نموده بکلی اقبال بحضرت او فرماید و از مضیق
عوایق بشریه بعرصه کاه جلال صمدیه متوجه کردد تلقین همین
اسمش امر کرد که قل الله ثم ذرهم شعر الله الله چه طرفه
نام ست این ∴ در دل حرز جان تمام ست این ∴
هر که زین اسم بهره مند بود ∴ بهرهٔ او همین بسند بود
شرح این نه ز دیو مردم پرس ∴ از قل الله ثم ذرهم پرس
وهمین اسم را اسم جامع گفته اند وحضرت شیخ الاعظم
قدوة المحققین شیخ صدر الحق والحقیقة والدین القونوی
قدس الله سره در اعجاز البیان فرموده که الله اسم جامع کلی است
که مطلقاً بحیثیت حکمی متعین نیست واصلا اسناد امری

خاص بدو صحیح نی و هر توجه و سوال و التجا که اضافه کرده شود
بدین اسم اضافه ان بدو نسبت امری بمقید خواهد بود
بحسب حال متوجه و سایل وملتجی چنانکه مریض وغریق مثلا
چون التجا بدین اسم نمایند از حیثیه شفا و نجات باشد
وعلی هذا القیاس و شیخ مدقق شمس الدین فناری رحمه الله
در تفسیر فاتحه فرموده که الله را اسم جامع از ان گویند
که جامع نعوت کمال است چنانکه غوث الاکبر صاحب فتوحات
قدسنا الله بسره اورده که معنی الوهیه استغنا او
از غیر و احتیاج غیر بدو اول بمقید جلال است و ثانی مشعر بجمال
و کمال عبادت از مجموع هر دو صفت که در اسم الله اند
اند راج یافته و حضرت شیخ الاقطاب و قطب المشایخ
ابو محمد بن ابی نصر البقلی المشهور بروزبهان قدس الله تعالی
سره العزیز در تفسیر عرایس فرموده که الله اسم جامع است

بدان معنی

بدان یعنی که هر اسمی که هست از اسماء حق سبحانه تعلق
بصفتی از صفات الهی دارد بخصوصه الا این اسم که
متعلق است بذات با همه صفات لاجرم صفت جمعیت درو
متحقق باشد و حق جمعیت شناسد که اشاره قل حسبی الله
از کجا جز شنید هدایت پس بود در نزد حق صاحب معنی :: حسبی الله
گواه این دعوی :: غرض از ایراد این کلمات آنکه بر
هوشمند خبیر مخفی نماند که الله اسم اعظم و اسم جامع است
بعد از تذکر این مقدمه بباید دانست که حضرت رسالت پناه
نیز از صفت اعظمیت و جامعیت کلیه کامل و قسطی شامل محفوظ
و مخصوص است یکی از عرفا فرموده که اعظم و اوسع و اجمع
مجموع تعینات تعین اول است یعنی حقیقت محمدی صلی الله علیه و سلم
که مجلی تجلی اول است و گاه از آن حقیقت اراده تعین کنند
و گاه اراده تجلی و گاه اراده مجموع پس نظر بدان تعین

آنحضرت را مظهر اسم اعظم و مظهر جمیع اسما خوانند و نظر
بدان تجلی اسم اعظم گویند و شیخ محقق نادرة الوقت
فخر الدین ابراهیم المشتهر بالعراقی نظر بهر دو اعتبار
ذات تعین
از زبان آن حقیقت تعبیر نماید فی الجمله مظهر اسما است
بل اسم اعظم نیز که حقیقت خود بیکرم و حضرت حقایق پناه قدس سره
در اشعة اللمعات آورده که اضراب که افاده ترقی
میکند بنا بر آنست که از مظهریت باسمیت عدول کرده و آن
یا بملاحظه اتحاد بین المظهر والظاهر خواهد بود و یا بملاحظه اکمل
موجودات کونی نیز فی الحقیقه هر یک اسمی اند از اسما
در یابکی و بعد از وقوف بر اعظمیه حقیقیه حضرت ختمیه
این نکته را نیز متذکر باید شد که اسما را الهی مقتضی آنند
که هر یک را مظهری باشند تا اثر آن اسم در آن مظهر ظهور کند
مثل رحمن و رزاق که ظهور صفت رحمت و رزق بمرحوم

در اوراق بست

و مرزوق است و علی هذا القیاس و چون همه اسما در حیطه
اسم الله اند که جامع همه است و همه محیط او نیز اقتضای
مظهری کلی دارد که آن مظهر را از راه جمعیة مناسبتی
با اسم جامع باشد و تواند که خلیفة الله بود و در رسانیدن
فیوض و کمالات از اسم الله بما سواه و آن مظهر جامع روح
محمدیست صلوات الله و سلامه علیه که انبساط نور علم
بر سایر حقایق بواسطه ویست و علم همه مستفیض است از علم
وی و همچنین انبساط وجود خارجی بر سایر حقایق و انبساط
کمالات تابعه مر آنرا بواسطه صورت وجودی روحانی اوست
و انبساط بعضی از آن کمالات بر امت تابعه وی بخصوصهم
بواسطه وجود جسمانی عنصری اوست نور فشان اوست
چه پیش و چه پس :: منبع انوار همین اوست پس ::
و حضرت شیخ محقق شیخ فرید الدین محمد العطار النیشابوری

قدس سره در باب جمعیت آنحضرت میفرماید بیت

آنچه از انوار غیبی لامع است • جملگی را نور پاکش جامع است
آنچه اول شد پدید از جیب غیب • بود نور جان او بی هیچ ریب
آنگهی آن نور مطلق زد علم • گشت عرش و کرسی و لوح و قلم
یک علم از نور پاکش عالم است • یک علم در منبت و آدم است

چون از مطاوی این کلمات بحیطه فهم در آید که حضرت رسالت
صلی الله تعالی علیه و سلم از صفت عظمت و سمت جامعیت
که اسم اعظم جامع است بران نه بهره اشمل و نصیبی اجزل اختصاص
یافته پس در وقت استدعای درود بر حضرت عزت را
بدین اسم خواندن سزاوارتر خواهد بود و از خصایص
این اسم مقدس یکی آنست که حرف ندا از اول او حذف
مینمایند و باخرش میم مشدد عوض ~~اسم الحضرة~~ الحاق
کرده یا بحذف و الحاق میم مبنی بر سر لیست عظیم چه حرف

ها در اسم مقدس دلالت بر هویت ذات کند و بدین سبب
نزد محققان اشارتست بغیب هویت چنانکه گفته اند بیت
ها غیب هویت ابدای خرده شناس ÷ و انفاس ترا بود
بر ان حرف اساس ÷ حضرت شیخ المشایخ نجم الکبرا ابو الجناب
شیخ نجم الحق والدین احمد بن عمر الخیوقی المشهور بالکبری قدس سره
در رساله فواتح الکمال آورده که ذکر جاری بر نفوس
حیوانات انفاس ضروریه آنست زیرا که در وقت
انبساط و انقباض نفس حرف ها که اشارت بغیب هویت است
گفته میشود اگر خواهند و اگر نه و شیخ مؤید الدین جندی قدس سره
در شرح خطبه فصوص الحکم آورده که اصل در اسم الله حرف هاست
که کنایت از غیب ذات و هویت غیر متعین اوست چه ها را
کنایت از غایب داشته اند و حرف میم بقول اکثر عرفا خصوصا
اهل تحقیق از مغاربه حرف ختم نبت وبد و اشاره کنند

بدایره که محیط است بتمامی ممکنات ومؤید این قولست

آنکه در مناجات میمیه حضرة شیخ سعد الحق والدین الحموی

قدس الله روحه آمده که اللهم انی اسألک بمیم حمدک التی هی

وبمیم المعنی المحیط لکل ما فی الامکان من الموجودات الحسیه

والذهنیه والعقلیه والعینیه والقلبیه والقالبیه وصاحب

حقایق التاویل در تفسیر الم آورده که بمیم عبادتست

از حضرة خاتم الرسل صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم که نقطه

آخرین دایره ابداع اوست دوران پرکار ایجاد بدو سمت

اتمام یافت وبوجود با جود او آخر دایره باول پیوست

کما قال صلی الله علیه وسلم الا ان الزمان قد استدار الحدیث

ویکی از اسباب جنیمه آن حضرت این است بیت پرکار وجود

دایره صنع میکند ❊ بر نقطه وجود تو شد عاقبت تمام ❊

پس در اتصال دایره میم بحرف یا رمز وحدت وکثرة

دایره

ونکته جمعیت وجامعیت اندراج دارد وهو اعلم وامام
همام ابی عبد الله محمد المشهور بابن القیم رحمه الله در کتاب
جلاء الافهام فی فضل الصلوة والسلام درین بحث
آورده که از دیاد میم اللهم برای تعظیم وتفخیم است همچون
زیادتی آن در رقم وابنم ودیگر آنکه میم حرف شفوی است
وناطق بآن جمع میکند لبهاء خود را وبیکدیگر منضم میسازد
وبدین سبب عرب آنرا علم جمع گردانیده چنانکه در انتم وایاهم
وامثال آن ظاهر است پس الحاق آن در آخر این اسم
موذن است بجمعیه پس این اسم جامع است بر جمیع اسماء الهی
پس سائل چون اللهم چنان باشد که حق سبحانه را بجمیع اسما
وصفات خوانده باشد وازینجهة امام حسن بصری رحمه الله
فرموده که اللهم مجمع الدعا ودر تفسیر امام ثعلبی رحمه الله مذکور است
که ابو رجاء عطاردی رحمه الله گفته که هفتاد ونه نام از نامهای

حق سبحانه در میم اللهم تعبیه است دیر و آیه این قیم بوده و نه نام
و از نضر بن شمیل رحمة الله نقل کرده اند که هر که گوید اللهم
خدای را بهمه نامها خوانده باشد و در تفسیر جواهر آورده
که در اخبار واقع است که روزی حضرت داود علی نبینا
و علیه السلام در مناجات خود میگفت یا اله ابراهیم
یا اله اسحق و یا اله یعقوب و یا اله یوسف و یا اله موسی و
یا اله هارون و همچنین یک یک از انبیا برامی شمرد
خطاب کبریا در رسید که ای داود راهی بس دور و دراز
در پیش گرفته الا جلوهی که بر تو کوتاه گردانم داود علی
نبینا و علیه السلام گفت الهی طوق منت در گردن جان من
افکن و مرا از راهی که زودتر بمقصد رساند آگاه گردان
حق سبحانه فرمود که بگو اللهم که چون بدین لفظ بخوانی چنانکه
مرا بهمه اسما یاد کرده باشی و از کثرت فضل و شرف

که این

که این کلمه را ست اورا اسم اشرف گفته اند و چون دانسته شد
که اللهم همان اسم اعظم جامع ست با خواص و مزایای دیگر پس
مناسبت رتبه علیه نبویه آنست که مومنان در وقت ستایش
آنحضرت بدین کلمه تکلم فرمایند وصل حکمت در تخصیص اسم محمد صلی الله
تعالی علیه و سلم بصلوة از بواقی اسماء آنحضرة چون احمد
و حاشر و عاقب و ماحی و جز آن فرموده اند که معنی محمد بسیار
ستوده شده باشد پس ذکر صلوة که ستایش آنحضرتست
صلی الله تعالی علیه و سلم باین اسم انسب مینماید چه معنی وی بقول
بعضی مستجمع محامد است امام همام محیی السنة ابی محمد الحسین بن مسعود
الفراء البغوی ا روح روحه در معالم التنزیل آورده
که معنی محمد صلی الله علیه و سلم جامع ست مر جمیع محامد را جهت آنکه
مستوجب حمد نیست مگر کسیکه بصفت کمال آراستگی دارد
و چون تحمید فوق حمید ست پس استحقاق این اسم کسی راست که بر

درتوده علیه سترقی باشند وچنین کس جز حضرت رسالت
منقبت صلوات الله وسلامه علیه نیست که همه کاملان رسل
تحت او متقرر و جمله هادیان سبیل متابعت او مستظهر
بیت او سری بوده عقل گردن او :. او دلی بوده انبیا تن او
همه شاگرد او بدرس نشان :. همه مزدور او بدهش شان :.
وگفته اند اشتقاق اسم محمد صلی الله تعالی علیه وسلم از اسم
الحمید است وحمید بود ومعنی آن در امام همام حجة الاسلام ابو حامد
محمد بن الغزالی الطوسی روح الله روحه در مقصد اقصی فرموده
که حمید بدان معنی است که حق سبحانه حمد گفت ذات خود را ازلا
و بندگان او مر او را حمد خواهند گفت ابدا پس در وی هم
معنی حامدیه باشد وهم معنی محمودیه و صاحب روح الارواح قدس روحه
میگوید که حمید بمعنی حامد آید یعنی ستاینده خود و ستایش کننده
دوستان بمعنی محمود آید یعنی ستوده شده ستودن خود مر خود را
بانواع ثنا

یا به ستایش مومنان مر او را وچون از حمید معنی ستایندگی
وستودگی هر دو مفهوم میشود حق سبحانه مر ای حبیب خود
ازین اسم دو اسم که هر یک متضمن بمفهومی باشند
از ان دو مفهوم اشتقاق کرده احمد ستاینده تر
اختیار کرد
محمد ستوده تر امام ابو زکریا قزوینی رحمة الله در
لطایف الکلمات اورده که حق سبحانه حمید است ومعنی حمید هم
ستوده باشد وهم ستاینده ستوده است بمحامد اسما
وصفات ونام محمد صلی الله تعالی علیه وسلم بدین معنی ازو اشتقاق
فرموده وستاینده است بر ادای طاعات وعبادات
واسم احمد صلی الله تعالی علیه وسلم بدین مفهوم ازو اخذ
کرده گویا بکمال عنایت لاریبی بزبان اشاره مشتمله بشارة
عیسی پیغمبر باید که ای سید چون حق مر استاینده تو احمدی یعنی
ستاینده تر وچون من بنده کا مر استایم تو محمدی صلی الله تعالی علیه وسلم

نبی ستوده تر همه عالم مرا ستاینده و ستایش تو از همه بیش بیشست

ومن ترا ستاییم و ستود که تو از همه در بیش بیشست بیت

در ستایش زجمله میگذری :: لاجرم از همه ستوده تری

هر کرا اشام فهم بزکام غفلت از صوب صحت فطری منحرف نشده باشد

از روایح ریاحین ریاض این کلمات استشمام آن میتواند

نمود که ایراد اسم محمد علیه من شرائف الصلوات در

محل درود از بواقی اسما انسب است و اولی وصل ال محمد صلی الله

علیه وسلم که در احادیث مذکوره واقع شده مختلف فیه است

امام نواوی رحمه الله در روضه فرموده که امام شافعی

مطلبی رحمه الله نص کرده است بر آنکه آل محمد صلی الله تعالی علیه وسلم

بنو هاشم اند و بنو المطلب و برین تقدیر آل بمعنی قرابت باشد

زیرا که بعضی علما در تفسیر قل لا اسالکم علیه اجرا الا المودة

فی القربی آورده اند مراد از ذو القربی درین آیت

جماعتی اند

جماعتی اند که خمس بریشان قسمت کنند و صدقه بریشان
حرام بود و بقول امام شافعی و امام احمد رحمهما الله بنو هاشم اند
و بنو مطلب آل عباس و آل علی و آل عقیل و آل جعفر و اولاد حارث
بن عبدالمطلب و در جواهر الفقه از اشهب که یکی از
اصحاب امام مالک است رحمه الله نقل کرده است که آل پیغمبر
صلی الله علیه و سلم بنو هاشم اند و من فوقهم الی غالب و برین تقدیر
بنو مطلب و بنو امیه و بنو نوفل تا بنی غالب هم در آل داخل باشند
و این قول با آنکه در جلاء الافهام آورده خالی از غرابتی نیست
و در بسیاری از تفاسیر نقل کرده از ابن عباس رضی الله عنهما
که از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم پرسیدند که خویشان شما
که مودة ایشان باید کیانند فرمود که علی و فاطمه و دو
پسران ایشان حسن و حسین رضوان الله علیهم اجمعین و در صحاح
فرموده که آل الرجل اهله و عیاله پس مراد از آل ازواج

طاهرات آنحضرت باشند و آنکه در حدیث ابی حمید
ساعدی رضی الله عنه وارد شده که بگویید اللهم صل علی محمد
وعلی ازواجه بی ذکر آل محمد موید این قول است و در شفا
آورده که آل الرجل ولده پس بدین قول مراد از آل
فرزندان آنحضرت باشند و گفته اند آل کسی متابعان او اند
و اینجا مراد امت متابعت و در روضه امام نواوی
رحمه الله هست که وجهی آمده در معنی آل که مراد همه مسلمانان
باشند و ضعف این قول بحدیث الصدقة لا تحل لآل محمد صلی الله
تعالی علیه وسلم ظاهر است و قاضی عیاض رحمه الله در شفا آورده
از انس بن مالک رضی الله عنه که از حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
پرسیدند که آل محمد کیانند صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود که هر که
پرهیزکاری آل منست و امام بیهقی رحمه الله از جابر رضی الله عنه
نقل کرده که هم الاتقیاء من الامة و طبرانی در معجم خود از انس

بن مالک

بن مالک رضی الله عنه روایت کرده که از حضرت رسول الله
صلی الله تعالی علیه وسلم پرسیدند که من آل محمد جواب فرموده
که کل تقی واین است برخوانند که ان اولیاؤه الا المتقون
والیه الاشارة فی المثنوی المعنوی بیت واز خلیفه زادگان
مقبلش :: زاده اند از عنصر جان ودلش :::
گر زبغداد و هری یا از ری اند :: بی مزاج آب وگل نسل
وی اند :: واین قول نیز بدین تحریم صدقه بر آل مرجوح ست
واز امام حسن بصری رحمة الله نقلی هست که مراد از آل
محمد صلی الله علیه وسلم نفس مبارک اوست واکثر اوقات
که امام صلوة فرستادی بدین عبارت بودی که اللهم اجعل
صلواتک وبرکاتک علی آل احمد ومراد امام نفس آنحضرت بوده
زیرا که امر الهی بصلوة بر نفس پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
صادر شده وامام حسن رحمه الله از الجمله نبوده که اخلال کنند

بدان چه مأمور به است و بعضی از آن استفعال نماید و در لغت
آل بمعنی نفس آمده همچنانکه بعضی مفسران آل داود مراد نفس
حضرت داود است علی نبینا و علیه السلام و در اهل بیت
پیغمبر نیز خلافست جمعی بر آنند که مراد ازواج مطهرات اند
زیرا که مقدم بر آیت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس
اهل البیت ذکر ایشان است و قرن فی بیوتکن الآیه
و مؤخر از آن هم ذکر ایشان است که واذکرن ما یتلی فی
بیوتکن الآیه و تذکیر ضمیر در عنکم بطریق تغلیب واقع شده
چه حضرت رسالت صلی الله تعالی علیه و سلم با ایشانست
و بعضی گفته اند که ببعض حدیث صحیح ثابت شده که اهل بیت
آل عبا اند اعنی علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم و در
بیت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم بی خلاف فرزندان ایشانند
و صحابه هر مسلمانی که آنحضرت را دیده باشد و تابعین

و تابعین

و تبع تابعین معلوم اند والله اعلم **وصل** اهل عربیه بر آنند
که فایده در تشبیه چیزی بچیزی آنست که ناقصی را
الحاق کنند بکاملی یا از روی حقیقه وقتیکه غرض عاید بمشبه باشد
یا از طریق ادّعا وقتیکه غرض بمشبه به باز گردد و بر
هر تقدیر رتبه مشبه به اعلی باید از رتبه مشبه تا آن
ناقص بواسطهٔ لحوق بآن کامل در مرتبهٔ خود صورت
کمالی یابد و چون تحقیق پیوسته که پیغمبر ما صلی الله تعالی علیه و سلم
اشرف و افضل انبیاست لاجرم صلوة بر وی اتم و اکمل خواهد بود
از صلوة بر انبیای دیگر علیه و علیهم السلام پس باید که صلوة او
مشبه به باشد و صلوة پیغمبران مشبه و از الفاظ وارده در
احادیث مذکور چنان مفهوم میشود که مشبه به صلوة ابراهیم است
علی نبینا و علیه السلام و مشبه صلوة آنحضرت و چون صورت
حال بر عکس مینماید علما درین باب سخنان گفته اند در شرح

مشکوة مذکورست که تشبیهی که در کما صلیت واقع شد
نه از قبیل الحاق ناقص ست به کامل بلکه از باب بیان حال
ما لا یعرف بما یعرف یعنی بسبب نزول آیه رحمة الله و
برکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید درود ابراهیم و آل او
میان اهل ایمان اشتهاری تمام داشت و همه دانسته بودند
که خدای تعالی بر ابراهیم علیه السلام درود و برکت فرستاده
پس حضرت صلی الله تعالی علیه و سلم فرمود که از خدای در خواهند
که صلوة فرستند برین صلوتی معروف و مشهور مانند صلوة
ابراهیم علیه السلام و بعضی بر آنند که تشبیه از برای تشریک
و مساوات نمیباشد چنانکه در آیه انا اوحینا الیک
کما اوحینا الی نوح والنبین من بعده واقع ست چه وحی بپیغمبر ما
صلی الله علیه و سلم مانند وحی نوح و سایر انبیا علیهم السلام
نبوده بلکه وحی بر هر پیغمبر نوعی دیگر و طریقه دیگر فرود آمده

پس مراد

۵۳
۶۹

پس مراد اصل وجوبست و شرکت دران معنی هر یک
از ایشان موجی الیه اند و برین تقدیر معنی سخن راجع باشد
باینکه صلوة خدایا بهره محمد صلی الله علیه و سلم و آل او
گردان چنانچه بهره ابراهیم و آل او گردانیده بودی
پس تساوی و تشارک ثابت در اصل صلوة در قدر آن و همین
طریق در کثرة المذکرین آورده که تشبیه از حیثیه اصل صلوة است
نه از حیثیه صلوة مصلی علیه پس مضمون برین وجه خواهد بود
که خدایا صلوة فرست بر حبیب خود محمد از فضل شرف او
چنانچه بر خلیل خود فرستاده باندازه قدر و عزت او
مثل این در قرآن واقع است کما فاذکروا الله کذکرکم
اباکم یعنی خدای را یاد کنید همچو یاد کردن پدران مراد
اصل ذکرست نه کیفیه آن و معنی سخن چنین بود که حق سبحانه را
باندازه کرم و نعم او بشناسا یاد کنید چنانچه پدران از
احمقد

شفقت و مهربانی ایشان یاد میکنید و گویند کاف در کما
برای تاکید وجود آید نه برای قران در وقوع چنانکه
و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا زیرا که تربیت واقع شد
از والدین و رحمت مطلوب الوقوع برای ایشان پس
فایده کاف تاکید است در وجود رحمت یعنی ایجاد کن رحمت
ایشان را ایجادی متحقق چنانکه ایشان مرا تربیت فرمودند
تربیتی محقق اینجا نیز صلوة بر ابراهیم علیه السلام امری محقق و
مقرر است پس میگوید ارسال کن صلوة بر حبیب خود و وجود
آن را همچنانکه قبل ازین وجود داده بودی برای خلیل خود
و فحوای این وجوه که مذکور شد یکدیگر نزدیک اند و گفته
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم در ضمن این تشبیه مر امت
خود را طریق تواضع و تعلیم فرموده و تکریم ابا اشارتی
نموده یعنی با آنکه صلوة من اکمل و اشرف نسبت از درود

ابراهیم

۵۹

و ابراهیم علیه السلام ازو در رتبه اقوی و ارفع

میدارم و حرمت او ویرا فرو نمیکذارم و مانند این

در کسر نفس و نفی عالیه بکر سبب حدیث از انحضرة مروی

و مذکور است چنانکه انا اول من ینشق عنه الارض و لا فخر و

جای دیکر فرمود انا حبیب الله و لا فخر و دیکر کفت انا اکرم

الاولین و الاخرین علی الله و لا فخر و حدیث لا تفضلونی

علی موسی و لا تخیرونی علی ابراهیم و لا ینبغی لاحد ان

یقول انا خیر من یونس اکرچه در ان رنک بنماید که کفته شد

اما فی الواقع ما ولیست و تفتیش و تحقیق اسرار ان و طبقه

کتاب مرات الصفات قول جمعی التست که مراد ازین تشبیه

صلوة انحضرت بصلوة ابراهیم علیه السلام نه تشبیه صلوة

پیغمبرست صلی الله علیه و سلم بان بلکه اللهم صل علی محمد کلامیست

تمام و صلوة ال متصل ست به تشبیه بعنی صلوة درست بر ال

محمد صلی الله علیه وسلم همچنان صلوتی که بر ابراهیم وال او
فرستاده و درین تشبیه هیچ شبهه نیست زیرا که رتبه ابراهیم
صلوة الرحمن علی نبینا وعلیه ارفع است از رتبه ال فاما حدیث
ابی سعید خدری رضی الله عنه که امام بخاری رحمه الله آورده
درود که ال نیست مشکل شود والله اعلم واین قیم رحمه الله
آورده در جلا که احسن اجوبه درین باب انست که پیغمبر
صلی الله علیه وسلم وغیر او پیغمبران از ال ابراهیم هستند
پس صلوة بر ال ابراهیم شامل صلوة باشد بر انحضرت
وبر سایر انبیا که از ال ابراهیم هستند وماموره شده ایم
بانکه صلوة فرستیم بر محمد صلی الله علیه وسلم خصوصا مثل ان
صلوتی که میفرستیم بر ابراهیم وبر ال او عموما وچون انحضرت
در ال ابراهیم داخل است بی شبهه صلوتیکه بر وی وسایر
انبیا از ال ابراهیم باشد اکمل خواهد بود از صلوتی که

حاصل شد

حاصل باشد او را بدون این نسبت مطلوب از صلوتی
بدین تشبیه آنست که صلوات ما مخصوصیه بر آنحضرت با دیگران
این صلوتی که عموماً بر ویست و مقرر است که چنین صلوتی بر
ابراهیم و آل اوست و بدین نکته فضل و شرف آنحضرت
بر خلیل و سایر انبیا از آل وی ظاهرست چون درود
ابراهیم علی نبینا و علیه السلام بنص قرآن مشهور و ثابت
است تخصیص او بذکر در وقت صلوة حضرت رسالت صلی الله
تعالی علیه و سلم بر وجهی که سبق ذکر یافت یعنی بیان
حال غیر معروف بمعروف مناسب بنماید و گفته اند که وی
از حق سبحانه مسالت نموده که ذکر خیر او بر زبان این امت
جاری باشد آنجا که گفت و اجعل لی من لدنک لسان
صدق فی الآخرین حق سبحانه اجابت نموده بذکر خیر بدو ملت
امر کرد و چون این امت را درود بدرست بدر شریعت

یعنی حضرت رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم و پدر رحلت

یعنی حضرت ابراهیم صلوات الرحمن علی نبینا وعلیه پس ذکر

هر دو پدر با یکدیگر مناسب نمود مخففاً تر اینجا نکته الیست

مضمونش آنکه ابراهیم علیه السلام درخواست نمود

که حق سبحانه ذکر او را بر زبان امت مصطفی صلی الله

علیه وسلم جاری کرده اند حق تعالی اجابت فرمود و زبان

امت را بثنای وی بگشاد و امر کرد تا بر وی درود دهند

وخود بذات خود بی درخواست حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم

بر وی درود فرستاد و ملائکه و مومنان را بان فرمود

فاین ذا کمن ذاک ع ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا

و در تاج المذکرین از امام فخر رازی رحمه الله نقل کرده

که چون ابراهیم علی نبینا وعلیه السلام از بنای کعبه فارغ شد

امت مرحومه را دعا کرد ربنا وابعث فیهم رسولا منهم الآیه

ا اهل بیت

واهل بیت وی این گفتند حق سبحانه پیغمبر خود را فرمود
که چون خلیل بوقت مظنه اجابت دعا امت ترا فراموش
نکرد تو نیز بفرمای تا ایشان در آخر نماز که بی شبهه
وقت اجابت دعاست بطریق مکافات ایشان را یاد کنند
بیت هل جزا خوانده ز قران ای افتی :: پس نکوئی را
نکوئی کن جزا :: قولی آنست که عزرائیل علیه السلام بوقت
قبض روح از خلیل جلیل سوال کرد آرزوی در خاطر — هیچ
مبارک خطور میفرماید ابراهیم علیه السلام فرمود که در
دنیای تماشاستان بودم و این عبادت کاه را ناموس
روزگار خود داشتم درین محل حکم الهی ع عزم رجوع
میکنم رخت بخرج میبرم :: هیچ حسرتی ندارم الا فوت شدن
آن طاعت از من حق سبحانه بوی وحی فرستاد که ای خلیل
خوشدل باش که من امت حبیب خود را که فرزندان تو اند

بفرمایم تا در هر نماز ترا یاد کنند و برکت آن بتو رسانم
تا روح مقدس تو بمیمنت ذکر تو در نماز مروح و شادمان
گردد پس حق سبحانه حضرت پیغمبر ما را صلی الله تعالی علیه وسلم
فرمود امت خود را در آخر نماز بوقت ادای درود
بذکر ابراهیم علیه السلام فرماید و چون این امت امتثال
فرمان نموده حضرت خلیل را یاد میکنند طوطی روح مقدسش
در روضه قرب بزبان حال این نکته ادا میفرماید
بیت درین دیار بدان خوشدلم که گه گاهی نسیم ذکر
شما زان دیار می آید فصل پنجم در آنکه احادیث با صلوة
ذکر برکات نیز هست و حقیقت برکت لزوم شی و استقرار
و برکت را بر نماء و زیاده نیز اطلاق میکنند پس معنی
بارک علی محمد صلی الله تعالی علیه وسلم دعائیست متضمن آنکه
عطا کن پیغمبر ما را آنچه عطا کرده بودی ابراهیم و آل او را

دنیا بیدا

۵۷
۷۳

و ثابت دار برای وی اکثیر زا و مضاعف کردان
وی باشهد حق سبحانه انچه خلیل و ال او را عطا کرده بود
بپیغمبر ما را از زیاده از ان داده و برکت کرده بر دین و شریعت
وی که روز بروز معالم ان افزون ترست و تا قیام
قیامت باقی خواهد بود بیت دم بدم دین مبین و ملت
بی علتش :. عرصه روی زمین را بسر خواهد گرفت
شاه باز احتشامش باز کرده بال قدر :. از ثریا تا ثری
در زیر پر خواهد گرفت وصل نکته در ختم صلوة بابسمین حمید
و مجید انست که حمید دلالت بر صفات اکرام دارد و مجید
عبارت از اوصاف جلال است و چون حضرة ذو الجلال
و الاکرام پیغمبر ما را صلی الله تعالی علیه و سلم از جمیع صفات
کمالی بهره مند ساخته بنموا است که عالمیان بر رفعت قدر
و علو مرتبه او مطلع گردند صلوة فرستادند بر وی بمضمون استایش

بتعمیر و تعظیم اوست پس صلوة مشتمل باشد بر حمد و مجد و مطلوب

مصلی از اداء درود طلب حمد و مجد انحضرتست لاجرم

دعای خود را بدین دو اسم ختم میکند و میگوید بمضمون انکه

خدایا ستایش ترا ثابت پس ستایش حبیب خود را و مجد

و بزرگواری تو داری بزرگی اورا زیاده گردان

مصرع احمد یا حمید و مجده یا مجید فضل کن در مواطن صلوة و تسلیمات

اول هر کلامیکه انرا قدری باشد که در ان ابتدا بذکر حضرة

رسالة بناهی کنند تا یمنت و برکت مقارن ان سخن گردد

و قبض ان کلام سمت اتمام یابد و درین باب حدیثی اخراج

کرده است ابو موسی مدینی و ابو منصور دیلمی در مسند الفردوس

اورده باسناد خود از ابی هریره رضی الله عنه که حضرت

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که هر کلامیکه انرا ابتدا نکنند

بذکر خدای و بدرود بر من پس ان سخن بریده است از خیر

دکونه

ومحو شده از برکت امام همام قاضی القضاة قطب الدین محمد
الخیضری قدس سره در مواطن الصلوة آورده که اگرچه
حدیث ابوموسی ضعیفست اما علما تصریح کرده اند بآنکه در
فضایل اعمال بامثال این احادیث عمل میتوان کرد و بی شبهه
بر ضمایر صافیه ارباب فروع و اصول و اصحاب منقول
و معقول روشن است که برکات دینی و دنیوی و میامن
صوری و معنوی وابسته بذکر حضرت عزت و صلوة حبیب و نبی است

شعر
کل المیامن فی ذکر الاله وفی :: ذکر الرسول بالمعهود ویفی
از یاد خدای واز درود نبوی :: هر لحظه زغیب نوی

ودم در رسید او ضرب ختن امام محقق شیخ المشایخ محی الدین
بن علی العربی قدس الله روحه در اواخر ابواب فتوحات
که در باب وصایا ایراد نموده در وصایای نبویه از امیر علی
رضی الله عنه نقل میکند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود

[illegible]

که ای علی چون خواهی که وضو سازی بگوی بسم الله و الصلوة علی رسول الله

سوم در خواندن ادعیه وضو نزد یک غسل هر عضوی از اعضا

چنانکه در عوارف المعارف آورده و ظهیری شارح

بنیه فرموده که تعوذ قبیل از تسمیه شرط است در وضو و صلوة

پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم در اوایل ادعیه که برای غسل

اعضا مقرر شده چهارم بعد از فراغ از وضو ابو حاتم ابن

حبان رحمه الله باسناد خود از ابن مسعود رضی الله عنه نقل

کرده که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرمود که چون

یکی از شما فارغ شود از وضو باید که بگوید اشهد ان لا اله

الا الله و ان محمدا عبده و رسوله پس صلوة فرستد بر من و چون

چنین گوید برای او بگشایند درهای رحمت را و قاضی

خضر رحمه الله آورده که شیخ نصر المقدسی قدس سره تصریح کرده است

باستحباب صلوة بعد از فراغ از وضو و در کتاب تهذیب

و در کلام

و در کلام شیخ کمال الدین دمیری رحمه الله در شرح منهاج
و غیر آن مذکور است که چون از وضو فارغ شود و در استان
بگردد بر رسول صلی الله علیه وسلم صلوة فرستد و ازین
اخبار استدلال میتوان کرد که صلوات را در کمال وضو
دخلی تمام است و در جلاء الافهام آورده که ابن ابی عاصم
رحمه الله در کتاب خود از سهل بن سعد رضی الله عنه
نقل میکند لا وضوء لمن لم یصل علی النبی صلی الله علیه وسلم
و این حدیث اگرچه مرفوع است اما در سند او ضعفی هست پس حجت
در آن نشاید ولیکن تقویت میکند خصوصیه حضور الصلوة
پنجم در اثنا اذان یعنی هنگام شنودن نام آنحضرت
در میان فصول اذان صاحب کنز العباد رحمه الله از کتاب
السعادة فی شرح تنبیه العبادة نقل کرده که چون کسی نوبت
اول از موذن اشهد ان محمد رسول الله شنود باید که بگوید

صلی الله علیک یا رسول الله و چون دوم نوبت شنود
باید که بگوید قرة عینی بک یا رسول الله و پشت ابهامین
بر هر دو چشم مالیده این دعا بخوانند که اللهم متعنی بالسمع
والبصر و این عمل که بوقت سماع نام آنحضرت در اذان
به ظهر ابهامین پشت چشم را مسح کند و این کلمات که مذکور شد
بگویند نزد علما امری مستحب است چنانچه در صلوة مسعودی بر همین
طریق که مذکور شد آورده و فرموده که ناخن هر دو ابهام را
بر چشم نهند بطریق وضع نه بطریق مد و در محیط آورده که پیغمبر
صلی الله تعالی علیه و سلم بمسجد در آمده نزدیک ستونی نشست
و صدیق رضی الله عنه در برابر آنحضرت نشسته بود و بلال رضی الله عنه
برخاست و باذان اشتغال فرمود چون گفت اشهد ان
محمدا رسول الله ابوبکر رضی الله عنه هر دو ناخن ابهامین
خود را بر هر دو چشم نهاده گفت قرة عینی بک یا رسول الله

چون بلال

٦٠

چون بلال رضی الله عنه فارغ شد حضرت رسول صلی الله تعالی
علیه وسلم فرمود که یا ابا بکر هر که بگوید آنچه تو کردی
خدا بیامرزد گناه جدید و قدیم او را اگر عمد بوده باشد
و اگر خطا و حضرت شیخ امام ابو طالب محمد بن علی المکی
رحمة الله علیه در قوة القلوب روایت کرده که از ابن
عیینه رحمه الله که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم بمسجد
در آمد در دهه محرم و بعد از آنکه نماز جمعه ادا فرموده بود
نزدیک اسطوانه قرار گرفت و ابوبکر رضی الله عنه در جوار وی
بنشست و بلال رضی الله عنه برخاسته اذان صلوة عصر میگفت
چون با شهد ان محمد رسول الله رسید صدیق رضی الله عنه بظهر ابهامین
چشم خود را اکرد و گفت قرة عینی بک یا رسول الله چون
بلال را از اذان فراغتی روی نمود حضرت رسول صلی الله تعالی
علیه وسلم فرمود که یا ابا بکر هر که بگوید آنچه تو گفتی از روی شوق

بلقای من و بکنید انچه تو کردی خدایا درگذرانند گناهان ویرا
انچه باشند نو و کهنه خطا و عمدا نهان و اشکارا و من درخواست
کنم جرایم ویرا و در شفرات نیز بر موجب نقل کرده ششم
بعد از سماع اذان چه ان وقت ساعت اجابت دعوا است
در صحیح مسلم و دارمی و ترمذی و نسائی و کتاب یوم
و لیله امام ابی بکر احمد بن محمد بن اسحق السنی الحافظ رحمهم الله
مذکورست بعد از سماع اذان باید که صلوة دهند برای
حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم از خدای تعالی وسیله طلبند
و بصحت رسیده بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما از حضرة نبی
صلوات الله و سلامه علیه که گوید که چون اواز موذن شنوید
بگوئید مانند انچه او گوید انگه صلوة فرستید بر من پس بدرستیکه
هر که درود دهد بر من یک درود حق سبحانه درود دهد بروی
ده درود پس بخواهید از برای من وسیله که ان منزلتیست

در الجنة

در بهشت و نمی‌سزد مگر بنده را از بندگان خدای و امید
میدارم که آن بنده من باشم پس هر که برای من وسیله
طلبید شفاعت من بدو رسد و ازین است که بعد از سماع
اذان این دعا که بحدیث صحیح ثابت شده باید خواند اللهم
رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة آت محمد الوسیلة
والفضیلة والدرجة الرفیعة وابعثه مقاما محمودا الذی وعدته
و بی شبهه خواندن این دعا موجب حصول شفاعت آنحضرت است
و در مسند امام احمد و معجم طبرانی و کتاب ابن السنی بروایة
جابر رضی الله عنه آمده که هر که در وقت اذان موذن
گوید اللهم رب هذه الدعوة القائمة والصلوة النافعة
صل علی محمد وارض عنی رضا لا سخط بعده دعای او مستجاب گردد
بعضی بوقت مرور بر مساجد قاضی اسمعیل رحمه الله
باسناد خود از مرتضی علی رضی الله عنه نقل کرده که اذا

مررتم بالمسجد فصلوا علی النبی صلی الله علیه وسلم یعنی چون
مرور کنید بمسجد زود درود گویید بر حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
تسلیما در مواطن قاضی چنبصری مذکور است که این امر محتمل
دو معنی را یکی آنکه با بمعنی علی باشد یعنی چون مرور کنید بر مسجد
از خارج آن دوم آنکه با بمعنی فی باشد یعنی چون بگذرید در مسجد
یعنی در آیید در آن و مویّد قول اول است آنکه در بعضی آثار
آمده که چون نظر بمسجدی افتد درود باید فرستاد و تسلیم
بوقت دخول در مسجد قاضی عیاض رحمة الله در شفا آورده
و ابن خزیمه در صحیح خود ذکر کرده و ابو حاتم نیز در صحیح خود
ایراد فرموده و مجموع از ابو هریره رضی الله عنه نقل کرده اند
که چون یکی از شما بمسجد در آید باید که صلوة فرستد بر پیغمبر
و آل او و پس دعا کند که اللهم افتح لی ابواب رحمتک ابو داود
و نسائی و ابن ماجه و غیر ایشان باسانید صحیحه از حدیث

ابی حمید

ابی حمید یا ابی اسید رضی الله عنهما روایت کرده اند که حضرت رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که چون در آید یکی از شما بمسجد باید که
درود دهد بر پیغمبر آنگاه بگوید اللهم افتح لی ابواب رحمتک
وچون بیرون آید بگوید اللهم انی اسألک من فضلک
وبهمین وجه در اذکار امام نواوی مذکور است
بوقت خروج از مسجد در شفا از امام ابی اسحق بن شعبان
رحمه الله نقل کرده که چون کسی بمسجد در آید باید که صلوة
فرستد بر پیغمبر وآل او پس دعا کند که اللهم افتح علی ابواب رحمتک
وچون بیرون آید صلوات فرستد پس بگوید اللهم افتح علی ابواب
فضلک و در حصن حصین از ابن خزیمه رحمة الله روایت
کرده که چون کسی بمسجد در آید باید که بگوید اللهم صلی علی محمد
وعلی آل محمد وچون بیرون آید همین کلمات بر زبان راند
و در مشکوة آورده که فاطمه بنت الحسین رضی الله عنهما

وعن ابیها روایت میکنند از جده خود فاطمة الزهرا رضی الله عنها

که چون پیغمبر بمسجد در آمدی صلوة دادی بر محمد صلی الله تعالی علیه و سلم

و سلام فرستادی پس گفتی رب اغفر لی ذنوبی و افتح لی

ابواب رحمتک و چون بیرون آمدی صلوة فرستادی بر

محمد صلی الله تعالی علیه و سلم و سلام دادی آنکه فرمودی رب اغفر لی

ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و فضلک امام ترمذی رحمة الله

فرموده که این حدیث متصل الاسناد نیست جهة آنکه فاطمه

بنت الحسین فاطمه کبرا را رضی الله عنهما در نیافته و قاضی جعفری

فرموده که اگرچه سخن امام ترمذی رحمة الله در باب اسناد

این حدیث راست است چه عمر امیر المومنین حسین رضی الله عنه

در وقت وفات مادرش فاطمه رضی الله عنها از بیست سال

فزونتر بوده فاما درین باب احادیث دیگر هست که گواهی

میدهد بصحت این حدیث و درین موطن امام مازنی وغیر او

از اصحاب

از اصحاب تالیف کرده اند بر استحباب صلوة و شارح
مشکوة رحمه الله درین حدیث گفته پیغمبر باید که آنحضرت
در آنکه اظهار اسم مبارک میکردند نزدیک صلوة و بدین
لفظ پیغمبر بودند که اللهم صلی علی محمد و سلم اشارتست بفضیلت
رتبه رسالت و منقبه درجه نبوت چه از روی اجلال و تعظیم
شان آن منصب رفیع القدر گویا چو در آنکی از مأموران
بود ادای صلوت و امتثال فرمان الهی پیغمبر باید که
فرموده است صلوا علیه و سلموا تسلیما و در آنکه ابراز ضمیر
نفس خود پیغمبر بودند نزدیک غفران و بدین نوع ادا
مینمودند که رب اغفر لی اما ثبت بتواضع و انکسار و استدعا
از حضرة ملک جبار رحمهم در تشهد اول و درین خلافست
امام اعظم و امام مالک و امام احمد حنبل رحمهم الله بر آنند
که بر تشهد اول چیزی زیاده نباید کرد و قول قدیم امام

شافعی نیز رحمه الله این بوده و میفرموده که لا یشرع بعد
التشهد الاول شیئا الا الصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم
ولا غیرها اما بقول جدید سنتیت صلوة داون در تشهد اول
ونص کرده است بر آن در ام و قاضی حسین نیز فرموده
که صحیح آنست که درود را در تشهد اول سنت دانند چه
در حدیث دارقطنی بروایت بریده رضی الله عنه واقعست
که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ای بریده چون
نشستی در نماز خود ترک مکن درود را بر من پس بدرستیکه
آن زکوة صلوتست بنابرین حدیث ائمه شافعیه رحمهم الله
میگویند که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم بریده را
بوقت جلوس در نماز بدرود فرمود و جلوس عام است
و شامل مر اول و ثانی را در عیون المسایل هم فرموده
که از امام نواوی رحمة الله استفتائی نمودند والشیخ

بجواب

جواب بیفرموده اند و امام ابو الحسن علی بن ابراهیم
العطار الشافعی رحمه الله اتفاق ابواب فقه مرتب ساخته
مذکورست که از امام پرسیدند که هل الافضل ان یصلی علی
النبی صلی الله علیه وسلم فی التشهد الاول جواب فرمود
که الافضل ان یصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم فی التشهد الاول
بازدهم در تشهد اخیر و آن بمذهب امام شافعی رحمه الله
فرض است و بقول اصح در مذهب امام مالک سنت و علمای
حنفیه رحمهم الله در آنکه واجبست یا سنت اختلاف کرده اند
در صلوة جلابی آورده که درود بر پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
نزدیک ما سنت یا واجب و بعضی گفته اند مستحب و صحیح آنست
که صلوة دهند بروی و نزد بعضی از علماء مختارست و در ذخیره
برهانیه مذکورست که چون از تشهد فراغت روی نماید در
قعدهٔ اخیره صلوة فرستند بر پیغمبر صلی الله تعالی وسلم و امام طحاوی

رحمه الله بر بن رفته و در خزانة المفتین آنجا که مسایل
فرایض و واجبات نماز ذکر میکنند فرموده که واجبات
نماز نه است و از انجمله میگوید صلوة بر رسول و لفظ سلام
بعد از آن پیغمبر باید که بخواند کذا و کذا و شیخ ابو الحسن
علی بن یحیی البخاری الزندوستی رحمه الله در روضة العلما
ذکر کرده که اگر مردی نماز گذارد و در قعده اخیره بر حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم درود نفرستد سهواً یا عمداً نماز او
فاسد نشود نزدیک ما اما نزد امام شافعی رحمه الله فاسد شود
زیرا که این صلوة نزدیک ما واجب و نزدیک امام شافعی
رحمه الله فرض پس بمذهب او که فرض است بترک ان نماز
فاسد شود نزد ما که واجب است بترک ان نماز فاسد نگردد
و سجده سهو بتدارک بپذیرد و نزد متاخران از علمای حنفیه
رحمهم الله حالا فتوی بر انست که صلوة در قعده اخیره سنت

و در بعض

و در مذهب امام احمد رحمه الله نیز اختلاف واقع است
قوی از روایات آن بوده که درود را در تشهد اخیر سنت
داشته و در آخر از آن رجوع کرده و فرموده که درود
در تشهد اخر واجبست و بسیاری از صحابه برین رفته اند
و از آن جمله ابن مسعود رضی الله عنه چنانچه امام ابوبکر بن عبد البر
رحمه الله در کتاب تمهید بر آن نص کرده است و دیگر ابو مسعود
بدری انصاری رضی الله عنه و از تابعین امام محمد باقر
رضی الله عنه و شعبی و مقاتل رحمهم الله و از مالکیان ابن عبد البر
و ابن المواز نیز برین اند و باقی ائمه در مذهب امام مالک
سنت مؤکد میدانند و تارک آن را مسیء و آثم میخوانند و امام
اسحق بن راهویه رحمه الله فرموده که اگر ترک درود
در قعده اخیره بعمد بوده باشد نماز را اعاده باید کرد
و اگر بطریق سهو و نسیان واقع شده احتیاج باعاده نیست و چون

مسئله خلافیست طریق احوط آن باشد که هیچ نوع در قعدهٔ اخیره
صلوة را ترک نکنند تا اگر فی نفس الامر واجب بوده
از عهدهٔ آن تقصی نموده باشند والا سنتی بجای آورده
دوازدهم در آخر قنوت و آن بمذهب امام شافعی رحمه الله سنتست
و قاضی اسمعیل باسناد خود از عبد الله بن الحرث نقل میکنند
که معاذ بن جبل رضی الله عنه صلوت میفرستاد در قنوت و گفته اند
صلوت بر آن وجه باید که در روایت امام نسائی است
که وصلی الله علی النبی و قاضی خیضری رحمه الله فرموده اسناد
امام نسائی صحیح است یا حسن و در لمعات از شیخ ابو محمد رحمه الله
این لفظ وارد است که وصلی الله علی النبی الامی و آله وسلم
سیزدهم بوقت ذکر المغفرة در نماز امام احمد رحمه الله
نص کرده است بر آنکه چون مصلی آیتی خواند که در آن ذکر
حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم باشد اگر نماز نافله میگذارد

الصلوة را نه

وصلوة فرستد و در مفتاح حصن حصین مذکورست که اگر نماز
میگذارد و در ذکر آنحضرت و رفع شد بایستد و صلوة فرستد
و بمذهب امام شافعی رحمه الله روایتست که مصلی در وقت
قرات صلوة فرستد و در عیون مسایل هم آورده که از امام
نواوی رحمه الله استفسار نمودند که آیا بر پیغمبر صلی الله
تعالی علیه و سلم صلوة فرستد مصلی بوقت ذکر او در قرات
فرمود که نه صلوة بر نبی در قرات ثابت بود و این فعل اصلی
ندارد و اما قاضی خیضری رحمه الله در مبسوطش ناسخ از مبسوطش
آورده که اسمعیل قاضی باسناد خود نقل میکند از امام
حسن بصری رحمه الله که چون قاری در نماز بآیتی رسد
که صلوة فرستاده باید که بایستد و صلوة فرستد در تطوع پس
ظاهر این نقل اثر دلیل استحباب صلوتست در تطوع و در
فریضه نیز زیان ندارد و بر قول صحیح و حکم مصلی که نام آنحضرت

شنود اینست که نشاید که درود دهد و اگر درود فرستد
نماز او فاسد شود یا نه علما را اختلاف هست در روضة
العلما آورده که امام آیتی خواند که در آن نام آنحضرت
صلعم باشد و ماموم شنود و صلوة فرستد نماز او فاسد شود
اما افضل اینست که خاموش باشد برای حرمت نماز چه
مقتدی مامور است بسکوت در نماز لقوله تعالی و اذا قرئ
القرآن فاستمعوا له وانصتوا اغلب بر آنند که مراد از آن
قرآن قرأت امام است در نماز موجود است و اگر گفتیم نماز
فاسد نشود بجهة آنست که صلوة بر نبی در نماز موجود است
و در کافی آورده که اگر خطیب یا امام صلوة دهد بر نبی
مستمع و ماموم را ساکت باید بود دیگر در قرأت لفظ صلو
علیه باشد که اینجا در نفس جزو صلوة باید گفت [illegible]
در عقب هم نماز ها نقل کرده است بر استحباب صلوة

انصتوا

در این موطن

درین موطن حافظ ابو موسی مدینی رحمه الله وغیر او نیز
بدین قائلند و قاضی خیفری رحمه الله فرموده که این موطن
حسن است برای صلوة پانزدهم نزدیک دعا امام نواوی رحمه الله
در ریاض الصالحین از سنن ابی داود رحمه الله نقل کرده
که فضاله بن عبید رضی الله عنه گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
شنید که مردی بعد از نماز دعا میکند بی آنکه تقدیم ثنای الهی
عز ذکره و درود رسالت پناهی صلوات الله وسلامه علیه
کرده باشد فرمود که این مرد تعجیل کرد در دعای خود پس او را
بخواند و با او روایتی آنست که با غیر او گفت که چون کسی
از شما نماز بگذارد باید که ابتدا بحمد و ثنای حق سبحانه کند
پس بر پیغمبر درود فرستد آنگه دعا کند و هرچه خواهد طلبند
و امام ترمذی رحمه الله همین حدیث در سنن خود آورده
و فرموده که حدیث حسن صحیح و ازین حدیث مفهوم شد که شرط

سایل است که بوسیلهٔ تقرب کرد و مسئول عنه یعنی توسل

نماید بکسی که سوال او بدان سزاوار اجابت شود پس

هر که قبل ان تقدیم وسیله عرض سوال میکند مستعمل است و دعای

مستعجل موقوف باشد و امام همام محیی السنه ابو محمد الحسین

بن مسعود البغوی رحمه الله در باب الصلوة علی النبی و فضلها

در حسان حدیث بعد از ایراد حدیث فضاله آورده که

مردی دیگر مسجد در امده نماز را ادا کرد پس حمد گفت خدای را

و درود فرستاد بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم آنحضرت ویرا

گفت ایها المصلی ادع تجب ای نماز گذارنده بخواه

تا اجابت کرده شوی یعنی چون پیش از دعا حمد و صلوة توسل

نموده دعا کن که بی شبهه بعز اجابت و محل استجابت میرسد

در صحیح ترمذی مذکورست که ابن مسعود رضی الله عنه فرموده

که نماز میگذاردم و پیغمبر صلی الله علیه وسلم حاضر بود و صدیق

و فاروق

و فاروق رضی الله عنهما با وی بودند چون بنشستم ابتدا کردم
بثنای ربانی پس بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم درود فرستادم
پس برای نفس خود دعا کردم حضرت فرمود که سل تعطه
و در روضة العلماء نقل کرده که [حضرت] رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که دعا در حجاب است تا وقتیکه بر من صلوة فرستند و در
مشکوة از امیر المومنین عمر رضی الله عنه روایت کرده که دعا
موقوفست میان آسمان و زمین بالا نمیرود ازان چیزی تا تو
صلوة فرستی بر پیغمبر خود این خطاب عامست مر همه دعا کنند
کانرا و این کلام یا ازان فاروقست یا از پیغمبر نقل کرده
و از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که پیغمبر صلی الله
علیه وسلم فرمود که هیچ دعای نباشد الا که ظاهر میان وی و میان
آسمان حجابی بود تا وقتیکه دعا کننده درود دهد بر پیغمبر
و آل او و امام ابو الحسن محمد بن الهیصم روح الله روحه

فرمود که میان دعا و مقصد دعوات از آسمانها حجابست
اگر داعی صلوات فرستد بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم آن حجاب
منخرق گشته دعا بدو در آید و مقصد اجابت بنمایند و اگر
توفیق صلوة رفیق وی نشود دعا از پیش حجاب باز گردد
نه از اجابت چیزی یابد و نه از کرامت اثری شعر

صلوا علی اشرف الوری و ادعوا لکم ∴ ان الدعا یحجب من صلواته
بی پر و بال درود نبوی ∴ نبرد مرغ دعا بر گردون ∴
در دعا با صلوات قرین ∴ زود گردد باجابت مقرون

در شفا از ابن عطا قدس سره نقل میکنند که ادعیه را ارکان
و اجنحه و اسباب و اوقات می باید اگر ارکان وجود گیرد
قوة یابد و اگر اجنحه پدید آید طیران نماید و اگر مواقیت
باز یابد بآسمان رود که ارکان دعا حضور دلست و قطع
علایق و اجنحه او صدق نیت و خلوص طویت و اوقاتش

السحار دون

اسی را قوی‌ترین اسباب درود سید مختار است
بلا بد رقه درود و اوج دعا : البته بمنزل اجابت برسد :
در جلاء الافهام آورده که صلوة بر دعا را بمنزله فاتحه است
مر نماز را یعنی دعائی درود پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم تمام نیست
چنانکه نماز بی فاتحه و در مواطن فاضل بذکور است که درود
بر دعوات را بمثابه طهارت است مر صلوة را پس چنانکه
مفتاح نماز طهور است مفتاح دعا نیز درود است در فصل
ثالث از قوت القلوب که عمل شبانروز مریدان بیان میکند
آورده که درود حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم بر دعا
تقدیم باید کرد تا حق سبحانه بشرف اجابت رساند و لبون داعی
باز نگرداند زیرا که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده که چون
که چون از خدای تعالی حاجت طلبید بر من شود ۲ درود فرستید که خدا اکریم تر است
از آنکه چون از دو حاجت طلبند یکی را روا گرداند

و دیگر برا در توقف دارد و از مضمون این حدیث
مفهوم میشود که دعا با صلوات مستجاب است و امام ربانی ابو
احمد عبد الکریم سمعانی رحمه الله در دعوات کبیر آورده
که بعضی از دعای حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم ذکر و باید
فرستادن آن درود و فایده یعنی کشنده او باشد و او را
بمحل اجابت رساند و بعد از دعا نیز صلوات باید داد تا
سایل یعنی راننده او گرد و لسیر بمنزل اجابت فرود آرد
و در آثار آمده که دعا میان دو صلوات مردود نگردد
و ابو سلیمان دارانی قدس سره فرموده که چون از حق سبحانه
حاجتی خواهی ابتدا کن بدرود پیغمبر صلی الله علیه وسلم
بجهت نجاح حوائج خود و گواه آنکه ختم کن آخر الصلوة و نکته در آنکه
دعا در میان دو صلوة باید یعنی افتتاح و اختتام آن بدرود
سید انام باید کرد آنست که قبل ازین مذکور شد

دعا بعد صلوات

که صلوة

که صلوة دعائیست مستجاب و چون طرفین دعا و بنده مستجاب شد
از کرم الهی نسزد که انچه در میانست از شرف اجابت محروم ماند
و قاضی عیاض فرموده که صلوة را در دعا سه موطن است
اول و اوسط و اخر اگر جمع کند بین در هر سه محل درود
دهد امید و اثر بیشتر است در اجابت چه هر چند صلوات بیشتر باشد
اثر اجابت زیاده خواهد بود بیت بهر اجابت دعوات ای عزیز
بهتر وسیله صلوات محمد است ∴ کو لقمه ز خوان درود بینی نوش
انرا که ارزوی بهشت مخلد است شانزدهم بعد از ختم قران در مواطن
از ابن مسعود رضی الله عنه نقل کرده که هر که قران ختم کند
مر او راست دعای اجابت کرده شده و در اثار امده است
که نزدیک ختم قران دعا مستجابست و امام نواوی در کتاب
تبیان اورده که مستحبست دعا در عقب ختم قران استحبابی
متاکد و چون درین موطن تاکید کرده اند بدعا هر اینه صلوة نیز

یعنی
در دوستاکد باشد و امام احمد رحمه الله نص کرده است برین

و دارمی باسناد خود از حمید اعرج نقل میکند که هر که

قران بخواند انگه دعا گوید چهار هزار فرشته بر دعای وی

امین گویند و امام نواوی فرموده که چون کسی دعا کند

بعد از ختم قران باید که دعای خود را بدین کلمات ختم کند

الحمد لله رب العالمین الرحمن حمدا یوافی نعمه ویکافی مزیده

اللهم صل وسلم علی محمد وعلی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم

وعلی ال ابراهیم وبارک علی محمد وعلی ال محمد کما بارکت

علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید

هفدهم میان تکبیرات زایده در نماز عیدین از این

صباغ رحمه الله نقل کرده اند که اگر میان دو تکبیر گویند الله اکبر کبیرا

والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا وصلی الله علی محمد واله

وسلم کثیرا بسیار نیکو باشد و شیخ ابو اسحاق در مهذب

تم
مهذب

فی ذی الحجه ۱۱۶۳

بو محمد خوارزمی در کافی همین گفته و صاحب مذهب استدلال
کرده باثری که بیهقی و قاضی اسمعیل رحمهما الله باسناد
خود روایت کرده اند از علقمه رحمه الله که روزی ابن مسعود
و ابوموسی اشعری و حذیفه بن الیمان رضی الله عنهم
با یکدیگر بودند و ولید بن عقبه که والی کوفه بود نزد ایشان
آمد و گفت اینکه عید نزدیک رسید تکبیر در وی چگونه گویم
ابن مسعود رضی الله عنه فرمود که ابتدا کنی و تکبیر احرام بگویی
پس خدای را ستایش ثنائی و بر پیغمبر صلوة فرستی آنگه دعا
کنی و تکبیر دیگر بگویی چون سخن ابن مسعود رضی الله عنه بتمام
رسید حذیفه و ابوموسی رضی الله عنهما گفتند صدق ابو عبد الرحمن
تنبیه هم در نماز جنازه از ابو امامه رضی الله عنه منقول است
که صلوة را بوقت نماز بر جنازه از سنن مؤکده باید شمرد
و صاحب مغنی شیخ موفق الدین ابن قدامه رحمه الله از ابن عباس

رضی الله عنه نقل میکنند که در یکه بر جنازه نماز میکند از دو تکبیر
میگفت پس قرأت کرد و درود فرستاد و دعا گفت
پرسیت انکه باز گشت و بباید دانست که در خواندن صلوة
بعد از تکبیر ثانی ائمه را اختلافیست و همه بنزد و غیره او قایل اند
اما خلاف در انست که نماز جنازه بدون ان صحیح هست یا نی
نزد امام شافعی رحمة الله واجبست و رکنیست از ارکان [illegible]
از نماز و صلوة جنازه بی ان صحیح نیست و بقول مشهور نیز
از امام احمد رحمة الله واجبست و نماز جنازه بی ان درست
نباشد و نزدیک امام اعظم و امام مالک رحمهما الله سنتست
و محمد حکیم ترمذی قدس سره در علل الاحکام فرموده
که دعواتی که در صلوة جنازه واقع شده بر ترتیبی لایق است
چه اول مصلی ثنا میگوید خدا را و طلب خشنودی میکند از وی
انکه بوسیله صلوة بپیغمبر او بدو تقرب میجوید و بعد از حصول

[illegible]

رضا و قرب برای میت دعا میکند و درخواست مینماید

نوزدهم بعد از نماز حاجت امام ترمذی و ابن ماجه رحمهما الله
روایت کرده اند از حدیث عبد الله بن ابی اوفی رضی الله عنه
که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرمود که هر کرا حاجتی
با خدا باشد یا بیکی از بنی آدم باید که وضو سازد و نیکو
کرداند وضو را یعنی شرایط و آداب آن رعایت نماید پس
دو رکعت نماز ادا کند و بر حق سبحانه ثنا گوید و بر پیغمبر صلوة فرستد
پس گوید لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش
العظیم الحمد لله رب العلمین اللهم انی اسألک موجبات
رحمتک و عزائم مغفرتک و الغنیمة من کل بر و السلامة من
اثم لا تدع لی ذنبا الا غفرته و لا هما الا فرجته و لا حاجة هی لک
رضا الا قضیتها یا ارحم الراحمین نسبه از اکابر فرموده اند که ما
در حاجات کلیه این نماز گذاردیم و بمرادات رسیدیم

در خطبه جمعه و ورود دران بمذهب امام شافعی و بقول مشهور
از امام احمد رحمهما الله واجبست در کیفیت از ارکان خطبه
و خطبه بی ان درست نیست و نزدیک امام اعظم و امام مالک
و بقولی از امام احمد رحمهم الله سنتست و خطبه بدون ان صحیح باشد

نسبت دویم در خطبه عید خواه فطر و خواه اضحی و ورود درین
دو خطبه همان حکم خطبه جمعه دارد در وجوب و استحباب

نسبت سوم در خطبه استسقاء و این نیز بمذهب امام شافعی است
رحمه الله که بوقت استسقا دو رکعت نماز باید گذارد
و مانند نماز عید و امام را دو خطبه باید خواند بر همان منوال
که در عید میخوانند و لیکن انجا بدل تکبیر استغفار باید گفت

نسبت چهارم در خطبه کسوفین امام شافعی رحمه الله بر انست که بعد
از نماز صلوة خسوف یا کسوف امام باید که دو خطبه بخواند
بشروط ان چنانکه در جمعه خطبه مقرر شده و مردمان را بتقوی

تحریض کند

تحریص کند و تصدقات و خیرات فرماید و سخن در صلوة

این خطبه ها آنست که در خطبه جمعه مذکور شد و در مواطن آورده

که صلوة بر نبی صلی الله تعالی علیه وسلم در خطب مذکوره امری

مشهور و کاری معروف بوده نزدیک صحابه رضی الله عنهم

و تابعین درین متابعت ایشان فرموده

فصل چهارم

در خطبه نکاح جمهور اصحاب امام شافعی رحمه الله بر آنند

که در نکاح دو خطبه مسنونست یکی مقدم بر عقد و آن بوقت خطبه

خواهد بود و در کتب معتبره از ابن عباس رضی الله عنه

منقولست که درود دهید بر پیغمبر در نمازها و در مسجدها و در

هر موطنی و نزدیک خواستگاری زن و فراموش نکنید

درود وی را و ازینجاست که ائمه شافعیه رحمهم الله گفته اند بهترست

در وقت خطبه آنست که تقدیم خطبه کند مشتمل بر حمد و ثنای الهی

و درود حضرت رسالت پناهی دوم بوقت عقد ح مواطن

آورده که اگر این خطبه ولی نخواند یا زوج یا اجنبی همان
استحباب حاصلست و اشتمال خطبه بر حمد و صلوة امر لیست مقرر و معتبر
بیست و پنجم در اول هر بامداد و اول هر شبانگاه در مفتاح
حصن حصین آورده از طبرانی رحمة الله روایت کرده است
که او باسناد خود نقل میکند از ابی الدرداء رضی الله عنه
که حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده که هر که بامداد
ده بار بر من صلوة فرستد و شبانگاه نیز ده بار بر من
درود دهد شفاعت من او را دریابد در روز قیامت وقتیکه
بدان محتاج بود و بیست و ششم نزدیک خواب کردن و در آن
صلوتی مخصوص باید خواند محمد سنی که ابن حبان رحمة الله
از ابو قرصافه رضی الله عنه روایت کرده و ابو الشیخ اصفهانی
نیز آورده که تمام این کلام در خاتمه کتاب ثبت خواهد یافت
و بیست و هفتم بوقت برخاستن از خواب در شب یعنی بهنگام

کذاردن

که از دیوان تهجد امام نسائی رحمة الله در سنن کبری حدیثی

از ابن مسعود رضی الله عنه نقل کرده که مضمون بعضی از آن انست

که خدای تعالی خشنود میشود از بنده که در میانه شب از خواب

برخیزد و چنانکه کسی نداند وضو کامل بسازد و بعد از

تحمید و تمجید صلوة فرستد بر پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم پس استغفار

نماید بعد از ان حق سبحانه ملائکه را گوید بنگرید بدین بنده من که قا نمیت

بدرگاه من و غیر من کسی او را نمی بیند شب جمعه در شب و روز جمعه

امام حجة الاسلام مقتدی الانام ابو عبد الله محمد الغزالی

قدس الله روحه در احیاء العلوم در باب آداب

یوم الجمعه فرموده که مستحبست اکثار صلوة بر حضرة پیغمبر صلی الله

تعالی علیه و سلم در این روز چه در حدیث آمده که هرکه در

روز جمعه هشتاد بار برین صلوة فرستد حق سبحانه گناه هشتاد ساله

وی بیامرزد و در فضل شب دیگر از کتاب قوة القلوب

که مشتمل است بر فضایل روز جمعه آورده که درود بر پیغمبر
صلی الله تعالی علیه و سلم بسیار باید گفت در روز آدینه و شب او
باید که کمتر از سه صد نوبت نباشد و هم در آن فضل آورده
که از برای جمعه سه روز رغایب باید کرد که بسیار نیکو است
و ثمرات خیر دارد و خواندن قل هو الله احد و گفتن صلوة
و ادای تسبیح هر یک هزار نوبت و در سوالمن مذکور است
که اکثار صلوة باید نمود در روز جمعه و شب آن بجهت آنکه
افضل ایام هفته اوست و حضرت شارع صلوة الله و سلامه علیه
ترغیب فرموده است اکثار گفتن درود روز و شب وی
و درین باب چندین حدیث وارد شده از جمله آنکه امام
بیهقی رحمه الله روایت کرده است از امام ابی امامه رضی الله عنه
که حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که بسیار گویید درود
بر من در هر روز آدینه و درود امت را بر من عرض می‌کنند

در هر جمعه

در هر جمعه پس هر که صلوة او بر من بیشتر باشد منزلت او
بمن نزدیک‌تر بود و در ریاض و ازهار آورده که هر که
روز جمعه هزار بار بر من صلوة فرستد نمیرد تا جای خود در بهشت
نه بیند و در جزء ثانی از مسند امام شافعی رحمه الله مذکور است
که بنقل صفوان بن سلیم رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله تعالی
علیه وسلم فرمود که چون روز جمعه و شب جمعه در آید بسیار
بر من درود گویید و در صحیح دارمی و نسائی و قزوینی
و ابن حبان رحمهم الله حدیث وارد است که اکثار کنید در
صلوة بر من در روز آدینه بدرستیکه درود شما معروض است
بر من و حاکم ابو عبد الله رحمه الله در مستدرک آورده
از اصحح حاکم نیز گویند و هو ابو عبد الله ابن البیع النیشابوری
اعلی الله درجته آورده که حضرت صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود
که صلوة نه دهد کسی بر من در روز جمعه الا که انرا بر من عرض کنند

در اخبار و احادیث آمده که حق سبحانه بعضی از ملائکه کرام
که مقربان مجامع قدس و محاوران صوامع انس اند او را
پنجشنبه از دایره سپهر برین بر کره زمین میفرستد و با ایشان
صحیفه‌ها باشد از نقره و قلمها از زر و امر میکند که بنویسند
صلواتی را که مومنان در شب و روز آدینه بر سید عالم
صلی الله تعالی علیه و سلم میفرستند و در خبر است که هر که بر او
جمعه و شب او صد بار بر وی درود دهد حق سبحانه صد حاجت او
روا کند سی حاجت از حاجات دنیوی و هفتاد دیگر از
مرادات اخروی و ملکی را برانگیزد تا صلوات آن بنده را
بر روح او رساند چنانکه هدایا بر طبقها نهند و شمامی از نزد آن
درود نزدیک من باشد در صحیفه سفید تا روز قیامت
و در آن صحیفه نام مصلی و اسم پدر او مسطور و مزبور بود
یکی از عرفا فرموده که چون جمعه سید ایام است و مخصوص بسید انام

بر امم

هر آینه گفتن صلوة درو بجهت اختصاص او بدان حضرت سبب
زیادتی مثوبت و موجب افزونی درجه خواهد بود و امام
ابو اسحاق مروزی رحمه الله روز آدینه در مصر باواز بلند
گفتی یا معشر الاسلام صلوا فی افضل الایام علی اشرف الانام
و درین باب گفته اند شعر صلوا علی خیر الانام وسلموا
فی اکرم الایام یا اهل الولا ∴ ان الصلوة علیه فی جمعاتکم
تنجی المصلی عن مقاساة البلا ∴ بروز جمعه درود محمد عربی
از روی قدر از ایام دیگر افزونست از اختصاص که
او را بحضرت نبوتست درو ثواب درود از قیاس بیرونست
و قاضی رحمه الله در مواطن آورده که بیهقی باسناد جید
از انس رضی الله عنه نقل کرده که رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
فرمود که بسیار گوئید صلوة بر من در شب جمعه و روز جمعه که هر که
بر من یک درود دهد حق سبحانه بر وی ده درود فرستد

و در ریاض الصالحین از امام ابو داود رحمه الله روی
باسناد خود از اوس رضی الله عنه نقل میکنند و امام احمد
و نسائی و ابن ماجه نیز رحمهم الله از اوس رضی الله عنه روایت
میکنند و ذکر کرده اند و ابن حبان و در صحیح خود اخراج کرده
که حاکم در مستدرک از حدیث حسین بن جعفر رحمه الله آورده
که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه فاضلترین
روزها روز جمعه است حق سبحانه در ان روز خواهد بود و پس
در ان روز میرانید و نفخه و صعقه در ان روز خواهد بود
پس در ان روز بر من صلوه فرستید که صلوه شما عرض کرده
میشود و بر من گفتند یا رسول الله چگونه بر شما عرض کنند درود
ما را و حال آنکه عظام للازم الاعظام شما بسمت کهنگی بذیرفته
باشد فرمود که خدای حرام کرده است اجساد انبیا را بر زمین
یعنی خاک در ان تصرف نکنند و ترتیب ترکیب ایشان

ارا کم

از انچه بر اوی این بوده بهیچ گونه تغییر و تبدیل نیابد

بیت جسم تو گنجیست نهان زیر خاک :: خاک سیاهیست
در ان گنج پاک :: خاک که از گنج تو دارد شرف :.:
هر ورقش چون گهر اندر صدف :: سلام علی الترب
الذی ضم جسمه فبات لعم شهود و یا خیر شهید :: از ابن الحجاج
رحمه الله منقولست که شبی حضرة پیغمبر را صلی الله علیه و سلم
در واقعه دیدم گفتم یا رسول الله حدیث کرده است مرا
ابو مقاتل از حضرة شما که فرموده اید که هر که در روز ادینه
بر من صلوة فرستد حق سبحانه گناه سی ساله وی را بیامرزد
انحضرت فرمود که صدق ابو مقاتل وی این سخن را راست
گفته است و امام ابو سعید الحسن بن علی الواعظ رحمه الله
در کتاب ریاض الانس در روضه ششم که او روضه
الانس للمصلین است بعد از ذکر این واقعه بهمین نهج که مذکور شد

اورده که ابن الحجاج رحمة الله پس از انکه این خواب
دیده بود دیگر فرمود که من پس ازین این حدیث از پیغمبر
صلی الله تعالی علیه وسلم نقل خواهم کرد نه از ابو مقاتل زیرا که
دیدن پیغمبر صلوات الله وسلامه علیه در خواب حق است
وشیطان بصورة وی متمثل نتواند شد ام در ایام
ولیالی از ماه شعبان شیخ ابو علی الحسن بن محمد البیهقی در کتاب
مفاتیح القلوب اورده که حضرة پیغمبر صلوات الله وسلامه علیه
ماه شعبان را اضافة بخود فرموده و در حدیث صحیح است
که الحضرة در هیچ ماه چندان روزه نمیداشتند که در ماه شعبان
پس باید که بر وی در این ماه صلوة بسیار فرستید که هر اینه
ثواب ان بیشتر خواهد بود خاصه که در روز جمعه که مخصوص
بدان حضرتست و در اثار امده که در اسمان دریائیست
که انرا دریای برکات گویند و بر لب ان دریا درختیست

که انرا درخت تحیات خوانند و بر ان درخت آشیانه
مرغیست مسمی بمرغ صلوة و انرا اجنحه بسیار است چون بنده
مومن در ماه شعبان بر سید اخر الزمان صلوات فرستد
فرمان در رسد بدان مرغ تا بان دریا فرو رود و غوطه
زده بیرون آید و پرهای خود را بیفشاند حق سبحانه از
هر قطره اب که از پری بچکد فرشته بیافریند و ان همه فرشتگان
بحمد و ثنا و تسبیح و تمجید حضرة کبریا مشغول گردند و
ثواب ان در دیوان عمل درود دهنده رقم ثبت یابد و در خبر است
که یک درود در ماه شعبان برابر است با ده درود غیر ان
شعر شعبان شهر رسول الله فاغتنموا ٭ صیام ایام الغر المیامینا
صلوا علی المصطفی فی شهره و ارجوا ٭ منه الشفاعة تفضلا و تحسینا
بیکم نوبت اراده سفر در مواطن آورده که شیخ ما
ابن العربی رحمه الله این موطن را ذکر کرده است و غالب

انست برا و وقت بیرون رفتن بسفر یعنی چون از منزل
خود به نیت سفر بیرون بیرود باید که صلوة فرستد چه این
الصرفی از اذکار نقل فرموده که مسافر را افتتاح دعای
سفر و اختتام آن بتحمید حق سبحانه و صلوة پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم
باید کرد و حضرة شیخ المشایخ قطب الزمان شیخ رکن الدین
علاء الدوله السمنانی قدس الله روحه در فصول الاصول
آورده که در همه سفرها بوقت نشستن بر مرکب باید گفت
بسم الله و الله اکبر و صلی علی محمد خیر البشر پس این آیه باید خواند
هم در راه کعبه و هم در فصول مذکور است که در راه کعبه
زادها الله تعظیما چون کسی خواهد که بر بلندی برود تکبیر باید گفت
و چون سر در نشیب شود صلوة فرستد بعد از تلبیه
در حج امام شافعی در مناسک کبرا از امام فرموده که سنت است بعد از
فراغ تسمیه که از پی در آرد و آنرا درود پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم

واخوان

و از خدای بهشت طلبد و از دوزخ پناه جوید ابو الحسن
دارقطنی بسند خود از طریق صالح ابن محمد بن زایده رحمه الله
حدیثی درین باب روایت کرده و در اخر آن فرموده
که از قاسم بن محمد رحمه الله شنیدم که گفت مستحبست که چون
کسی فارغ شود از تلبیه صلوة فرستد بر پیغمبر صلوة الله وسلامه علیه
معظم بوقت دخول در مسجد الحرام امام همام فضل الله
بن قاضی نصیر الکسائی رحمه الله در کتاب تشویق الحرمین
آورده که چون حاجی بمکه رسید باید که از باب بنی شیبه
بمسجد الحرام در آید و پای راست فرا پیش نهد و بعد از
استعاذه و بسمله و حمدله صلوة فرستد بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم
آنگه گوید اللهم اغفر ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک
پنجم و پنجم نزدیک استلام حجر الاسود هروی رحمه الله
از نافع نقل کرده که طبرانی در اوسط آورده که چون

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما خواستی که استلام حجر کند

گفتی اللهم ایماناً بک و تصدیقاً بکتابک و اتباعاً لسنة نبیک

صلی الله علیه وسلم پس استلام کردی و قاضی خیضری

رحمه الله آورده که رجال اسناد طبرانی رجال صحیح اند و امام

واقدی نیز رحمه الله در مغازی همین روایت کرده مرفوعاً

الی النبی صلی الله علیه وسلم و تشهد بوقت سعی بر کوه صفا

و هفتم هنگام سعی بر کوه مروه قاضی اسمعیل بن اسحاق

در کتاب الصلوة باسناد حسن از نافع نقل کرده که

امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه عادت بود که چون بمسجد الحرام در آمدی

هفت بار گرد خانه طواف کردی و دو رکعت در مقام ابراهیم

علی نبینا و علیه صلوة الرحمن بگذاردی از پس بکوه صفا بر آمدی چنانکه

خانه محترم بنظر در آید بایستادی و هفت تکبیر گفتی و میان هر دو

تکبیر ستایش کردی خدای را و بلطایف حمد و ثنا قیام نمودی پس صلوة

در تشهد

فرستند بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم و برای نفس خود دعا کنند
و حاجت خواهند و بر کوه مروه نیز همین عمل بجا آرند و
دیگر از در مسند خود از طریق شعبی رحمة الله روایت کرده
از وهب بن الاجدع که از عمر رضی الله عنه همین را شنودم
و در سواطع آورده که اسمعیل قاضی باسناد خود از
نافع رحمة الله روایت کرده که ابن عمر رضی الله عنهما بر صفا
چهار تکبیر گفتی الله اکبر فرمودی باز که لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر پس بر رسول صلی الله
تعالی علیه وسلم صلوة فرستی پس دعا کردی و بسیار وقت
در قیام بودی پس بر مروه برآمدی و مثل این عمل بجا آوردی
ــ و هشتم بعد از دعا در ملتزم یعنی بوقت طواف وداع
چون میان رکن و باب رسد که آنرا ملتزم گویند دعای مشهور
بخوانند و ختم کنند آنرا بر درود سید عالم صلی الله علیه وسلم

در سواطع فرموده که نزد امام شافعی رحمه الله و اصحاب او
مستحب است که چون از طواف وداع فارغ شود در ملتزم
بایستد و دعای مشهور که اللهم البیت بیتک بخواند الخ
صلوة فرستد بر پیغمبر صلوة الله علیه و سلامه فصل
هنگام دخول در مکه که احرام بعمره گرفته باشد در تشویق
آورده که محرم بعمره باید که بمکه در آید لبیک گویان
ایکه زبان به تهلیل و تکبیر بکشاید پس از ان صلوة فرستد
بر حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم فصل در روز عرفه
امام نواوی رحمه الله در شرح مهذب اینجا که در باب
روز عرفه سخن میراند فرموده که سنت است درین روز اکثار
مستحب است
در دعا و تهلیل و تلبیه و تضرع و استغفار و قرأة قران
که هر که دعا را سه بار تکرار رساند و افتتاح دعا بتحمید و تمجید و تسبیح
ربانی و بدرود به پیغمبر صلی الله علیه و سلم کند و اختتام نیز بهمین

کند و ازان

٨١

٩٣

که بگویند شد فرماید و از اذکار در تشویق الحرمین آورده
که افتتاح دعا بحمد و صلوة کند و بامین اختتام نماید همین سخن
مذکورست بوقت وقوف نزدیک مشعر الحرام امام
ابو النصر احمد بن محمد بن المؤید رحمه الله در کتاب عدة السالکین
و در که عمدة السائرین آورده که نزدیک مشعر الحرام باید
ایستاد یعنی در شب عید اضحی بعد از آنکه از مزدلفه
روان شده باشند و بمشعر رسیده وقوف باید نمود
و دعا کرد تا وقت اسفار و صلوات باید فرستاد که داب
صحابه و تابعین چنین بوده رضوان الله تعالی علیهم
نزدیک ذبح خواه در منا و خواه در غیر آن امام شافعی
رحمه الله در ام فرموده که تسمیه بر ذبیحه بلفظ بسم الله است
و اگر چیزی دیگر از ذکر خدای با آن اضافه کنند نیکو باشد
و من مکروه نمیدارم که در وقت ذبح با تسمیه گویند صلی الله

علی رسوله و در مواطن آورده که شیخ ابو اسحق ابن شاقلا
از اصحاب امام احمد حنبل رحمه الله در کتاب تنبیه تصریح
کرده است باستحباب صلوة در وقت ذبح و او را یی از
حلمی نقل کرده که در ذبح اضحیه فرموده که اگر صلوة فرستد
بر پیغمبر نیکو باشد و حاشا که مکروه بود صلوات بر آنحضرت
نزدیک هر طاعتی و قربتی و از کلام او را یی حنبان مفهوم میشود
که صلوة نزدیک هر ذبیحه لازم نیست بلکه اختصاص دارد
بذبحی که جهت تقرب باشد و نزد اصحاب امام اعظم رحمه الله
مکروه است درود فرستادن بوقت ذبح خواه ذبیحه تقرب باشد
و خواه غیر آن در محیط آورده که کراهیة بجهت آنست
که گمان اهلال لغیر الله نبرند اما قاضی خان فرموده
که اگر گوید بسم الله و باسم محمد ام القول امام ابو القاسم صفا
رحمه الله اکل آن ذبیحه حلال نیست و اگر گوید بسم الله و صلی الله

علی محمد

علی محمد اکل آن حلال وطیب است و دلیل جمعی که مکروه میدارند
صلوة را نزدیک ذبح حدیثی مرفوع است که سلیمان بن عیسی سجزی
از عبد الرحیم بن زید العمی نقل کرده از پدرش از رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم که مرا یاد مکنید بوقت تسمیه طعام
و هنگام ذبح و بعد از عطاس و در انتقاد الحدیث شیخ ابن حجر
رحمه الله آورده که این حدیث صحیح نیست و سلیمان متهم است
بوضع حدیث و قاضی خیضری روح الله روحه فرموده که
این حدیث سلیمان منقطع است و ضعیف جداً در راه مدینه
امام حجة الاسلام در کیمیای سعادت و حضرة شیخ رکن
الدین علاء الدوله قدس سره در کتاب فصول و امام
ابو نصر رحمه الله در عمدة السالکین آورده اند که شرط
زایر آنست که در راه مدینه مبارکه در اکثر اوقات
بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم صلوة فرستد و از حضرة عزت تعالی شانه

استمداد عاشق مشاهده جمال با کمال آنحضرت نماید که مقصود
عاشق و مطلوب هر دلداده مشتاق همان است بیت
مقصود عاشقان که شگفته لقای تست :. مطلوب طالبان
ز دو عالم رضای تست چهل و چهارم بوقت آنکه مدینه طیبه بنظر
در آید در فصول آورده که چون چشم بر مدینه افتد
باید که صلوة فرستد و در تشویق الحرمین فرموده که چون
نظر بر دیوارهای مدینه و بر اشجار آنجا افتد مستحب است
که صلوة گویند زیاده از آنکه در راه میگفته باشند
چهل و پنجم بهنگام دخول در مسجد حضرت نبوی صلی الله علیه و سلم
که اکثار کنند از صلوة و سلام بر وی هم در وقت وصول
بمدینه شریفه و هم در زمان دخول در مسجد شریف و در تشویق فرموده
که چون بدر مسجد آنحضرت رسد باید که صلوة فرستد و تقدیم
رجل یمنی نماید چهل و ششم در حالت طواف روضه مقدسه علی

صاحبها

سا کنها الصلوة والسلام هم در فصول مذکورست
که در وقت طواف درود بسیار باید داد وجه این
صورة سنح فواید کلیه است بصورة و معنی در دین و دنیا
چهل و هفتم بوقت توجه بقبر مقدس ابن ابی فدیک رحمه الله
فرموده که از بعضی اکابر شنیدم که گفتند چون بما رسیده
که هر که نزدیک قبر آنحضرة صلی الله تعالی علیه وسلم ایستاده
این آیت ان الله وملئکته تا آخر خواند و هفتاد بار بگوید صلی الله علیک
یا محمد فرشته ندا کند که صلی الله علیک یا فلان بخواه حاجتی
که داری که هیچ حاجت تو رد نمیشود چهل و هشتم
میان قبر و منبر در عدة السالکین آورده که میان قبر آنحضرة
و منبر وی روضه ایست که از روضهای بهشت و چون کسی
آنجا برسد اکثار باید نمود در صلوة و پس از آن دعا
باید کرد که هیچ وجه مردود نمیشود در تشویق از ای هر

رضی الله عنه نقل کرده که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم
فرموده که هر که نزدیک قبر من بر من صلوة فرستد ملکی را
بر آن موکل کرده‌اند تا بمن رساند و درود دهنده را
کفایت کنند مهم دنیا و آخرت او وجمیل بهم بوقت مرور
بر منازل و مواضع معروفه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
آنجا نزول نموده باشد یا موضعی که آنحضرت در آن نشسته باشد
بسیار صلوة فرستد بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم
و این موطن از شیخ الاسلام العلامه ابن الجزری رحمه الله
در بعضی از تالیف خود ذکر کرده است در مکه مبارکه و حوالی آن
از جمله منازل مشهوره خانه ایست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
در آن متولد شده و حالا زقاق المولد میگویند و اهل مکه را
در آن خلافی نیست و منزل خدیجه رضی الله عنها که مسکن
آنحضرت بوده و بعد از هجرت بدست عقیل بن ابی طالب رضی الله عنه

انتهی

افتاده و معویه ابن ابی سفیان در زمان حکومت از وی
خریده و مسجدی ساخته دیگر مسجدی که در سرای ارقم مخزومی
بوده نزدیک صفا که دار الخیزران گویند و فاروق رضی الله عنه
در آن سرا ایمان بشرف اسلام رسید دیگر مسجدی با علای مکه
آنجا که زرم است و آنحضرت آنجا نماز گذارده و یکی از بنی
العباس رضی الله عنه انرا بنا کرده دیگر مسجد الجن هم در اعلی
مکه که حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در آن موضع با جنیان ملاقات
فرموده و بیعت از ایشان فرا گرفت و درین موضع
خطی کشید گرد اگرد ابن مسعود رضی الله عنه تا از جن ضرری
بوی نرسد دیگر مسجد الشجره است در برابر مسجد الجن که
آنحضرت ویرا طلبید و آن درخت زمین را شکافته با اصل
و فرع خود نزدیک وی آمد و بفرمان آنحضرت دیگر بار
بموضع خود باز رفت دیگر مسجد السمر و مسجد ابراهیم علیه السلام

بعرفات بر یمین موقف و مسجدی در اجیاد که آنرا متکی گویند
بجهت آنکه آنحضرت صلی الله علیه و سلم در آن اتکا فرموده
بود و مسجد البیعت در اعلای که نزدیک قرن مسفله که روز
فتح مکه مردمان آنجا با آنحضرت بیعت کردند و مسجد خیف منا و مسجد
دیگر نزدیک همین مسجد خیف و آن غاریست در زیر سنگی
بزرگ و آن مسجد و المرسلات معروفست بجهة آنکه این
سوره آنجا نازل شده و مسجدی در شعب العقبه که هم
مسجد البیعت گویند چه انصار آنجا بیعت کردند و مسجدی بطوی
و مسجد جعرانه و مسجد تنعیم و کوه حرا و غار او و غار جبل ثور
و اطراف حجون و معلی و غیر آن و در مدینه شریفه از مواضع
معروفه یکی مسجد قباست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
در روز شنبه پیاده یا سوار بدانجا رفتی و دو رکعت
نماز گذاردی و آورده اند که زیارت این مواضع مستحب است و

داود در مشاهد

درود فرستادن در هر کتب وظیفه اهل ادب [illegible]
بوقت سماع ذکر آنحضرت و علما در آنکه بوقت ذکر خجسته
فرجام حضرت سید انام علیه من الله التحیة و السلام
فرستادن صلوة واجبست یا نی اختلاف کرده اند
ابو جعفر طحاوی رحمة الله از حنفیه حلیمی از شافعیه و لخمی
و الطفیحی از مالکیه و ابن بطه از حنابله و تابعان هر یک
از ایشان بر آنند که نزدیک ذکر آنحضرت هر گاه
که مذکور شود درود فرستادن واجبست در فرائض
المکلفین نقل میکند از کشاف که در هر مجلس که نام
حضرت عز و جل شنوند یکبار ثنا گفتن واجبست و چون
نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم شنوند هر بار صلوة باید گفت
بقول امام ابو الحسن کرخی رحمة الله و هر بار که مذکور شود
بقول امام طحاوی یکبار قاضی خان آورده که اگر کسی نام خدا

شنوند و تعظیم آن بر وی واجبست به تسبیح جل ذکره و امثال
آن و اگر نام نبی شنود باید که صلوة فرستد و اگر تکرار
یابد در مجلس واحد مختلف فیه است بعضی یکبار گفتن واجب داشته اند
و بعضی هر نوبت و در مبسوط شمس الائمه سرخسی رحمه الله
برین وجه رقم ذکر یافته که چون در مجلس چند نوبت پیغمبر صلی الله
تعالی علیه وسلم ذکر کنند یا نام وی شنوند متقدمان
اصحاب با قیاس بر سجدهٔ تلاوة گویند یکنوبت جواب دادن
صلوة کفایت است بجهت اتحاد سبب و بعضی متاخران فرموده اند
که هر نوبت صلوة باید فرستاد جهت آنکه صلوة حق رسول است
صلی الله علیه وسلم و از آن حضرت مرویست که با من
جفا میکنید پس از موت من نگفتند یا رسول الله چگونه بر شما
جفا کنند فرمودند بر آن وجه که مذکور شوم و بر من صلوة نفرستند
و در کتاب صلوة الکافی للعلامة النسفی رحمه الله در باب

سجدهٔ تلاوت

سجده تلاوت مذکورست که هر که نام پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
بشنود دیگر ریر ولازم نیست صلوة فرستادن الا یکبار وغالبا
مراد صاحب کافی انست که مجلس واحد باشد جهة آنکه قیاس
بر سجده تلاوة فرموده و در صلوة جلالی آورده که اگر ذکر
نبی صلی الله تعالی علیه وسلم در مجلس مختلف وقوع یابد بر قیاس
سجده تلاوة هر بار واجبست صلوة فرستادن وهم در جلالی
میگوید که اختلاف در صلوة بسبب آنست که بعضی از علما انرا حق الله میدانند
وبعضی حق رسول الله پس کسیکه حق الله میداند میگوید که تعدد
در روز راه ندارد چنانکه در حقوق الهی وهر که حق الرسول
دانسته تعدد قایلست واکثر اصحاب برانند که صلوة حق
پیغمبرست صلی الله تعالی علیه وسلم پس بقول ایشان هر بار که
نام وی شنوند در ذکر فرستادن واجب بود اگرچه
هزار بار در یک مجلس واقع شود و در قنیه آورده که بوقت

تکرار ذکر آنحضرت صلی الله علیه وسلم در مجلسی یکبار

درود فرستادن واجبست والان علیه الفتوی و تاج الائمه

در شرح جامع الصغیر که در تکرار آیت سجده سجده واحده کافی ست

و هر نوبت سنت است و در تکرار نام پیغمبر صلی الله علیه وسلم صلوة

واحده کافی ست اما هر بار سنت است و از فحوای این سخنان

چنان مفهوم میشود که بوقت تکرار ذکر آنحضرة صلی الله علیه وسلم

نزدیک جمعی از علما درود فرستادن یکبار کافی ست

و فرقه دیگر برآنند که بوقت تکرار هر بار درود باید فرستاد

و هر یک ازین دو طایفه را بر مدعای خود دلایل ست

اما حجت آنها که در تکرار بوجوب قایلند یکی حدیث ابی هریره است

رضی الله عنه که حضرة فرمود که رغم انف رجل ذکرت عنده

فلم یصل علی و این حدیث نزدیک امام ترمذی رحمة الله حسن ست

و نزدیک امام حاکم رحمة الله صحیح و استدلال بدین حدیث

از ان وجه ست

از ان وجه است که رغم انف دعاء علیه است بمعنی ذم و تارک
مستحب نیز سوم و لایق نفرین هست پس درود نیز نزدیک
ذکر انحضرت صلی الله علیه وسلم واجب باشد دوم حدیث
امین انحضرت دعای جبرئیل است که رغم انف من ذکرت
عنده فلم یصل علیک فمات فدخل النار فابعده الله و تمام
این حدیث در ذکر فصل هفتم در مذهب تارک صلوة خواهد آمد
و همین حدیث را ابن حبان در صحیح خود اورده و از اکابر
صحابه چون جابر بن سمره و کعب ابن عجره و مالک بن حویرث
و انس بن مالک رضی الله عنه مرویست و نهایت صریح است
در کنه کاری تارک صلوة و توعد او بدخول اتش دوزخ
و دوری از رحمت الهی پس اگر واجب نبودی بر ترک
ان اینهمه وعید متفرع نشدی سوم حدیث امام نسائی است
رحمه الله که باسناد صحیح از انس رضی الله عنه نقل فرموده

که حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که من نزد وی
یاد کرده شوم باید که بر من صلوة فرستد و این امر ظاهر است مقتضی
وجوب است چهارم حدیث حاکم که در صحیح خود آورده و ترمذی
و نسائی رحمهما الله در سنن خود آورده اند و ابن حبان
در صحیح خود نقل کرده از حدیث عبد الله بن علی بن الحسین از
پدرش حسین از پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بدرستی بخیل
آنکس است که من نزد وی یاد کرده شوم و بر من صلوة نفرستد
و وجه استدلال بدین حدیث آنست که صفت کردن کسی را
به بخیل مذمت است و تارک سنت مستحق اسم ذم نیست و دیگر آنکه
بخل عبارتست از منع چیزی که ادای آن واجب باشد
پس هر که ادای واجب علیه کند او را بخیل نمیگویند پنجم
حق سبحانه امر کرده است بر درود و سلام بر پیغمبر امر یست مطلق
و باتفاق اصولیان هر گاه که دلیل تکرار قائم شود مر امر مطلق را

تکرار واجب بود

تکرار واجب بود و در این امر بزرگترین سببی که مقتضی
تکرار باشد ذکر حضرة پیغمبر است صلی الله علیه وسلم بجهت
نصوص که تقدیم ذکر یافت از توبیخ تارک صلوة برغم انف
و دخول نار و دوری از رحمت و اتصاف به بخل و مؤید این
ترجیح است آنکه سبحانه امر کرده مر مومنانرا بدرود رسول خود
بعد از اخبار بآنکه خود بر وصلوة میفرستد و ملائکه بر و درود میفرستند
و مقرر است که درود خدا جل و ملائکه یکبار نبوده و بعد از آن
منقطع شده بلکه صلوتیست متعاقب و متوالی بجهت آنکه
صلوة بر وی برای تعظیم و تکریم است پس هرچند بیشتر باشد
عظمت و کرامت وی بیشتر خواهد بود و ایراد فعل و خبر
که در یصلون و صلواته است از باب تفعیل که در اغلب
دلیل تکثیر و تکریر است تقویه قول سابق میکند و در جلا آورده
که لفظ یصلون دلالت بر تکرار درود میکند پس تکرار آن

در حق ناموخر ران حق واو کذ خواهد بود اما دلایل فرقه

که در کنار از وجوب درود قایل نیستند هم بسیار است

از انجمله انکه بی شبهه معلوم و محقق است که صحابه کرام و سلف

صالح که قدوه انام اند از انجمله نبوده که نزدیک ذکر پیغمبر

صلی الله تعالی علیه وسلم هر نوبتی درود فرستاده باشند

و این ظاهر است و خطاب ایشان مر انحضرت را که میگفتند

یا رسول الله یا نبی الله درین اقتصار مینمودند وسامعان

نیز بوقت این خطاب درود نمی فرستادند پس اگر نزدیک

ذکر وی درود واجب بودی بایستی که انحضرت صلی الله تعالی

علیه وسلم ایشان را از ترک ان منع کردی و مثل این خبری

در کتب احادیث مروی نیست دوم انکه اگر درود نزدیک

ذکر وی واجب بودی بایستی که موذن در اذان :

چنین گفتی که اشهد ان محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم و در کلمات

اذان

اذان برین وجه واقع نشده است سوم انکه گواهی دادن
برسالت واجب ترست از گفتن صلوة باتفاق علما چه
صحت اسلام والسنه بدانست و هرگاه که ذکر انحضرت
درمیان اید گفتن شهادت لازم نیست پس درود بروی
چه لازم باشد چهارم انکه واجب نیست بنا بر حذ الوقت
تکرار نام وی پس درود نیز واجب نبود نزدیک
تکرار نام پیغمبر چه تعظیم احلال الحضرة تابع تعظیم مرسل اوست
جل ذکره و هر یک از طایفین مرا ابرجح ان دیگری اعتراض ثبت
و بازنمان دیگری را در دفع اعتراضات اجوبه بسیار
و این رساله مقتضی ایراد انها نیست در کتاب الصلوة
از خزانة المفتین بعد از بیان این بحث مذکور است
که عاله علی فتوی باستحباب میدهند بر هر چه باعدای الری باشد
مقتضی فرضیه اما ورع مخفی نیست یعنی احتیاط مقتضی عدم

ترکست و در صلوة جلالی آورده که قاضی امام رحمة الله گفته اند
که در صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم دو جهت است امتثال امر الهی
و قضاء حق رسالت پناهی پس مراعات هر دو حق لازم باشد
و امام بدر الدین اسمعیل بیاعی رحمة الله در کتاب انوار
و الکار آورده که طریق احوط آنست هر بار که نام آنحضرت
صلی الله تعالی علیه و سلم شنوند درود فرستند زیرا که اگر واجب
ترک آن حرام خواهد بود و اگر سنت است گفتن در مثوبته
خواهد افزود شعر عند ذکر النبی صلوا علیه ∴ اطلبوا الفوز
و النجات لدیه ∴ گهی که بشنوی نام سید السادات ∴∴
همی فرست بروحش هدیه صلوات ∴ که بیگمان صلوة نبی تو گفت حشر
رهاندت ز هلاکت رساندت بنجات بخدای کریم بوقت گفتن
نام نامی آنحضرت و ذکر کردن آن نبذ آنکه قایل را
صلوة باید فرستاد و وقتیکه نام آنحضرت بر زبان راند

بیاد کردی

یا دگر وی در میان از دو قابل نام و ذکر آنحضرت صلی الله علیه وسلم
بعد نشانه نای این سجده است که سامع بسبب تلاوه او سجده
میکنند پس وی اولی باشد بسجده 52 پنجاه دوم وقت خطور آنحضرة
در خاطر در کتاب شرعة الاسلام آورده که از سنن اسلام
بسیاری درود است به سید انام پس درود باید گفت
بر وی هر جا ذکر او گذرد و هر گاه در خاطر خطور کند و با صلوة
سلام نیز باید گفت پنجاه سیوم نزدیک کتابت اسم شریف
آنحضرة یعنی کاتب چون اسم سامی آنحضرة بنویسد متعاقب
آن صلوة باید نوشت و محققان گفته اند نام آنحضرت را
دو کار لازم است صلوت باید فرستادن بزبان و بدست
نیز باید نوشت در ریاض المذکرین و بسیاری از کتب
معتبره بروایت ابی هریره رضی الله عنه مذکور است که پیغمبر صلوة الله
وسلامه علیه فرموده که هر که بر من صلوة دهد در کتابی یعنی

درود بر او نویسد در آن کتاب همیشه باشند فرشتگان که

دیر آمرزش طلبند مادام که نام من در آن کتاب بود

و این حدیث را در جلاء الافهام از امام جعفر رضی الله عنه نقل کرده

و قاضی جعفری آورده که ابو الشیخ اصفهانی رحمه الله این حدیث را

باسناد خود از ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است

و از سلیمان الربیع منقولست که باسناد خود و از ابن عباس

رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله تعالی علیه و سلم

فرمود که هر که صلوة دهد بر من در کتابی همیشه صلوة بر وی

جاری باشد مادام که نام من در آن کتاب مسطور بود

و مؤید این خبر است آنکه قاضی عیاض رحمه الله در شفا از سفیان

ثوری رحمه الله نقل میکند که همین فایده بس صاحب حدیث را

که بر نام سید انام صلوة مینویسد چه مادام آن کتابت

باقیست بر وی نیز صلوة میفرستند در ازهار الاحادیث

ابن

از عیسی بن عباد دینوری رحمه الله نقل کرده که فضیل
کندی را بعد از فوت وی بخواب دیدند و پرسیدند
که خدای با تو چه کرده گفت مرا بخشید و گرامی داشت
بعملی که از بن دو انگشت من یعنی سبابه و ابهام صادر
شده بود گفتند از ایشان چه عمل آمد که موجب این
کرامت باشد فرمود که بسیاری نوشتند صلی الله تعالی
علیه و سلم و ابو عبد الله حفص کاغذی را نیز در واقعه دیده
استفسار حال وی نمودند جواب داد که گناهان مرا
با صلوتی که بر نام پیغمبر صلی الله علیه و سلم نوشته بودم حساب
کردند ثواب کتابت صلوة زیاده آمد مرا بیامرزیدند
و در رجال، مذکور است که ابو الحسن علی المیمونی نقل کرده که
شیخ ابو علی حسن بن عینیه را رحمه الله بعد از وفات او
در خواب دیدم و شکل از روی زعفران بر انگشتان وی

چیزی نوشته بود پرسیدم که بر اصابع تو چیزی بلیغ ظریف
می‌بینم که نوشته‌اند آن چه چیز است فرمود که جزای کتابتیست
که در حدیث رسول می‌نوشتم که صلی الله تعالی علیه وسلم و امام
ابو سعید شعبان بن محمد القرشی رحمة الله در کتاب شفاء السقام
فی نوادر الصلوة والسلام از حسن علی العطار رحمه الله
نقل کرده که امام ابو طاهر مخلص رحمة الله بجهته ثمن جزوی حدیث
نوشته بود و همه جا بذکر پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم الحاق فرموده
که صلی الله تعالی علیه وسلم کثیرا کثیرا من سبب این مبالغه از وی
بپرسیدم فرمود که در حدیث من هر گاه حدیث نوشتمی و نام
پیغمبر صلی الله علیه وسلم مذکور شدی در گفتن و نوشتن
صلوة تکاسل ورزیدی یا شبی الحضرة را در واقعه دیدم
کالشمس فی الدجنه والبدر فی الظلام بسوی آن قبله مقبلان
اقبال نموده سلام کردم روی از من بگردانید تا سه نوبت

این صورة

این صورة اتفاق افتاد کرت چهارم گفتم یا رسول الله
چرا روی از من میگردانی بیت تو که خورشید صفت بر همه کس میتابی
تا چه کردم که چنین روی ز من میتابی :: آنحضرة فرمود که جهت
آنکه ذکر من میکنی و صلوة نمیگوئی و نمی نویسی بیدار شدم
و از آنوقت باز بر من متوال که می بینی کتابت میکنم و از حسن بن
محمد الزعفرانی رحمه الله نقل کرده اند که گفت امام احمد حنبل
رحمه الله را در خواب دیدم و از احوال وی پرسیدم فرمود
که ای علی اگر ببینی صلواتی را که نوشته دیدیم در کتب خود
جلوه روشن و درخشنده است در پیش ما چراغ حیران مانی

شعر علی المصطفی صلوا فان صلوته :: ضیاء مصابیح و نور المهتدی
صلوة رسول الله محض الهدایة :: و من یتبع نهج الهدایة یهتدی
لمعه انوار درود رسول :: روشنی روح و روان منست
تحفه گلزار تحیات او :: قوت دل قوت جان منست :::

سود دین از منفعت او بیش ∴ هر چه خیر است زیان نیست

پنجم چهارم در ابتدا او درس حدیث و تبلیغ سنن آنحضرت

صلی الله تعالی علیه و سلم بمردمان چه امر تبلیغ واقع است و دعا

در بارهٔ مبلغ مروی با و مبلغ سنن وارث نبی است در امت

او پس شکرانه توفیق این نعمت را باید که حمد خدای گوید در افتتاح

کلام و درود فرستد بر سید انام و ختم حدیث هم بحمد و درود

نماید از جمعی علماء حدیث در مبدای تحدیث استماع رفته که میفرمودند

که بسم الله والحمد لله والصلوة والسلام علی رسول الله و

بعضی دیگر بدین وجه میگویند که الحمد لله رب العلمین اکمل الحمد علی کل

حال والصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی سید المرسلین

کما ذکره الذاکرون وکلما غفل عن ذکره الغافلون اللهم صل علیه

و آله و سلم تسلیم الصالحین نهایة ما ینبغی ان یسأله السائلون

و از امام شافعی رحمة الله نیز دیک بدین کلمات نقلی هست که

[illegible]

[illegible]

در مفتح درس حدیث سیوم آمده اند بنی پنجم در مسند احمد آمده کبر
و مواعظه امام یافعی در انوار آورده که علما گفته اند
مستحب است مر هر واعظ را بوقت القای وعظ که ابتدا
سخن بحمد خدا آید و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم کند و ختم سخن
نیز بحمد و صلوة نماید و اسمعیل قاضی آورده که در کتاب
عمر بن عبد العزیز رحمه الله که یکی از عاملان خود
در باب واعظان نوشته فرموده که بفرمای این نیز ا
تا در افتتاح کلام خود بعد از حمد و ثنا درود فرستند بر پیغمبر
و در مواطن قاضی جعفری رحمه الله تعالی گوید که بقول علما سنتست
هر مدرس و واعظ و کسی را که قرات علم میکند بر شیخ
که ابتدا کند بحمد و درود و اختتام نیز بهمین نماید چه این
موطن موطن تبلیغ علمیست که از آن حضرت مروی شده
و نشر آن بامت افضل و انفع اعمالست پس ثنا

مستظهر آن علم و مستظهر آن که پیغمبرست صلی الله علیه وسلم در وقت
نشر و اظهار آن و انس النسب و اصول نسب و پوشیده نماند
که مراد از مدرس در بین موطن آنکس است که بتدریس علوم
شرعیه اشتغال دارد و امثال این مواطن اگرچه در موطن
اول داخل است اما چون اکابر دین رحمهم الله اینها را بذکر
مخصص کرده‌اند بنده نیز تبع آثار ایشان نمودن بباب آخر است
پنجاه و ششم نزدیک اجتماع قومی برای ذکر در مواطن آورده
که مسلم ابن ابراهیم اللیثی رحمه الله باسناد خود نقل کرده است
از ابی هریره رضی الله عنه از پیغمبر صلی الله علیه وسلم که مر خدا را
فرشتگانند سیر کننده در زمین چون بحلقه‌های ذکر مرور نمایند
بعضی مر بعضی را گویند بنشینید پس چون آن قوم دعا کنند این جماعت
بر دعای آن جمع آمین گویند و چون صلوة فرستند بر پیغمبر
صلی الله علیه وسلم ملائکه با ایشان در فرستادن درود موافقت

نمایند

نمایند تا وقتیکه فارغ کردند بعضی از ملایکه بعضی را گویند
طوبی لهولاء خوشا حال این گروه که باز میگردند از این
مجمع گناهان ایشان امرزیده شده و اصل این حدیث
در صحیح مسلم هست اگرچه در بعضی الفاظ تغییری باشد [illegible]
بوقت قیام از مجلس در مفتاح از شیخ ابن الجزری رحمه الله نقل میکنند
که چون کسی خواهد که از مجلسی برخیزد باید که صلوة فرستد برین وجه
که صلی الله و ملائکته علی محمد و علی سایر انبیایه و در مواطن اورده
که ابن ابی حاتم روایت کرده است از طریق عامر بن شقیق از
ابن ابی وایل که او فرمود که ندیدم عبدالله یعنی ابن مسعود را
رضی الله عنه که برخاستی از مجلسی نشسته بودی با مردمان و جنازه
یعنی مجلس طعام
و غیر آن از مجالس الا که حمد کفتی و صلوة فرستادی و سلام گفتی
و دعاها کردی و در آثار آمده که صلوة در اواخر مجالس
کفارة لهو و لغو و غیبت که در آن مجلس واقع شده باشد بجا آوردن است

قبل از تفرق جماعتی از مجلسی چنانکه در حدیث آمده که جمعی در
مجلس متفرق نشوند بر غیر صلوة من الا که متفرق شوند
بر سی انتن از رایحه مردار و این حدیث در فصل فضایل (خواهد آمد)
نهم و نهم بهنگام مصافحه با اهل اسلام در ریاض الاحادیث
آورده بروایت انس رضی الله عنه و ابن السنی نیز از انس
نقل میکند که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نباشند دو بنده
دوست یکدیگر را که چون یکی پیش آید و دیگر را مصافحه کنند
و صلوة فرستند بر آنکه هنوز از یکدیگر جدا نشده حق سبحانه
بیامرزد گناهان گذشته و آینده ایشان را و در اربعین
که امام همام نقبة الحفاظ جلال الدین ابو الفتح محمد بن محمد بن محمود
الحافظی البخاری رحمة الله احادیث در ثواب جمع کرده
در حدیث دهم آورده که هر که مصافحه کند با مسلمانی و بوقت مصافحه گوید
اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و سلم این عمل باقی نگذارد از گناهان وی

۱۷

جبین بر العینی صفحات جرایمش ببرکات این جبین بمصافحه
از حضرهٔ عفو قدیر رقم صفح یابد و دفتر سیاه گناهش
بآب رحمت کامله و مغفره شامله شسته شود بیت
آب عنایت رسد از فیض عام :: شسته شود نامه جرمش تمام مضمون ششم
در ابتداء مکاتبات و مراسلات در مواطن خیری بزرگوار است
که شیخنا العلامة ابن الصیرفی رحمه الله فرموده که مستحب است مر
کاتب رسایل را که در اوایل آن حمد گوید مر خدای را و صلوة
فرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم و این موطن حسن است نصیحت دیگر
نزدیک کتابت وصیت و هم علامة العالم علاء الدین ابن الصیرفی
در بعضی تصانیف خود این موطن را ایراد فرموده و درین باب
از ابی بکر رضی الله عنه نقلی میکند نصیحت دوم و سوم مستحب است
نزدیک کتابت فتیا امام نواوی رحمه الله در روضه آورده
که مفتی را وقت ارادت افتا که استعاذه کند از شیطان

و نام خدای بر زبان راند حق سبحانه را حمد گوید و صلوة فرستد

بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم پس بگوید لا حول و لا قوة الا بالله

رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی

یفقهوا قولی پس فرموده است که اگر مستفتی غافل شده باشد

از دعا و حمد و صلوة و در آخر صورة فتوی ننوشته مفتی

بخط خود الحاق کند بدان نصیحت و تحریم وقت افتتاح طعام

در ترجمه عوارف آورده که در مقدمه طعام تقدیم صلوة باید کرد

بر این وجه که اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارزقنا مما نحب

واجعله عونا علی ما تحب و شیخنا الاعظم صدر الحق والدین محمد الروابنی

نور الله تربته از حضرت شیخ بزرگوار قدوة الابرار زین الملة

والحقیقة والتقوی والدین ابی بکر الخوافی روح الله روحه

نقل میفرمودند که در بدایه طعام بدین وجه باید گفت که اللهم

صل علی محمد و علی آل محمد و طیب ارزاقنا و حسن اخلاقنا پس تسمیه باید

فرمود

فرمود و حضرة شیخ فرموده اند که برین منوال از حضرت
شیخ المشایخ قطب الزمان شیخ شهاب الدین سهروردی
قدس سره منقولست و بیعی در وقت انگشت بر نمک زدن
یا سبزی خوردن گویند بسم الله والصلوة علی رسول الله
و در شرعة الاسلام فرموده که سنت در خوردن ترتیب [الست]
که یاد کند حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم در اول آنکه و بدان
بران رانند تا در یافته نشود دراکه آن و در شرعة آورده
که بسیار صلوة باید فرستاد و نیز وقت خوردن برنج که او
مخلوقست از جوهری که نور حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم دران
مودع بوده و بعد از مفارقت آن نور شکافته درین سبزه
بر سبزه شده دانه دانه گشته نفقت [چهار] هنگام احتشام طعام
و اینجا اول حمد باید گفت آنکه درود [باید] فرستاد چنانکه در ترجمه
عوارف آورده که بر نبوده گویند الحمد لله الذی اطعمنا و ارزقنا

من غير حول منا و قوة الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات

و تتنزل البركات اللهم صل على محمد وعلی محمد

فصل پنجم

بعد از عطسه زدن قاضی رحمه الله در مواطن آورده
که جمعی از علما باستحباب صلوة در این موطن قائلند از آنجمله امام
بیهقی و حافظ موسی مدینی رحمهما الله و بیهقی از ابی طاهر
فقیه رحمه الله روایت کرده است باسناد وی از نافع رحمه الله
که شخصی در مجلس ابن عمر رضی الله عنهما عطسه زد و حمد گفت
و صلوة نفرستاد ابن عمر رضی الله عنهما فرمود که بخیلی کردی
که حمد گفتی و صلوة باز گرفتی و جماعتی دیگر در مستدرک همین
آورده گروهی دیگر از علما بر آنند که فرستادن صلوة
مکروه است نزد عطسه زدن و ذبح کردن و هنگام

تسمیه طعام

و این کراهت نزد ایشان بواسطه حدیث سمره

واقع شده

و آن حدیث خود صحیح نیست چنانچه در موطن چهل و دوم گذشت

فصل بیست و ...

بوقت بوی کردن

بوقت بوی کردن گل و تمام ریاحین خوش بوی دران
داخل است در شرعة الاسلام آورده که در خبر آمده است
که هر که گل بوی کند و بر من صلوة نفرستد جفا کرده باشد بر من
و در باب احمر از ریاحین و ازهار در روضهٔ رابعه که خاصه
در اخبار رسانده است آورده از انس رضی الله عنه
که گل سرخ از عرق جبین آنحضرت صلی الله تعالی علیه و سلم در شب
معراج آفریده شده است و این خبر اگرچه شاذ و منکر است اما بمرتبه
شهرت یافته که اهل ذهن و ذکا درین باب معانی انگیخته اند
و نکات لطیفه پرداخته اند از جمله خواجه خسرو دهلوی رحمة الله
فرموده بیت خلق گلابی زگلی ریخته :: نور گلابی گلی انگیخته ::
وهم از آن اوست که از گیسوی او نافه بو یافته :: گل از روی
او آب رو یافته :: پس بدین نسبت در وقت استشمام گل
ادای صلوة بر آنحضرت صلی الله تعالی علیه و سلم مناسب مینماید :

نصیحت و پنجم نزدیک درامدن ببازار در مفتاح حصن حصین آورده

که چون کسی در بازار در آید باید که جای خالی پیدا کند و صلوة دهد

بر آنحضرت رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم و در جلا و مذکور است

که بعد از ان دعا کند بهر چه جوازش مقرر است که بسبب این سودا

در بازار آخرت سودی تمام بدست می آید نصیحت و ششم

بوقت عقد بیع و شرا قاضی خنفری رحمه الله آورده که ندیدم

در کتب هیچ یک از اصحاب ما و غیر ایشان که تصریح کرده باشند

باستحباب صلوة نزدیک عقد بیع مگر آنکه شیخ شرف الدین الغزی

رحمه الله در شرح منهاج آنجا که بیان میکنند اشتراط عدم طول

فصل بین الایجاب والقبول و آنکه سخن اجنبی و اگر چه یک کلمه

باشد در خلال ان واقع نشود بعد از انکه بایع گفت بعتک

هذا بهذا نقل کرده است از کتاب الانوار اردبیلی که اگر

مشتری بگوید بسم الله الحمد لله والصلوة علی رسول الله قبلت البیع

اقلها

شود عقد صحیح باشد زیرا که اخلال میان ایجاب وقبول بکلامی
که واقع میشود که از مصالح عقد ومقتضیات ومستحبات او نباشد
پس از مضمون این سخن مفهوم میشود که تسمیه وحمد وصلوة
از مصالح عقد یا از مقتضیات ومستحبات اوست فصل مهم
نزدیک طنین گوش در موطا وعمل الایام ابن سنی مذکورست
که چون گوش او از گشد پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم یاد باید کرد
و درود باید فرستاد واین نیز باید گفت که ذکر الله
بخیر من ذکرنی واین خزیمه در صحیح خود وطبرانی در معجم وامام
ابو النصر در عدة السالکین برین وجه ایراد کرده اند مقام
نزدیک کند پیر رجل قاضی در موطی بنجاه ویکم آورده که ابن سنی
از طریق هیثم بن ابراهیم رحمه الله نقل کرده که وی فرمود که با نزدیک عبد الله
وعمر رضی الله عنهما بودیم که پای وی خدر رسید یکی گفت با ابن عمر
یاد کن آنکس را که دوست ترین همه مردمانست نزدیک تو وی فرمود

که یا محمد فی الحال پای روان شد گویا بندی از پای وی
بر داشتند و از طریق مجاهد روایت کرده که پای کسی در مجلس
عبد الله عباس رضی الله عنهما خدر رسید ابن عباس فرمود که یاد کن
دوست‌ترین خلق را نزدیک خود آن شخص گفت محمد صلی الله تعالی علیه وسلم
آن خدر او فی الحال زایل شد و چون درین قصه یاد آن حضرة
لازم است و درود بر وی متفرع پس موطنی نیکو باشد
برای صلوة نزدیک دفع هم و کفایت مهم چنانکه در حدیث
ابی بن ابی کعب رضی الله عنه آمده و در فضیلت چهلم از فصل
اول گذشت تمام خواهد آمد انشاء الله تعالی بوقت طلب کفاره گناه
یعنی چون کسی گناه کرده باشد و بر آن نادم شده و خواهد که
از وی عملی صادر شود که کفارت آن گناه تواند بود باید که
درود فرستد ابن ابی عاصم رحمه الله در کتاب الصلوة علی النبی
صلی الله تعالی علیه وسلم روایت کرده است از حدیث انس بن مالک

رضی الله عنه

99

۲۰

رضی الله عنه که حضرة پیغمبر صلوات الله وسلامه علیه فرمود
که صلوة دهید بر من بدرستیکه درود بر من کفارتست
مر شمارا یعنی گناهان شما بسبب آن مکفر میگردد و گفته اند
چون کسی گناهان یاد کند و بران نادم گشته توبه کند
و کلمهٔ شهادت بر زبان راند و هدیهٔ صلوة نثار مرقد سید
کاینات نماید امید تمام هست مر آمرزش را و صدیق
رضی الله عنه فرمود که صلوة محو کننده ترست گناه را از آب
بوقت محو کردن وی سیاهی را از لوح و هم از آن
نقل کرده اند که درود بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم محو سازنده
ترست مر خطیات را از شمشیر که او را محاء الذنوب گفته اند
و فاضلترست از شمشیر زدن در راه خدای با خصم دوم
نزدیک عارض شدن حاجتی چه صلوة را در باب روا شدن
حاجات اثری عظیم ست چنانکه احمد بن موسی الحافظ رحمه الله

روایت کرده است از حدیث جابر رضی الله عنه که حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه و سلم فرمود که هر که بر من صد بار صلوة گوید بعد از آنکه
بعد نماز صبح گذارد و قبل از آنکه سخن گوید حق سبحانه صد حاجت او
روا کند و در روا کردن سی حاجت از آن تعجیل کند یعنی
حاجات دنیوی او بر آورد و هفتاد دیگر تاخیر نماید یعنی ذخیره نهند
برای آخرت او و بعد از نماز شام نیز مثل این باشد و در مواهب
آورده که ابن منده روایت کرده است از حدیث ابن المنکدر از
از جابر رضی الله عنه از پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم که هر که در روزی
صد بار بر من درود گوید خدای تعالی روا کند صد حاجت او را که
هفتاد از آن برای آخرت وی باشد و سی از آن برای دنیای وی
و حافظ ابو موسی گفته که هذا حدیث حسن هفتاد و سوم
نزدیک تعجب از چیزی قاضی رحمه الله در موطن چهل و پنجم آورده
که مستحب است مر کسی را که متعجب شود از چیزی که در حال تعجب صلوة
فرستد

نوشتند و این سخن را شیخ ما ابن العلامه رحمه الله بیان کرده است
و فرموده که این از نص امام شافعی رحمه الله اخذ کرده ام
که فرموده است و احب ان یکثر الصلوة علیه فی کل الحالات
پس حالت تعجب داخل است در عموم حالات بعد از ان
نقل کرده است از امام سحنون رحمه الله که او فرموده
که مکروه است صلوة نزدیک تعجب زیرا که صلوة نمی نویسند
الا بر طریق احتساب با طلب ثواب پس شیخ درین باب
با او منازعت نموده فرموده که ذکر خدای بوقت تعجب
مشروع است چنانچه امام بخاری رحمه الله میفرماید که باب
التکبیر والتسبیح عند التعجب و درین باب احادیث وارد شده
پس لازم باشد مشروعیت صلوة بر سید عالم صلی الله
علیه وسلم در همه حالات خصوصا در انچه ذکر خدا تعالی در ان
مشروع است مثل نزدیک وقوع فقر یا خوف

وقوع آن چه صلوة را در حصول غنا و دفع آن خاصیتی بغایت
ظاهر است و در فایده چهل و ششم از فصل آینده این سخن مشروح
مذکور خواهد شد پنجم بوقت اراده ادای صدقه نزدیک
بعجز از آن یعنی چون کسی از ادای صدقات عاجز باشند و اراده کنند
که ثواب صدقه دهندگان یابند باید که درود فرستند و درین باب
احادیث واقع شده و ذکر آن در فصل لاحق و در خاتمه کتاب
موعود است فصل هشتم هنگام تذکر نسیان یعنی وقتیکه فراموش
کرده باشند و خواهند که باز یاد آید ابوموسی مدنی رحمه الله
از طریق محمد بن عتاب المروزی از انس رضی الله عنه نقل میکند
که حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است که چون فراموش کنید
چیزی را صلوة دهید بر من تا یاد کنید ان شاء الله تعالی یعنی
تا یاد شما آید و حافظ ابوموسی رحمه الله همین حدیث را در
کتاب الحفظ و النسیان آورده و چون فراموشیها به برکت صلوة

دفع میشود

درفع میشود و فراموش شده بآد یادی اید پس بنده مومن را
باید که از صلوة فراموش نکند و این ذکر بزرگوار را فراموش
روز کار خود گردانند بیت ای ذکر تو صیقل زبان همه کس
وی یاد تو مونس روان همه کس ٭ جانم بدر دولتت حرم نه عجب
جان من تنها نه که جان همه کس فصل چون بحکم صلوا علیه وسلموا
سلاما تابع صلوة شده پس در هر موطن که صلوة فرستند سلام
نیز باید فرستاد چه جمع میان صلوة و سلام افضل است
چنانکه در خاتمه مذکور خواهد شد و باز سلام را مواطنی چند خاص است
اول در تشهد خواه در قعدهٔ اولی خواه در قعدهٔ ثانیه
و آن نیز نسبت بحضرة صلی الله علیه وسلم که نبی ما بوده
و امام قدوة المحققین شیخ جزری رحمه الله در رساله کبیر آورده
که یکی از خصایص حضرة رسالت پناه صلی الله علیه وسلم آنست
که مصلی در نماز با وخطاب میکند که السلام علیک ایها النبی

ورحمة الله وبرکاته و ابن خطاب در نماز با هر آدمی دیگر

که باشند غیر آن حضرة سبب بطلان نماز نیست بوقت دویم

دخول در مساجد و بوقت خروج از آن در سنن ابی داود

و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و عمل الایام

ابن السنی رحمهم الله مذکور است که چون کسی بمسجد در آید باید که

سلام گوید بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و در صحیح ترمذی

و قزوینی و مصنف ابن ابی شیبه رحمهم الله هست که چون کسی

بمسجد در آید گوید بسم الله والسلام علی رسول الله و امام

نسائی رحمه الله در صحیح خود آورده که چون کسی از شما

بمسجد در آید باید که بر پیغمبر صلوة الله وسلامه علیه سلام دهد و انگه

گوید اللهم افتح لی ابواب رحمتک و چون بیرون آید هم بر آن

حضرت سلام فرستد پس گوید اللهم اعصمنی من الشیطان

و از امام علقمه رحمة الله نقل کرده اند که چون بمسجد در آیدی

گفت السلام

گفتی السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته صلی الله علیه وسلم
و بالملائکه علی النبی محمد و بوقت بیرون آمدن همین گفتی چهارم
بوقت دخول در منازل خالیه قاضی ابو الفضل رحمه الله در شفا
نقل میکند از عمرو بن دینار رحمه الله که در تفسیر آیت فاذا
دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم فرموده که چون کسی بخانه
در آید که کسی در وی نباشد باید که گوید السلام علی النبی
و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی عباد الله الصالحین
پنجم بوقت دخول در منزل خاصه خود در مفتاح حصن حصین
از ابو موسی مدنی رحمه الله نقل کرده و در مواهب فرموده
که ابو موسی از حدیث ابی مالک روایت میکند بسند سهل بن سعد
رضی الله عنه که مردی بحضرة رسالت پناه آمده از فقر و تنگی
معیشت شکایت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که چون
بمنزل خود در آئی سلام گوئی اگر کسی باشد در وی و اگر نباشد

پس سلام فرست بر وی و یکبار سورهٔ اخلاص بخوان آن مرد آمد
و بتوفیق رفیق شد این ورد بجا آورد و حق سبحانه درهای روزی
بر وی کشاده گردانید و در معاش او وسعتی پدید آمد
بدان مثابه که بهمسایگان و خویشان خود افاضه نمود
ششم روز جمعه از ابن عمر رضی الله عنهما نقل کرده اند که
بسیار سلام گویند روز آدینه بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
که تسلیمات شما را روز جمعه بسوی آنحضرت می آرند هفتم
بوقت دخول در مدینه مبارکه و بوقت خروج از آن امام
مالک رحمه الله کسان خود را بدان فرمودی و بوقت
در آمدن در مدینه طاهره و بیرون آمدن از طیبه بر حضرت
رسالت سلام فرستادی و گفتی از این عمل تغافل نباید ورزید
و درین کار اهمال نباید کرد که تعظیم و اجلال آنحضرت درین
مندرج است بیت در منزلی که جانان روزی رسیده باشد

تا دیرها ز خاکش

تا ذرّه‌های خاکش داریم مرحبای بآنهم و بهشتش قبر آنحضرت
صلوات الله و سلامه علیه یکی از اکابر فرموده که انس
بن مالک را رضی الله عنه دیدم که متوجه تربت مقدسه
حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم بالیستاد و زبانی دست
بر داشت پس سلام گفت و بازگشت و امام حجة الاسلام
رحمه الله در کیمیای سعادت آورده که زایر آنحضرة صلی الله
تعالی علیه و سلم باید که روی بدیوار مشهد مقدس کند و پشت
بقبله و دور بایستد که بحرمت نزدیک تربت آنکه سلام
گوید بر متوجه السلام علیک یا رسول الله السلام علیک
یا نبی الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک
یا صفوة الله السلام علیک یا اکرم ولد آدم السلام علیک
یا سید المرسلین و یا خاتم النبین و رسول رب العالمین
السلام علیک و علی آلک و علی اصحابک الطاهرین و

ازواجک الطاهرات امهات المومنین جزاک الله عنا
افضل ما جزی نبینا عن امته وصلی علیک کلما ذکرک الذاکرون
وغفل عنک الغافلون و گفته اند سلام بر آنحضرت برین
نوع بمحل قبول وصول می یابد شعر سلام علی مرقد حل فیه
امام امین نبی نبیه : سلامی چو باد صبا مشکبوی : سلامی
چو عهد صبا تازه روی : بر آن بارگاه معلی جناب : که نعم المآب
و خیر المآب دیگر میان روضه و منبر آنحضرت از شیخ المشایخ زین الدین
علی کلا قدس سره منقول است که میان قبر و منبر جائیست که اقطاب
و افراد بر آنحضرت سلام میگویند و جواب میشنوند و
در کتاب تشویق الحرمین از سلیمان بن سحیم مرویست که حضرت را
صلی الله تعالی علیه وسلم در واقعه دیدم گفتم یا رسول الله جماعتی
که بزیارت شما می آیند و سلام میگویند سلام ایشان میشنوید
و گفته ایشان ترا در می یابید فرمود که آری می شنوم و جواب

ایشان

ایشان نیز میگویم بیت اگر جواب سلامی بمن رسد ز جناب
مولانا عبد الرحمن جامی
هزار جان گرامی فدای جواب وحضرت حقایق پناهی
قدس سره در استدعای جواب مستطاب بوقت سلام آنحضرت
در سلسلة الذهب
مناجات فرموده بی بودی لیکن بیشتر و قبر ز ذره صد چاک
جیب جبه اجر دمیدم در ند حبیب سفته دره عجز و شکسته گفته
یا نبی الله السلام علیک انما الفوز والفلاح لدیک گر نمی
بر دل جرایم تو بس بود جاه واحترام مرا یک جواب علیک تو
صد سلام مرا وهم حضرة ایشان در کتاب نفحات الانس
من حضرات القدس که مشتمل است بر ذکر اوصاف اولیا وشرح
احوال اصفیا در صفت ابو الخیر حبشی روح الله روحه که تشرف
مجاورة حرمین شریفین کرده بودند فرموده که هر گاه بروضه
مقدسه نبویه علی ساکنها تحف الصلوة والتسلیمات در آمدی
وگفتی السلام علیک یا رسول الثقلین جواب آمدی که وعلیک السلام

سلام ابدم جوابم ده

با طاوس الحرمین و در مثنوی مذکور است که عمر بن عبد العزیز
رحمه الله بریدی از شام بمدینه فرستادی و گفتی از من سلام
گوی بر روضه مقدسه حضرة رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم و چه
سعادة ازین زیارت که کسی توفیق یابند صبح و شام هدیه
سلام بمشهد اقدس سلطان انام فرستند شاید که
بمعرض قبول رسیده و در ذیل با عقبی بجواب یابید ارتی
و به تشریف جواب سرفرازی یابد بیت صد سلام مشک نسیم هر دم
ای فخر کرام :. بود که آید یک علیکم در جواب صد سلام فصل
ششم در فضایل فواید صلوة و تسلیمات بر ضمایر صافیه
ارباب دانش لایح و بر خواطر زاکیه اصحاب بینش واضح است
که انواع سعادات و کرامات و اصناف مواهب و عطیات
که بر ادای درود و سلام سید کاینات علیه افضل الصلوة
و اجزل التحیات مترتب و متفرع است در ورود کثرت بمثابه ایست
که حاجت خود

که طایر چیز بلند پرواز در هوای احصای او طیران
نتواند نمود و از روی ظهور و شهرت در مرتبهٔ که
سفر میکرد و در اندیشه بسر حد حصر و حساب آن طواف
نیارد در نمود چه میان شمار نتوان کرد نفس بقوت فهم
که هر چه وهم تصور کنند از آن بیش است فما لا یدرک
کله لا یترک کله آنچه درین باب از این اخبار و روایات
و آثار حکایات بنظر فقیر حقیر علی بن حسین الواعظ الکاشفی
صفی اعانه الله بالطف الخفی رسیده یا از بزرگی آراسته
بصفت وثوق و عدالت شنیده بود درین اوراق ثبت
نمود و بالله التوفیق الانس الرحیم الودود اول الفوائد درود
رسالت پناه تخلق است باخلاق الهی یعنی حق سبحانه خبر داده
که چون بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم درود بفرستند چنانکه
از مضمون این صلوة مفهوم است پس فرستادن صلوة

براکه حضرت متخلق باشد بدین خلق و اتصاف بدین وصف
و امتثال فرمان عظیم الشان تخلقوا باخلاق الله موجب
اخلاق حصول فیض ربانی و سبب وصول بدولت جاوید است
قاضی عیاض رحمة الله فرموده که فرستادن درود از بنده
موافقت با حق سبحانه است اگرچه درودها مختلفند زیرا که صلوة
با دعای رسولست صلی الله تعالی علیه و سلم و حق سبحانه بر وی تشریف
و تعظیم و تبجیل و تکریم کرده دوم فرمان برداری حضرت عزت است
چه بندگان را بدرود حبیب خود امر کرده و انقیاد امر الهی
بر هر مسلمانی واجب است پس ادای صلوة امتثال فرمان
خداوند است جل ذکره و نتیجه فرمان برداری فیروزی است
و رستگاری و من یطع الله و رسوله فقد فاز فوزا عظیما شعر
صلوا علی المصطفی ان الصلوة هدی :. وهی الدلیل الی الفوز
العظیم غدا :. صلوات که بحکم ربانیست :. موجب نیضهای روحانیست :.

اهم توان

هم توان بود رستگار از آن ∴ هم توان گشت راست کار گدان

سوم مشرف شدن بصلوة حضرة الهی یعنی بهدایای رحمت
نامتناهی صاحب مشکوة از مسند امام احمد رحمه الله نقل کرده
که عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه گفت که بیرون شد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم یعنی از مدینه و بخرماستانی در آمد
و بسجده در افتاد و آن سجود بغایت دراز درکشید
تا حدی که من بترسیدم که ناگاه آنحضرت متوفی شده باشد
پس بیامدم و در وی نگریستم سر بر داشت و فرمود که چیست
ترا صورة حال باز گفتم گفت بدرستیکه جبرائیل علیه السلام
مرا گفت آیا بشارت ندهم ترا استفهام است بر تقریر سبیل
تحقیق یعنی مژده برسانم بانکه خدای عز و جل ترا میگوید
که هر که بر تو صلوة فرستد بر وی صلوة فرستم هر که بر تو سلام گوید
بر وی سلام گویم چهارم رسیدن باجری زیاده از عمل یعنی

در عوض یک صلوة از حضرت عزّ و جلّ وکزه ده صلوة باید

بازیاده در صحیح امام مسلم رحمه الله مذکور است که حضرت رسالت

صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که بر من یک درود دهد حق سبحانه

بر وی ده درود فرستد و بدان درود ده گناه از وی

بفکنند و بدان درود ده درجه وی را بر دارد و امام ابو عبد الله محمد

بن احمد الاقلیدی الفارسی رحمه الله در کتاب جواهر الاحادیث

در حدیث هفتاد و چهارم باسناد عالی خود روایت کرده است

از عبد الله بن ابی طلحة الانصاری وا و از پدرش رضی الله عنه

که روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم دیدم نشاطی تازه

روی چنانکه نشانه فرح از جبین انور آن پیدا و هویدا بود گفتم

یا رسول الله امروز اثری از بشری در بشره مبارک تو می‌بینم

که هرگز ندیده ام از چه چیز است حضرت خواجه صلوات الله وسلامه علیه

فرمودند که ملکی بیامد نزدیک من و گفت ای محمد پروردگار تو

میگوید

ترا میگوید که یا راضی نیستی که درود دهد بر تو یکی از امت
تو الا که سلام کنم بروی ده بار گفتم بلی یارب خدایا راضی ام
در شرح مشکوة فرموده که در باب آن صلوة که حق سبحانه
بازای صلوة بنده طلب تعظیم و تبجیل حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
پس از خدای تعالی اگر بمعنی غفران باشد از قبیل مشاکله باید گرفت
من حیث اللفظ و اگر بمعنی تعظیم بود از قبیل موافقه باشد
لفظا و معنی و درین صورت اوجه سبب تا غفران منکر نگردد و اعداد
مخصوصه حمل باید کرد بر زیادتی در معنی صلوة مقصود محققان
گفته اند حق سبحانه بیکبار صلوة بنده را جزا ده بار صلوة میدهد
تا مقتضای کریمه من جاء بالحسنة فله عشر امثالها بنده را نوازش
فرموده و لیکن بنده پیغمبر یک مذمت کرد پیغمبر را صلی الله علیه وسلم
بسم مسکوب گردانید حق تعالی او را در قران ده مذمت کرد در آن آیت
که ولا تطع کل حلاف مهین الی آنجا دشمن را بعوض یک مذمت

ده جزا میدهد و اینجا دوست را در برابر یک ستایش

ده بار میستایدع از نویکی خواهد ده میدهد و در اخبار آمده

که حضرة عزة لها شانه در زبور با داود علی نبینا و علیه السلام

خطاب کرد که ای داود هر که مرا یاد کند او را یاد کنم در

یاد کردن زیاده شرط نکرد و در قران نیز فرمود فاذکرونی

اذکرکم در برابر ذکری ذکری و اینجا میگوید در برابر یک صلوة

ده صلوة تا فضیلت صلواة محمدی بر عالمیان ظاهر کرد و چون ثابت شد

که بازای یک صلوة ده صلوة مقرر است تاکید امر احد نشده وارد

که بازای ده صلوة صد صلوة حاصلست و ان حدیث را امام اجل

ابو بکر محمد بن منصور الفقیه رحمة الله در کتاب اسباب المغفرت

که مجموع ان هشتاد و سه بابست در باب بست و نهم که در فضایل صلوة

ایراد نموده باسنا و خود از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده

که حضرة پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده که هر کی او صلوة از امت من

که هر کی ده بار

که بر من ده بار صلوة فرستد حق تعالی بر وی صد بار صلوة فرستد
و هر که حق تعالی صد بار بر وی صلوة دهد آتش دوزخ بوی نرسد
پنجم مستعد گشتن بسعادت قرب ربانی که عبارتست از
وصول بدرجه نیض جاودانی فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر و در
مجمع اللطایف مذکور است که حق تعالی خطاب کرد با موسی علی نبینا و
علیه السلام که ای موسی میخواهی و دوست میداری که ازیرا بتو
نزدیکتر باشم از کلام تو بزبان تو و از دیدن تو بچشم تو
و از شنیدن تو بگوش تو و از روح تو به بدن تو و از اندیشه تو
بدل تو موسی علی نبینا و علیه السلام فرمود آری بار خدایا میخواهم
چنین قرب را و کیست اگر خواهان چنین کرامی نبود مصراع
همه کس دولت قرب تو بجان میطلبند ❊ خطاب رسید که چون جویای این سعادت
و طلبکار این کرامتی بر حبیب من محمد صلی الله علیه وسلم درود گوی
و در ریاض این حدیث آورده و در آخر فرموده که بر حبیب من

صلوة فرست که صلوة بر وی با رحمتست و نور و هدایه و در روضة
العلما همین خبر را از کعب الاحبار نقل کرده و در کتاب شفاء السقام
از ابو الفرح بغدادی رحمه الله روایت کرده که حق سبحانه
وحی فرستاد بموسی علی نبینا وعلیه السلام که ای موسی من بوقت
سخن گفتن با تو ده هزار سمع در اعضا و اجزای تو بدید
آوردم تا کلام من توانستی شنید و ده هزار زبان ارزانی
داشتم تا جواب توانستی داد و با این هم وقتی بمن دوست تر باشی
و نزدیکتر شوی که صلوة فرستی بر حبیب من محمد صلی الله علیه وسلم

شعر صلوا علی خیر البریه و ابتغوا :: بالصلوة قربا الی الرحمن ::
بهتر وسیله زبرای مقام قرب :: روز جزا همین صلوة محمدست ::

ششم حصول رضای ربانی چه مدح و ثنا گفتن کسی را بزرگی
و شرف یاد کردن موجب خشنودی دوست اوست پس حبیب حق را
بصلوة که نشانه تعظیم و تبجیل ست ذکر کردن سبب خشنودی حق سبحانه

خواهد بود

١٠٩
١٢٥

خواهد بود و رضوان الهی اعز مطالب و اجل مآرب است مصرع
مراد ما همین خشنودی است ⁂ اثبات محبت بنده با حضرت عزت
عظم سلطانه و اختصاص بنده بشرف محبت الهی با وی چه بسمت
تحقیق پیوسته که علامت دوستی دوست اوست و چون حضرت
رسالت پناه باتفاق ائمه دین حبیب رب العالمین است پس دوستی وی
نشانه دوستی حق باشد و دوستی حبیب بمنزلت ذکر او ثابت
میشود چنانچه از مودای من احب شیئا اکثر ذکره مفهوم گشته
و بهمین وتیره حق تعالی دوست حبیب خود را دوست خواهد داشت
پس بواسطه صلوه محمدی صلی الله علیه و سلم هم دوستی بنده با حق
ثابت است و هم دوستی حق بنده را حاصل در روح الارواح آورده
که بر حبیب من درود فرستد که حق بگوید این است تا من بر تو
درود دهم که شرط تحیت چنین است ششم اظهار آثار محبت با حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و سلم و خاطر گشتن بمحبت حضرت رسالت

صلی الله تعالی علیه وسلم با وی شیخ جزری قدس سره در مفتاح آورده
که چنانکه صلوة نشانه اثبات محبت مصلی است با مصلی علیه سبب محبت
مصلی علیه نیز می باشد با مصلی بنهم استغفاد و تقرب حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم امام ترمذی رحمه الله بروایه ابن
مسعود رضی الله عنه آورده که پیغمبر صلوات الله وسلامه علیه
فرموده که نزدیک ترین مردمان بمن روز قیامت بسیار ترین
ایشان باشند بصلوة برمن یعنی هر که امروز درود بر من
بیشتر فرستد فردا بمن نزدیکتر باشد امام زاهد بخاری
رحمه الله در فصول ستین آورده که حضرة پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
فرمود که روز قیامت نخستین کسی را که حله بهشت پوشانند
پدرم ابراهیم علیه السلام باشد و کرسی بر راست عرش
نهند و وی برا ایجا نشانند دیگر مرا حله پوشانند و کرسی بر
جنب عرش نهاده مرا برآن نشانند و ابوبکر راست من بایستد

دیگر را که این

وعمر بر یسار من قرار گیرد و عثمان وعلی در عقب پیش روی من
باشند و همه امت من در عقب من باشند بتفاوت درجات
ایشان و هر مومنی که عادت داشته باشد که پس از هر نماز
فریضه بر من و آل من ده بار صلوة فرستند انکس با عثمان و علی
در پیش من باشد او مرا ببیند و من او را ببینم و روی او
چون ماه شب چهارده تابان باشد شعر صلوا علی شرف الانام
واله ۞ ان الصلوة وسیلة بوصاله ۞ هست بی شک درود مصطفوی
موجب قرب حضرت نبوی ۞ هر کرا این هدیه بیشتر است ۞۞
در مقامات قرب بیشتر است دهم محظوظ شدن از دولت رضای
محمدی صلی الله علیه وسلم امام رضی الدین بخاری رحمه الله نقل
میکنند در رساله نور الابرار از سفیان الثوری رحمه الله که
درود گوینده بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم که ان سبب خشنودی اوست
وخشنودی او موجب رضای خدای تعالی و مولف شفاء السقام

رحمه الله از حافظ رشید الدین مقدسی قدس سره روایة کرده

که در مصر صاحب ولی بود گوشه نشین وی را شیخ ابوسعید خیاط

گفتندی با کسی اختلاط نمیکرد و بمجالس و محافل حاضر نمیشد

بیت رخ کرده نهان به پرده دلق :: یکرنگیه از کشاکش خلق ::

در گوشه خلوتی نشسته :: در بر رخ خاص و عام بسته :: این درویش

خلوتها بعد از مدتها که انزوا در زیده بود و از گوشه زاویه خود

قدم بیرون نهاده بملازمت مجلس ابن الرشیق رحمه الله

که واعظی مشهور و مذکر بود اختیار فرمود مردم مصر

از آن حال متعجب شده پرسیدند که موجب ترک عزلت و مداومت

برین صحبت چیست فرمود حضرت پیغمبر را صلی الله تعالی علیه وسلم

در واقعه دیدم و مرا امر فرمود که بمجلس وعظ ابن الرشیق

می رو که او برمن بسیار صلوة میفرستد و من از آن خشنودم

در امالی خبری آورده که ابوعبید الله محمد بن سعید مروزی را رحمه الله

مرا اعتقاد نبود

مرا حکایت کرد که من در فرستادن صلوة بر حضرت سید کاینات

صلی الله تعالی علیه وسلم تکاسلی ~~که من در فرستادن~~ می ورزیدم

و دران باب اهتمام نمی‌نمودم تغافل میکردم شبی آنحضرت را صلوة الله

وسلامه علیه در خواب دیدم و بمن هیچ التفات ننمودند بلکه از

هر جانب که بر آنحضرت اقبال میکردم ایشان اعراض میفرمودند

چنانکه کسی مثلا از کسی ناخشنود باشد گفتم یا رسول الله چرا نظر

التفات بر من نمیکنند و روی مبارک از من میگردانید بیت

نظر زحال من ناتوان دریغ مدار * نظاره رخت از عاشقان دریغ مدار از

الحضرة فرمودند که من ترا نمی‌شناسم متوجه التفات کنم گفتم یا سید

الثقلین یکی از امت شمایم و از علما شنوده ام که شما بامت خود

شناساترید از والد بولد الحضرة فرمود که معرفت من بامت

بقدر صلوة ایشانست بر من وچون تو مرا بالصلوة یاد نمیکنی من ترا

چگونه شناسم و بچه وجه از تو خشنود باشم من از خواب درآمده

بر خود واجب کردم که هر روز صد بار بر آنحضرت درود فرستم
و حق سبحانه توفیق ادای آن ارزانی فرمود و بعد از مدتی باز آنحضرت
را در واقعه دیدم و بمن التفات بسیار کرده فرمودند که اکنون
ترا میشناسم و از تو بغایت خشنودم و روز قیامت
شفیع تو خواهم بود در کتاب شفاء السقام از محمد بن سعید
المشهور بابن مطرف رحمه الله که از جمله اخیار امت بوده
نقل میکند که او فرمود که من بر خود لازم کرده بودم
که هر شب بعدد معلوم صلوة فرستم آنگه بخواب روم شبی
بر غرفه بودم با بعضی از اهالی خود و بعد از اتمام صلوة بدان
عدد معین خواب بر من غلبه کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
دیدم که بدان غرفه در آمد و از لمعه جمالش در و دیوار آن
منزل روشن شد بیت آمدی ای شمع و مجلس را چو گلشن ساختی
پای بر چشمم نهادی خانه روشن ساختی پس بجانب من متوجه شده

فرمود

فرمود که کجا است آن دهن که برمن صلوة فرستاده تا تقبیل کنم
من شرم داشتم که دهن پیش برم طرف رخساره خود را :
پیش آوردم آنحضرة بوسه بر رخساره من زد و من
از غایت فرح از خواب در آمدم و هر که با من در آن غرفه
بودند دیدار شد غرفه از رایحه بروح پرور حضرة صلی الله
علیه وسلم بمثابه معطر شده بود که گویا از مشک اذفر مملوست
مصراع ز در در آ و شبستان ما معطر کن :: و تا هشت روز
آن رایحه از رخسار می آید چنانکه همه کس می شمیدند شعر صلوا علی
طیبه الارواح من عطرت :: بطیبه روضة البطحی ردا الحرم حاجی
بود ز نفحه نفحش دماغ عقل معطر :: شنو ز عطر در و دوش
مشام روح معطر :: زفیض فطرت او عرصه وجود مزین :: ::
ز نور دیده شهود و شنو ریاض فهم و تبه آنحضرة در منام و مشاهد
جمال با کمالش علیه الصلوة والسلام در خاتمه باب دوم از

کتاب روضة الاحباب فی سیر النبی والآل والاصحاب خلدت

انوار جمال مؤلفه وابدت آثار عطاء مصنفه الی یوم الحساب

که مشتملست بر بعضی صلوة و ترغیب بدان و کیفیت آن مذکورست

که از جمله فواید صلوة یکی آن تواند بود که مصلی را این دولت

میسر شود که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم را در واقعه ببیند

و هر کس که آنحضرت را در خواب دید چنانست که در بیداری

دیده چه بصحت رسیده که آن سرور فرموده اند که هر که

مرا در خواب ببیند مرا دیده باشد زیرا که شیطان بصورة من

متمثل نتواند شد و هر که آنحضرة را دیده امید آنست

که آتش دوزخ بوی نرسد بدلیل حدیث جابر انصاری رضی الله عنه

که گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود لا تمس النار مسلما رانی

او رای من رانی خوشوقت آنکسی که تو شبی ببیند بخواب

کانید رخ الدجیة والشمس فی الضحی ∴ در آرزوی تو شاها بسوختم

اخر النسخه حال [illegible]

اخر شنبی جمال مبارک بانما دوازدهم بهره یافتن از شفاعت
آنحضرة صلی الله تعالی علیه وسلم تاج الاسلام النسفی رحمه الله
در کتاب زهرة الریاض از ابوبکر صدیق رضی الله عنه نقل میکند
که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع فرمود که ای
امت من حق سبحانه گناهان شمارا ببرکت استغفار می بخشد
پس هر که بنیت صادق از حضرة عزت جل ذکره امرزش
طلبد حق تعالی ویرا بیامرزد و هر که از شما گوید لا اله الا الله
کفه حسنات ویرا گران گردانند و هر که برمن صلوة فرستد
شفیع وی باشم روز قیامت و ابن شاهین باسناد
خود از صدیق رضی الله عنه روایت کرده که شنودم از رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم که میفرمودند که هر که برمن درود فرستد شفاعت
من اورا دریابد و امام فقیه ابو اللیث نصر بن ابراهیم السمرقندی
رحمه الله در باب پنجاه وچهارم از کتاب تنبیه الغافلین در فضیلت صلوة

آورده که فرضا اگر صلوة رسول را صلی الله علیه وسلم هیچ ثواب
نبودی جز آنکه بدان امید شفاعت میتوان داشت کفایت
بودی فکیف که با وجود شفاعت چندین کرامت دیگر بروی
متفرع است شعر صلوا علی صدر الوری فهو الشفیع لمن عصا
ان الشفاعة ترتجی لمصلیه یوم الجزا غم مخور دهر که شفیعت توی
پایه ده قدر رفیعش توی سیزدهم مخصوص گشتن از آنحضرت
به تحفه خاص در تاج المذکرین نقل میکنند که فاروق اعظم رضی الله عنه
گفت یا رسول الله درود امت تحفه ایست که بحضرة تو میفرستند
تا در برابر این تحفه از حضرة تو چه هدیه بدیشان خواهد رسید
آنسرور صلی الله علیه وسلم فرمود که امروز درود امت تحفه منست
از ایشان و فردا تحفه من مر ایشانرا در بهشت خواهد بود
و آنکه سید عالم صلوات الله وسلامه علیه آن تحفه را تصریح نکرد
که جهت در حجاب ابهام بگذاشت دلالت بر آن میکند که بحد گفتن

راه بدان

راه بدان نمی توان برد و از طریق تعریف کنه آن نمیتوان شناخت
مگر آنکه مشاهده نماید معلوم گردد که چه تحفه مرغوب و چه هدیه
مقبولست در ریاض الانس فرموده که حق سبحانه میگوید و اذا
حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها یعنی هرگاه که بر شما تحیتی گویند یا هدیه
ارند جواب دهید تحیه را یا مکافات کنید آن هدیه را به نیکوتر
از آن این امریست از حضرت حق و سزاوار ترین مردمان
بامتثال این فرمان حضرت پیغمبر آخر الزمان صلی الله تعالی علیه و سلم
و چون امته هدیه تحیه ثنا را بحضرت میکنند هر آینه آنحضرت
بخوبیتر از آن تحفه مرغوبتر از آن هدیه ایشانرا نوازش
خواهد نمود چه عطای هر بخشنده فراخور همت اوست و انعام
هر منعمی لایق کرم و رحمت او پس شاهان که عطای خود بقدر وسع دهند باعث
نه در خور او که در خور خویش دهند و اینها که در آئین مروت
حقوق
فردند ثم کستانند و در عوض بیش دهند چهاردهم بعضی از اداء

انحضرتست چه سید عالم را بواسطه دعوت امت بطریق

ایمان واخلاص وادن نفوس ایشان از ظلمات کفر وطغیان حقوق

بسیار در ذمم ایشان ثابت شده وشکر منعم شرعاً وعقلاً

واجب ولازمست پس اداء صلوة نشانه گذاری وعلامت

سپاس داریست بعضی از ان نعمتها را در مفتاح اورده

که نعم انحضرة را نیست بامت غایتی ونهایتی نه هیچ علم احاطه

انواع ان تواند کرد ونه هیچ قدرة از عهده اداء شکر ان

بعضی تواند نمود رباعی احسان ترا شمار نتوان کردن ٭ حصر شکر

تو هیچ کار نتوان کردن ٭ گر بر تن ما زبان شود هر موی ٭٭

یک شکر تو از هزار نتوان کردن ٭ فاما کریم از وفور رافت

ورحمت خود راضی میشود باندکی از شکر در مقابله بسیاری از

نعمت وشیخ رکن الدین علاء الدوله قدس سره در مدارج ومعارج

فرموده که صلوة اداء حق نبی منعم ست واز انعامات انحضرت بنسبت

امتها

امت یکی ابلاغ رسالت خدا است بر ایشان و دیگری
ایصال ایشان بحضرت قرب پس چندانکه صلوة بیشتر فرستند
مراسم شکر بیشتر ادا کرده باشند و شکر موجب مزید نعمت
لئن شکرتم لازیدنکم بیت شکر کن تا نعمت افزون شود ::
قطرهٔ آب تو گوهر مکنون شود پانزدهم از فواید صلوة معروض
شدن است بر سید کاینات چه مصلی بدان سبب مذکور
میشود در مجلس آنحضرت و منظور نظر عنایت وی میگردد
امام نواوی نور الدین عبد الوهاب رحمه الله که صاحب
تفسیر استغنائیست در کتاب وصول آورده که حضرت رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که هیچ کس بر من صلوة نفرستد
مگر آنکه عرض کرده شود بر من صلوة او چون فارغ گردد
از ان و در سنن امام ابو داود رحمه الله باسناد
صحیح مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بر من

صلوة فرستید که صلوة شما بمن میرسد هر کجا که شما باشید

و امام بیهقی در شعب الایمان آورده و قاضی رحمه الله در شفا

نقل کرده از ابو هریره رضی الله عنه که پیغمبر صلوات الله وسلامه

علیه فرموده که هر که درود دهد برمن نزدیک قبر من بشنوم

و اگر از دور باشد بمن میرسانند و بامید این حدیث

نیازمندانی که از آن مشهد مقدس دورند و از طواف آن

مرقد اقدس محروم مهجور بوی آنکه بدان حضرت خواهد رسید

تحفه درود و سلام بدست نسیم صبا که پیک مشتاقان است

بر روضه منوره میفرستد و رجا وانقست که بسمع قبول آنحضرت برسد

شعر نسیم الصبا ان زرت ارض مدینة ۞ فبلغ تحیاتی الی الروض والمسجد

بادی صبا ای رسول شرف بطحا ۞ جز قدم زن بکنیت جوی محمد ۞

بر زخم از خون دل درود روان بین ۞ تحفه رسان این درود سوی محمد ۞

شاه خواهم و الشیخ الحضرة مصلی را انام وی و نام بردی

در مقام

در مفتاح آورده که بنده را همین سعادت بس که نام او
نزدیک پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت صحیح ببرند گاه گاه یاد کرده شود
بخیر در کشف الاسرار فرموده که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
گفت که زندگانی من شما را نیکوست که با شما سخن میگویم
وسخن مرا میشنوید و وفات من نیز شما را نیکست که عملهای
شما بر من عرض میکنند اگر حسنه است خدا را بر آن شکر میگویم
واگر سیئه است شما را آمرزش میخواهم پس چون بر من صلوة
فرستید نیکو سازید صلوة خود را یعنی باخلاص وصدق نیت
بیارایید که آنرا بر من عرض میکنند بنامهای شما و پدران شما
وعشایر شما و در شفا از ابن عباس رضی الله عنه نقل میکنند
که هیچکس نیست از امت محمد صلی الله تعالی علیه وسلم که بر آنحضرت
سلام گوید یا درود دهد الا که لوی رسانند واضح الفت
که نام مصلی عرض میکنند چنانکه در حدیث ابن شهاب رحمه الله

مذکور است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که هیچ مسلمانی نباشد
که بر من صلوة دهد الا آنکه فرشته آنرا بر داشته نزدیک من آرد
و گوید که فلان چنین و چنین درود داد و یا سلام فرستاد و
و طبرانی در معجم کبیر از عمار بن یاسر رضی الله عنه نقل میکند که حضرة
پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که ای عمار بدرستی که مر خدای را
فرشته ایست که همه اسماء خلایق بوی عطا کرده است و او بر قبر من
قایم باشد چون بمیرم تا روز قیامت پس هیچکس از امت من
نباشد که بر من درودی فرستد مگر آن فرشته نام او و نام
پدر او برد و مرا گوید ای محمد درود فرستاد بر تو فلان کس
چنین و چنین پس درود دهد بر آنکس بهر یک درودی ده
درود هفته هم مقرر گشتن بصلوة پیغمبر صلی الله علیه وسلم در
روضة العلماء از امام حسن بصری رحمة الله نقل میفرماید که گفت
از ابو هریره رضی الله عنه شنودم که گفت هیچ احدی نباشد

البته

117
۱۳۳

برسید ابرار یکبار صلوة فرستد الا که حق سبحانه برانگیزد فرشته را
که روز دیگر طرفة العین آن درود را بر روضه سید عالم صلی الله علیه وسلم
رساننده در پیش روضه بایستد گوید یا رسول الله که فلان
ابن فلان یا فلانه بنت فلان این درود بر تو فرستاده است
آن سرور را از غایت فرح و بهجت فرماید که ده درود بر فرستم من
بوی رسان و بگو که اگر بجای این ده یکی بودی ترا به بهشت
برسانید و بایستی بودی مثل سبابه و وسطی و شفاعت
من ترا لازم شد اکنون که دهست اندیشه کن که کرامت
تو در چه مرتبه باشد نوشته شدن صلوة در صحایف
نورانیه امام نور الدین عبد الوهاب رحمه الله در فصول آورده
که در آثار دیده ام که حق تعالی ملائکه آفریده و در هوا ایستاده
و قلمها و صحفها از نور بدست ایشان است و بدان قلمها بر آن صحفها
صحیفها می نویسند الا درودی که فرستاده شود بر پیغمبر و بر اهل

بیت او نوزدهم از خاصیت صلوة جهت نگاه مصلی در روایة
امام حسن بصری رحمه الله از ابو هریره رضی الله عنه مذکور است
که چون بنده صلوة بفرستد فی الحال انرا بر روضه پیغمبر صلی الله
علیه وسلم برده بعرض رسانند و پیغمبر صلی الله علیه وسلم ده درود
عوض ان بر مصلی فرستد چنانکه عنقریب سمت تحریر پذیرفت
پس همان فرشته بر مدارج سماوات عروج نموده نزدیک
عرش متوقف گردد و گوید خدایا فلان یا فلانه بر حبیب تو
یکبار درود فرستاد حضرت عزه فرماید که ده درود از من
بوی ببر و بگو اگر این ده یکی بودی بر آتش دوزخ
حرام شودی حال آنکه ده است بنگر که کرامت تو چگونه بود
پس حق سبحانه گوید ذخیره نهید این صلوة را در علیین برای
بنده من و در فصول آورده که ان ملک که صلوة میرساند
بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم میرساند او را جبار یا ملک است

سیاه رنگ

یکی بمشرق و یکی بمغرب و یکی تحت العرش و یکی زیر روضهٔ مطهره
انکفره هرگاه که آن ملک صلوة بنده بعرض رساند خواجه عالم
صلی الله علیه وسلم فرماید که امانت نزدیک من بدان بنده
رسانم امانة اورا روز قیامت و هم در فصول مذکور است
که کاتبان صلوة از ملائکه چون نام بنده بر صحیفه صلوة نویسند
حق سبحانه تعالی آنرا در خزینه غیب بسیار دوقوی الست
که آن صحایف هر ده هنگام بر بالش صلی الله علیه وسلم تا قیامت
و آنحضرت وقتیکه در روز ده بنده در ماند آن صحایف بیرون
آرد و بنده را بسبب آن مطابق هلاک رهانیده بدرجات
رساند چنانکه در روضة العلماء و مجمع اللطایف و بسیاری جا
و بسیاری از کتب معتبره است و بعض از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما
نقل میکنند که در روز قیامت مردیرا ازین امت عملهای خیر
او بسنجد و سبک آید فرمان رسد که اورا بدوزخ برید چون

زبانیه اورا یکباره در دوزخ رسانند گوید یا ملائکة الرحمن

مرا بکلی حکم کرده اند جواب دهند که بر زندان جهنم و سجن سجین گریه

بر آن بنده غلبه کند و گوید مرا بگذارید تا زمانی بر حال خود گریه کنم

مصراع دی گذار که بر حال خویش زار بگریم ∴ ملائکه گویند ای بنده

گریه در سرای دنیا می بایست تا فایده بر آن مترتب بودی

حالا گریه هیچ نتیجه ندارد ح چون وقت گذشت ناله زار چه سود

بنده گوید ای فرشتگان من از اولاد آدمم و مرا تحمل آتش نیست

و هرگز بجزای خود این گمان نبردم که مرا با یهود و نصاری

یکجا جمع کنند زیرا که من از امت محمدم صلی الله علیه و سلم ملائکه

گویند اینکه صلوات الله و سلامه علیه در سایه عرش الهی بر کرسی

کرامت نشسته اند اورا بخوان شاید که بفریاد تو رسد

بنده از بیخودی آواز بر آورد که السلام علیک یا رسول الله

اغثنی بنده ندارم بغیر از تو فریاد رس ∴ من خسته دل را بفریاد رس

اباد و فهم

ز پا درفتادم مرا دست گیر ∴ ز پیش سکسار مرا در پذیر ∴

آنحضرة آوازی شنود که کسی بر وی استغاثه میکند بر عقب

آواز برود تا کرانه دوزخ بیچاره را بیند که چنگ زبانیه

درمانده و طلب دوزخ نزدیک رسیده ملائکه آنحضرة را

تعظیم کنند اما آن بنده وی را نشناسد و گمان برد که فرشته ایست

بدانجای رسیده پس حضرة رسول صلی الله تعالی علیه وسلم زبانیه را

گوید این را ~~این~~ بسپارید تا من از درگاه برم و دیگر

باره بیغر بایم تا عمل وی را وزن کنند ایشان گویند ما بندگان

مأموریم و امر الهی نافذ شده که این کس را بدوزخ بریم تا دیگر باره

فرمان در رسد دست از وی باز نتوانیم داشت آنحضرة صلی الله

علیه وسلم در سجده افتد و گوید الهی زبانیه میان من و یکی از

امت من حایل شده اند و او را نمیگذارند تا برم و

و گرد او را او را نغر بایم تا بسنجند خطاب مستطاب در رسد که بنده را

مرا بحبیب من بسپارید تا دیگر بار عمل او را به پیمایند پس حضرة
ان بیچاره را گرفته بمیزان گاه آورد و بار دیگر که اعمال وی
وزن کنند بله سیات راجح اید حضرت پیغمبر دست مبارک
بجیب در آورده صحیفه بیضا که در وی از نور کتابتی کرده باشند
بیرون آرد و در کفه حسنات نهد فی الحال بر پله دیگر رجحان یابد
و فرمان رسد که بنده مرا به بهشت برید آورده اند که ان
بنده ابر در بهشت با حضرة پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم ملاقات
کرده گوید [illegible] زهی چشم جهان بین روشن از تو ؛ بچشم من جهان
چون گلشن از تو ؛ تو چه کس بودی که مرا بمیزان گاه بردی
وان چه رقعه بود که در پله من از روی چنین مرا نهادی گوید
منم پیغمبر تو محمد که اشفاقانه کردی وان رقعه صحیفه صلواة بود
که در دنیا بر من فرستاده بودی و خطاب با حضرة چه زیبا گفته اند
رباعی نام تو حیات جاودانی منست ؛ سرمایه عیش کامرانی منست ؛

هر نامه که نام تو درج کنند ٭ منشور نجات دو جهانی است ٭
بسنم محتظی شدن از برکت درود ملائکه و استغفار
ایشان قاضی رحمه الله در شفا از عامر بن ربیعه رضی الله عنه
نقل کرده که وی فرمود که از رسول خدا صلی الله تعالی علیه وسلم
شنودم که میگفت که هر که بر من درود فرستد پس خواه
اندک سازد از صلوة من و خواه بسیار کند از آن یعنی
درود ملایکه بر خود اندک میخواهد گو در تقلیل صلوة کوشش
و اگر بسیاری درود ملایکه بر وی مطلوب است گو در تکثیر صلوة
بر من سعی نمایی و در زهرة الریاض مذکور است که حضرت رسالتم
صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود که خدا را فرشته ایست ذو جناحین
یک بال او در مشرق و یکی در مغرب و پای او در زمین هفتم و سر او
در زیر عرش و بعدد همه خلایق از انس و جن و حیوانات بری
و بحری و بعدد انفاس همه ایشان و بشمار قطرات

باران و برگ درختان و ستارهای آسمان و ریگهای
بیابان فراوان را برهاست چون یکی از امت من بر من صلوة
فرستد حق سبحانه مر این فرشته را امر کند که با تمام خود در بحر النور
که دریای است در زیر عرش عظیم در آید و غوطه خورده
بیرون آید و خود را بیفشاند از هر پری قطره بچکد
و حق سبحانه تعالی از هر قطره ملکی بیافریند و مجموع این ملایکه را
امر شود تا برای آن بنده آمرزش میخواهند تا قیامت
و آمرزش ایشان در دست بر دی و در روایت
فصول جبال است که این فرشته دو ایجا چنین که ذکر او گذشت
از گفتار صلوه بنده مخلوق میشود و میگوید خدایا درود
گوئی بر این بنده ما دام که درود میدهد بر حبیب تو و در کتاب
عیون المجالس آورده که چون یکی از بندگان خدا بر حضرت
رسول صلی الله علیه و سلم صلوة دهد منادی از عالم غیب ندا کند

که ای

که حق سبحانه ده بار بر این بنده صلوة فرستاد و این ندا با اهل آسمان
اول رسیده صد بار بر ان مصلی صلوة گویند ساکنان آسمان
دوم بر ان حال مطلع شده هزار بار بر وی درود دهند
انچنین تا نزدیک سدره بهفت هزار رسد حق سبحانه تعالی
فرماید که ای مقربان صوامع قدس و مقدسان مجامع انس
شما از عهده صلوة بنده من که بطلب نفس خود جهت تعظیم
حبیب من فرستاده بیرون نتوانید آمد او را بامن گذارید
تامن وی را جزا دهم و جزای وی آنست که گناهان وی
بیامرزم شعر صلوا علی المصطفی فاید یعطیکم :: من فیض الطاف
فضلا و غفرانا :: گر بایدت وسیله آمرزش ایزدی :: ::
پهلو تهی مکن ز درود محمدی :: کز یمن آن به بنده در رمانده سر
روز جزا مواهب انعام سرمدی بیست و یکم اعزاز ثواب
دگران چه صلوة کلامیست متضمن ذکر حضرت عزة و اهل

ذکر را ثواب بی غایت و کرامت بی نهایت موعود است
اگر همه وعده اذکرونی اذکرکم باشد کافیست در تفسیر
کشف البیان که با امام ثعلبی رحمه الله منسوبست از سفین
بن عیینه رحمة الله نقل کرده که وی فرموده که در اخبار
دیده ام که حق سبحانه فرمود که بندگان ذاکر را هدیه داده ام
که اگر جبرائیل و میکائیل را دادمی هر آینه نعمت بزرگ
بر ایشان تمام کردمی و آن اینست فاذکرونی اذکرکم
شما یاد کنید مرا من یاد کنم و ذکر من بزرگتر و ذکر الله اکبر
رباعی ای ذکر تو زیور زبان همه کس ❊ وشکر تو شکر دهان همه کس
هر قصه ز تو جهان و جان همه کس ❊ القصه توئی جهان و جان همه کس
پس گوینده صلوة بواسطه ذکر مبدع کاینات بچندین اشارت
ملحوظ و از چندین بشارت محظوظ است و ثواب نقد این بس
که توفیق ذکر الهی یافته دل را بدان مصفا و زبان را از آن

آراسته

از آراسته و محلی دارد بست دوم اتمام کلام مبتدا بالحمد
یعنی هر کلام که در روا بند الحمد الهی کنند باید که ارداف آن
بصلوة حضرت رسالة پناهی نمایند تا آن کلام خجسته فرجام
تمام باشد در مفتاح آورده که صلوة بر محمد را همچو جزء اخیر است
از علت یعنی اتمام آن بدین است و در مطول نیز و سیم
از فصل نهم شمه از آنچه مذکور شد بسته و سیم
رسیدن به ثواب اهل دعا چه صلوة دعائیست از بنده جهت طلب
تعظیم حضرت نبی صلی الله علیه وسلم از حق سبحانه و دعا دیا انکه
بحکم ادعونی امتثال فرمان است عبادتیست مثاب بران
و در حدیث آمده که الدعا مخ العبادة بستم چهارم
یافتن ثواب سایلان چه درود سوالست واز در خواستن
رفعت قدر پیغمبر باشد از ملک اکبر و حق سبحانه در خواست بنده را
دوست میدارد چنانکه در حدیث آمده که سوال کنید و در خواهید

مرجو فضل او را که او دوست میدارد که از وی درخواهد و در
خبر وارد است که هر که از خدای تعالی نخواهد خدای تعالی بر وی خشم گیرد
پس مقرر است که از سایلان خشنود خواهد شد و ایشان را
ثواب خشنودی خدای تعالی پس بیست و پنجم اتصاف بصفت
ایثار که قسمی است از اقسام جود و آن بذل محتاج الیه است
باهل استحقاق یعنی کسی با وجود احتیاج بچیزی از سر آن
برخیزد و بر دیگری بذل کند و اثبات ایثار در صلوة بر آن
وجه میتواند بود که سوال بنده از ملک متعال دو نوع است
یکی سوال حوایج و مهمات خود و طلب آنچه مطلوب و محبوب اوست
دوم درخواست آنکه بر حبیب خود ثنا گوید و در تشریف و تکریم
وی افزاید و این سوال صلوة است پس بنده محتاج که از سوال
مهام خود گذشته از جهت حبیب او صلی الله تعالی علیه وسلم
صرف کند مقرر است از اهل ایثار خواهد بود و از ارباب ایثار

عمل و

ممدوح حضرة پروردگارند کما قال الله تعالی ویؤثرون علی انفسهم
ولو کان بهم خصاصة و درینجا نکته دیگرهست که بنده مرادی و
محبوبات خود را برطرف نهاده آنچیز را که خدا و رسول را
از غیر آن برگزیده است و چون چنین از جنس عمل میباشد
هر آینه خدا نیز او را از غیر برگزیده و هر که مختار خداوند است
برگزیده رسول او نیز هست و در حصن حصین آورده که اگر صلوة را
از فضایل و فواید همین یکی بودی کفایت می بود [illegible]
موافقت با ملائکه کرام چه حق سبحانه خبر داده که فرشتگان
بر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم درود میفرستند که
یصلون علی النبی و صیغه مضارع دلالت بران میکند که پیوسته
در گفتن صلوة اند پس درود دهنده متشبه باشند بدیشان
و کل من تشبه بقوم فهو منهم از طهارت و طاعت و عصمت
که لوازم ذوات ملائکه است محظی گردد و با عالم روحانیه آشنائی یابد

شعر صلی الاله و من یحف بعرشه ∴ و الصافات علی النبی محمد

درود محمد شکفته گلیست ∴ بر آن جبرئیل امین بلبلیست ∴

زبان ملایک بهر صبح و شام ∴ سراید درود بجان نبی والسلام

باب پنجم مخالفت با منافقان و مخالفان ملت اسلام
که ایشان بر سید انام صلوة الله و سلامه علیه درود نمی فرستند
و خلاف با دشمن کسی دلیل وفاق و اتفاق است با دوستان
و امام ابو عبد الطوسی رحمه الله در کتاب انس المسافرین
آورده که زمره از یهود روزی بحجره پیغمبر صلی الله علیه و سلم
در آمدند و از روی خبث عقیدت که لازم ذوات ناپاک
ایشان بود گفتند السام علیک و سام بلغت ایشان مرگ بود
حضرت فرمودند که و علیکم عایشه رضی الله عنها این کلمه شنید
از ورای حجاب گفت السام و اللعنة علیکم یا اخوان القردة و الخنازیر
حضرت صلی الله تعالی علیه و سلم فرمود که مهلا یا عایشه عایشه گفت
خاموش باش

یا اول الله

١٢٧
١٢٠

یا رسول الله نشنیدی که ایشان چه گفتند جواب داد
که بلی شنیدم ولیکن بر ایشان رد کردم و گفتم وعلیکم
و دعای من در شان ایشان باجابت احق است
از دعای ایشان بر من پس حق سبحانه امر کرد مومنان را
برد و دعای پیغمبر صلی الله علیه و سلم تا مخالفت این یهود
متحقق گردد که می گفتند دشمن دوست محض دوستی و موافقت
باشند با دوست و حق سبحانه دوستان و مطیعان دوست
خود را دوست میدارد که فاتبعونی یحببکم الله بیت
عجب این نیست که محبوب جهانی تو بس :: عجب اینست که محبان تو محبوبانند
پنجم سبب اجابت دعاست چنانکه در موطن یازدهم از فصل
پنجم گذشت ششم واسطه دریافت رحمتست چه رحمت یا معنی
صلوتست همچنانکه طایفه گفته اند یا از لوازم آن و بر هر تقدیر یا
مصلی را از رحمت حق سبحانه نصیبی هست محقق فرمود که ابلیس را

کاری فرمودند که دستی لعنت شد مومن را الصلوة امر کردند

و او امتثال ننماید هرآینه سزاوار رحمت باشد سیم

موجب هدایت دلست بجهة انکه چون مصلی در درود فرستادن

بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عادت کند بشرط توجه تام

بروحانیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم هرآینه اثار محبت

نبوی بر مملکت دل او مستولی شده بطریق نسبت راه

اشنایی بار روحانیه انحضرت گشاده گردد و زوایای

باطن او بنور متابعت روشن شده چراغ دلش از پرتو

شموع معارف و علوم مصطفوی اقتباس انوار هدایت

و افلاح نماید دیگر رابطه حیات قلبست بجهة انکه در وقت

ادای صلوة بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم کمال قدر و علو مرتبه

انحضرت در دل میگذرد و در ذهن نسبت تحقق می پذیرد که بهترین

و فاضلترین همه موجودات انکس بوده اند بود که حق سبحانه بجود

بوجود آورده

بر وورود فرستاده و ملایکه و مومنانرا نیز بدان امر کرده
پس بخاطر خطور مینماید که امتثال فرمان او حکمی لازم و اطاعت
احکام او امری متحتم است و درین محل بصیقل تفکر زنگار
تردد و اشتباه در افعال و اقوال آنحضرت از آینهٔ دل
زدوده شده نقش فرمان برداری در و منتقش گردد
و حیات دل همین است که در طریق ایمان مطیع فرمان باشد
که فاحییناه وجعلنا له نورا است راه روان را ز تو دل زنده گشت
زنده دلانرا ز تو پاینده گشت ؛ چون ز تو فیض ازلی یافت دل
شد بحیات ابدی متصل ؛ پرتو اقبال تو بر کون تافت ؛
از اثرش جان و جهان فیض یافت و دم هم سبب دوام
محبت است با حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم چه محبت هر چند
در ازدیاد دگر محبوب گوشد آثار حسن و شمایل
او در خواطر بیشتر خطور کند و ظهور معانی که جالب محبت و جاذب

سود نیست روی با فروتنی نهد تا بحدی رسد که دوستی او
تمام دل را فرو گیرد و از محبت او محبت دیگر نیز دارد
بیت کس یکدمت درون نا بخاطر سپنجی :. یکنفس از درون
دل خیمه برون نمی زنی :. و هر آینه چنین محبتی دایم و قایم است
و بر دوام محبت آنحضرة نتایج کلی مترتب و متفرع کما لا
یخفی علی الفطن البارع ـ سی و دوم از فضایل و فواید
صلوة آنکه موجب قبول طاعاتست در ریاض المذکرین فرموده
که باخبار صحیحه درست شده است که اگر بنده روز قیامت
بیاید با جمیع حسنات اهل دنیا و با وی صلوة نباشد آنرا
برو رد کنند و ازینجا مفهوم میشود که اگر بنور صلوة آراسته باشد
آنرا رقم قبول کشیده موقع رضا و ارتقا برسانند امام
ابو اللیث رحمه الله در تنبیه الغافلین آورده که صلوة بر
پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم بهترین طاعتی و فاضلترین عبادتست

واگر

واگر خواهی تا وجه افضلیت و دلیل خیریت آنرا بدانی بابت
صلوة در نگر تا دریابی که حق سبحانه در هر عبادتی که بندگانرا
فرموده ذکر خود کرده و چون نوبت بصلوة رسیده ابتدا
بنفس خود نموده باز صلوا علی من خصه رب العلی ::
الصلوة فی مرتبة الاجلال : ان الصلوة علی النبی محمد : من افضل
الاعمال والاقوال :: ز درودت که بهترین کارست ::
دل بوستان شکفته گلزارست :: هرکسی روی طاعتی دارند ::
بهر جنت بضاعتی دارند :: جز صلوة تو کار نیست مرا ::
واندرین اختیار نیست مرا چهارم سبب غفران ذنوبست
امام ابوالحسن المعروف بالاشنحی رحمه الله در اربعین
خود آورده که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم فرمود که هیچکس
از امت من نباشد که مرا یاد کند و پس از آن بر من صلوة فرستد
الا که بیامرزد خدای گناهان ویرا اگرچه باشند رمل عالج باشد

وعالی موضعی الیست دربادیه مشتمل بر ریک بسیار

مراد اینجا کثرة گناهست یعنی هرچند گناه او بسیار بود

ببرکت صلوة آمرزیده گردد و در ریاض الانس آورده

که حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که هرکه یکبار بر من صلوة

فرستد حق تعالی ملکین حافظین او را گوید که سه شبانروز

گناه برین بنده من منویسید و در مفتاح فرموده که ابن ابی

عاصم رحمه الله در کتاب الصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم از

ابی کامل نقل میکند از حضرة رسالة صلوات الله وسلامه علیه

که هرکه صلوة دهد بر من هر روز سه بار و هر شب سه بار

خاص محبتی که او را با من باشد و از روی شوقیکه بمن داشته

باشد سزاوار باشد از خدای که گناهان ویرا بیامرزد

در آن روز و در آن شب و در کتاب لباب الاخبار همین

حدیث آورده و ذکر کرده در روایتی که قاضی خیضری رحمه الله

در مواطن آورده

در مواطن آورده موافق مفتاح است و در تنبیه الغافلین از
ابوهریره رضی الله عنه نقل کرده که سید عالم صلی الله علیه وسلم
فرمود که درود دهید بر من که آن زکوة است مر شما را
یعنی پاکی از لوث گناه بیت مران نامه را از سیاهی جرم
که هست از درود تو بر وی رقم ∴ که فیض درودت
باب عطا باز و محو سازد رقوم خطا سیم سبب اثبات
ده حسنات ست چهارم موجب محو ده سیئات ست پنجم
وسیله رفع ده درجه است در روضة العلما نقل کرده از ابو طلحه
انصاری رضی الله عنه که روزی بجناب رسالت که تاب جلالته
بود در رقم بشره منور حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم تابان و دلائل
سرور و شادمانی و بهجت یافتم گفتم یا رسول الله من هرگز شما را
از امروز خوشحال‌تر و تازه روی‌تر ندیده‌ام مصراع
امروز رخ خوبت سیمای دگر دارد ∴ حضرت رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود چرا چنین نباشم و چه خبر فرا از بهجت و مسرة بار زوارد

و حال آنکه جبرئیل امین علیه السلام حالی از نزدیک من باز گشت

و مرا مژده آورده بود که هرکه از امت من یکبار برمن صلوة

فرستد خدا تعالی ده حسنه برای وی بنویسد و ده سیئه از

دیوان عمل او محو کند و ده درجه وی را در بهشت بردارد

و همان را بدو باز گرداند یعنی بر وی صلوة فرستد و در انوار

دالکار آورده که اگر در باب صلوة همین یک بشارت بودی

و بس بایستی که هیچ خردمند از ندا و من حیث بران تغافل نورزیدی

و حال آنکه فضایل او بسیار است و میامن او بی شمار شعر

صلوا علی خیر الانام محمد ⁂ فهو الدلیل الی السبیل الارشد ⁂

کسی را که دل پاک و جان آگه است ⁂ صفا از درود رسول الله است

به از عقل و روح است [صلی الله علیه] مدار فتوح است صلوا علیه سبب کفایت

مهمات است امام ابو عیسی ترمذی رحمه الله در صحیح خود از ابی بن کعب

انی اکثر

رضی الله عنه نقل میکنند که گفتم یا رسول الله چه مقدار از اوقات
دعای خود برای درود تو مقرر سازم که آنمقدار که خواهی
گفتم ربعی از آن برای درود تو صرف کنم گفت آنچه خواهی و اگر
زیاده کنی ترا بهتر باشد گفتم ثلثی با آن گذارم فرمود که آنچه
خواهی و اگر زیاده باشد ترا نیکوتر گفتم نصفی همان جواب داد
در ثلثان نیز همچنان فرمود گفتم یا رسول الله تمام اوقات
دعوات خود را صرف صلوة تو کنم فرمود اذاً یکفی همک و یغفر
ذنبک آنگاه که چنین کنی کفایت کرده شود هرچه در اندیشه
تست و آمرزیده گردد گناه تو و ازین حدیث دو چیز مفهوم
میشود یکی آنکه امام عفیف الدین رحمه الله در اربعین آورده
که درود فرستادن بر محمد صلی الله علیه وسلم بهترست از هر دعا که
شخصی برای خود کند و در مفاتیح شرح مصابیح فرموده که صلوة
دادن نیکوترست مرد را از دعا کردن برای خود زیرا که

صلوة مشتمل است بر ذکر خدای و تعظیم رسول او و در شرح تنویره بشینی
مذکورست که درود مستلزمست مستلزم ذکر خدای و بزرگ داشت
پیغمبر او و اشتغال باداء حق او و از ادای مقاصد نفس خود
و ایثار کردن حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و سلم در دعا بس
نیکوتر بود آن مر بنده را از دعا بر نفس خود بمفهوم تا به انکه
درصلوة را انجاح مرام و کفایت مهام دخلی تام و تصرف تمام
مالاکلام است و قبیل ازین سمت ذکر یافته که درود فرستادن
در روز ادینه سبب روا شدن حاجات دینی و اخروی است
و از شیخ زین الدین علی کلا قدس سره مرویست که ما تجربه کرده ایم
در هر کاری که توسل بحضرت رسالت صلی الله تعالی علیه و سلم نموده
درود بسیار فرستند بزودی و خوبی ساخته و پرداخته
گردد و در امالی امام ظهیر الدین ولوالجی رحمة الله بدین عبارت
مذکورست که چون آدم صفی را از حضیض زمین باوج خلد برین

السابعون

رسانیدند و اگرچه در ریاض بهشت حوران پاکیزه سرشت
بسیار بودند و همواره در نظر ابوالبشر علی نبینا و علیه السلام
جلوه مینمودند اما آن آرام دل را با ایشان انسی و الفتی نبود چه نسبت
جنسیه در باب ایتلاف و انتظام اصلی تمام دارد (بیت)
ذره کاندر همه ارض و سماست ❊ جنس خود را همچو کاه و کهرباست ❊
القصه حوا را از پهلوی وی بیافریدند یاری خوش سر و پا
دلکش بنده وی چگونه روی روی چو آفتابی ❊ موی چگونه
موی هر حلقه پیچ و تابی ❊ و چون حوا در محبوبی بغایت دلارام
بود دل مبارک آدم با وی آرام گرفت مقتضای طبیعت حلقه
در ملاقات در حرکت آورده پرسید که تو کیستی از حیا بر چهره
حوا ابر برآمده در جواب تأمل نمود ناگاه جبرئیل علیه السلام
در رسید و پیغام رسانید که این حواست و او را برای تو
آفریده اند همواره الیف و محرم و پیوسته حریف و همدم تو خواهد بود

آدم علی نبینا وعلیه السلام چون دانست که آن نعمت خواصه
اوست خواست که دست تصرف بدو دراز کند جبرئیل فرمود
که ای آدم اگر در بند حوای از در بند نکاح در آی تا فرزندان
تو دانند که بی زحمت مهر از خوبان بمهر مهر نتوان رسید
و از وصل نیک زوجان بی کابین گران بر نتوان خورد
آدم فرمود ای برادر تو دانی که من حالا مسافر ولایت
عدم بعرصه وجود رسیده با کیسه تهی و افلاس غالب چه کار
توانم ساخت و نقدی که ندارم چگونه او را در عقد توانم آورد
روح الامین فرموده که سه نوبت بر حبیب خدا که نام مخبر احکام
او بر ساق عرش دیده و اوصاف کمال و کمال اوصافش از
زبان ملایکه شنیده صلوة فرست تا حوا بر تو حلال گردد آنکه
امام ظهیرالدین فرموده که ای فرزند آدم تو نیز بر سنت پدر
در قضای حاجات و کفایت مهمات توسل بر روح سید عالم کن

[illegible]

تا بنظر التفات و اهتمام خواجه انام تمام مهمات تو بکفی و حاجات
تو متحقق گردد بیت ای باجابت شده مسکین نواز: ور کرم خود همه را
کارساز: گر نظر از راه عنایت کنی: جمله مهمات کفایت کنی:
سی و نهم سبب روشنی ظاهر و باطن ست محققان بر آنند که صلوة را
تنویر ظواهر و سرایر تاثیری عظیم ست و بتجربه معلوم کرده اند
در مقامات شیخ کامل شیخ زین الدین کامویه قدس سره مذکور ست
که درود مصطفی صیقل آینه دلهاست هر دل که بزنگار انکار مبتلا شد
از توفیق فرستادن درود و سلام بر حضرت سید انام صلی الله علیه وسلم هر آینه بی
بیبار زیرا که حق سبحانه او را نور خوانده و ذکر او سمت نور علی نور
دارد پس دل تیره را ازان نصیبی نیست زیرا که نور و ظلمت با یکدیگر
جمع نشود در شفا السقام از ابی عبد الله احمد بن عطار رودباری
رحمه الله نقل کرده که وی گفت از ابی القاسم عبد الله بن احمد
مروزی رحمه الله شنودم که میگفت بشیخی من و پدرش کتاب حدیث

مقابله میکردیم و هرجا که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم مذکور میشد
صلوة میفرستادیم جمع کثیر و جمعی غفیر از همسایگان دور و نزدیک
مشاهده کرده بودند که عمودی از نور از موضع مقابله ما بعنان
آسمان پیوسته و اطراف و جوانب محله بدان روشن شده
بیت تو نوری و هر خانه روشن بتو • تو سروی و هر گوشه گلشن بتو
جهانی منور بایمان تست • که نور علی نور در شان تست
در تیساری از کتب معتبره نقل کرده از نوری رحمه الله که گفت
وقتی بحج میرفتم چون بطیبه طیبه رسیدم و بزیارت روضه شریفه منوره علی
ساکنها افضل الصلوة مشرف شدم جوانی دیدم سیمای صلاح
در بشره او لایح و آثار رشد و فلاح از جبهه او هویدا او وداع طواف
روضه مقدسه مینمود و جز صلوة کلامی بر زبان او جاری نمیشد خواستم
که با او محاوره کنم و احوالش استفسار نمایم مردم از ازدحام نموده
میان من و او حایل گشتند و حسرت مکالمه با وی در دل من بماند تا آنکه رسیدیم

او را بمنی

۱۳۰
۱۴۷

بشنیدم سخنی از صلوٰة

روزی در طواف حرم محترم همان جوان را دیدم و از وی خبر
از وی بپرسم متوجه او گشتم و دیگر باره میان من و او حایلی
پدید آمد و آن مطلوب در حجاب توقف و پرده تعویق بماند
تا روز عرفه بعرفات حاضر شدم و هر یک از مردمان بوردی
و ثنائی و ذکری و دعائی مشغول بودند همان جوان بنظر من درآمد
خبر صلوة از وی کلمه ~~از وی~~ مسموع نشد ~~[illegible]~~ تا هر چه خوانده ام
فراموش کرده ایم
~~همه از یاد من برفت~~ الا حدیث دوست که تکرار میکنیم نزد وی شدم
و گفتم حبیبی و سیدی ترا در مدینه بر سر روضه منوره دیدم خبر صلوة
ذکری از تو نشنیدم و در طواف بیت معظم ملاقات کرده و
همچنان ترا بفرستادن درود مشغول یافتم و درین مکان که جای
نیاز و تضرع و درین زمان که وقت استغفار و توبه و تخشع است
هر یک از حاجیان حاجتی میطلبد و هر یک از راجیان از درگاه الوهیت
مرادی میجوید تو دعاها را بر طرف کرده و از عرض حاجات

که او افضل اذکار است
موجب انشراح صدور

دست باز داشته جز همان طریق نمی پوئی و بغیر صلوة کلمه میگوئی

سبب جیست جوان پرسید که ای سایل تو چه کسی گفتم من سفیان ثوری ام

فرمود که واحسد و اگر نه اینست که تو افضل اهل زمان خودی والا

من سر این حدیث با تو نگفتمی و حقیقة حال در حجاب خفا بگذاشتمی

اما با مثل تو کسی کتمان نتوان کرد و من منع المستوجبین فقد ظلم بدانکه

من و پدرم در سال گذشته عزیمت حج کردیم و در اثنای طریق

بفلان مرحله والدمرا مرضی عارض شد و بسبب آن سر باز ماندیم

من در آن مرحله موضعی بکرایه گرفتم و پدر را آنجا برده چراغی روشن

کرده و سرش بر کنار نهاده در روی نگرستیم که ناگاه موکل اجل درآمد

و کاس یاس کل نفس ذائقة الموت بر کف وی نهاد پدرم

در سکرات افتاده دمی بشمرد تا خبر شد دیدم که روی سفید وی

بسیاهی میل کرد و اندک فرصتی را چون قطعا من اللیل مظلما سیاه

و تیره گشت بترسیدم و سر او از کنار بر داشته ببالین او باز نهادم

و گفتم انا دم

و لقد تم انا لله و انا الیه راجعون باید او که مردمان این منزل
بتجهیز وی حاضر آیند و نظر ایشان بر روی وی افتند چه گویند
سعیت این پیر بر چه وجه بوده و چیست علامتی که بحکم یعرف
المجرمون بسیماهم نشانه بیگانگیست این استشعار را از جهت سبب
روی نموده از وقوع این حال بسیاری بگریستم و از آنجا
بر روی وی پوشیده از غایت ملال سر بر زانو نهادم ناگاه
خواب بر من غلبه کرد دیدم که مردی زیبا روی مشکین بوی
بیت رخی چنانکه ز خورشید و ماه نتوان کرد * خطی چنانکه
ز مشک سیاه نتوان کرد * دران منزل درآمد و من هرگز
روی از روی او دلارای تر ندیده بودم و بوی از بوی او
فرح افزای تر نشنیده جامه بپای جنازه او در بر همگی شانه
گزیده دعا نه سفیدی و ازار از روی وی دور کرده دست
مبارک بر بشره اش کشید آثار ربه بقصا پدید آمد تیرگی بروشنی

مبدل شد و چهره که از دل شب تیره‌تر بود از روی صبح روشن
تر گشت من از آن حال متغیر شده با خود گفتم که کیست این مه
که درآمد ز در خلوت ما ∴ که شد از عکس رخش نور به ظلمت ما ∴
آخر جرأت نموده دست در دامنش زده گفتم تو کیستی که
حق سبحانه به برکت تو هموم و غموم من دفع گردانید و پرده ظلمت
از چهره پدرم مرتفع ساخت جواب داد که مرا نمی‌شناسی
من صاحب قرآن ام محمد بن عبد الله ام این پدر تو بر نفس خود
مسرف بود و در ارتکاب گناه از حد اعتدال تجاوز می‌نمود
اما پیوسته بر من درود دادی و هدایای صلوة بر روضه من
فرستادی درین وقت به ظلمت معصیت درمانده از من
استعانت نمود و من فریادرس کسانی را که بر من درود گویند
این بگفت و از نظر من غایب شد من از خواب درآمدم و روی
پدر خود را چون ماه تابان و مهر درخشان دیدم دانستم

که صلوة ر

که صلوة را نتیجهای نیکوست از آن وقت باز تسبیح و دعا را
باز نهاده و عبادتهای دیگر گذاشته ام و لوای درود آنحضرت را
در ساحت اخلاص برافراشته زاهدان تسبیح گویند و خرد نام
دوست دیگر هر کس الحیان باشد که تلقین کرده اند
و مثل این حکایتی در امالی شیخ علاء الدین خوارزمی رحمة الله مذکور است
بدین عبارت که روزی شیخ شبلی قدس سره بر مرکب درد
سوار شده و سلاح وجد پوشیده و زاد اسرار معاد مهیا
ساخته از غیغه نفس اماره بتعویقی گذشته بروشنی نور عشق
و همراهی رفیق صدق روی در بادیه نهاده متوجه حرم محترم گشت
یکی از مریدان ملازم شیخ بود و میخواست که آن سفر را در
مرافقت و موافقت وی بسر برد همین که میان بادیه در آمد
حکم قضا نافذ گشته دست قدرت تعالی در ترافق پیر و مرید را
به تیغ تفرق ببرید مرغ جان مرید قصد طیران کرده روزی

با نشانه اصلی نهاده و قفص کالبدش خالی مانده بر زمین افتاد
شبلی متحیر در آن قالب بیجان می‌نگریست و با خود اندیشه
تجهیز و دفن او میکرد ناگاه دید که سفرقان کارخانه کن فیکون
خاک فرو تا زیر بال بکشت و ابا ز برش مرید بکشید و تمام
جسمش بیک چشم زدن سیاه شد و هنوز یک ساعت نگذشته
که سقایان کرم آب رحمت بر نعش او ریختند و فراشان
لطف کافور نور بر بدنش نثار کردند سیاهی خذلان
بسفیدی غفران مبدل شد و تن سیاه بنظر لطف ایزد
رخشنده‌تر از زهره و ماه گشت شبلی از آن حال متعجب مانده
بخواب فرو رفت مرید را حله از حلل بهشت پوشیده
دید و تاجی مکلل بجواهر فردوس بر سر نهاده و خاتم نور را نشه
در انگشت او دید رخشنده بگفتش از نیل فضل الهی ذلقان
نقص ناپیتناهی بر آن مکین نوشته که هذا جزاء من صلی علی محمد

شبلی چون

شبلی چون حال بران سوال مشاهده کرد از وی پرسید
که مرا از سر ان سفیدی و سیاهی خبر ده مرد جواب داد که آن
سیاهی تیرگی معصیت بود هنوز مرغ جانم بتمام از قفص تن
بیرون نرفته بود تن من بشامت گناه سیاه گشت ناگاه صدر عالم
و سید ولد آدم را صلی الله علیه و سلم را دیدم که نزد من آمد
قدحی پر آب بر کف نهاده آن آب را بر من ریخت و بدست
مبارک سیاهی معاصی از من بشست و مرا خلعت کرامت و خاتم
سعادت بخشید گفتم یا رسول الله که عمل مستحق این کرامت شده ام
فرمود که تو در دنیا بجای که عادت داشتی بر من درود فرستادن
چون تو آنجا تحفه صلوة از من دریغ نداشتی من اینجا نظر عنایت
از تو دریغ دارم شبلی رحمه الله از خواب در آمد و گفت
بر من روشن شد که ظلمت گناه با لمعه درود حبیب الله تابی نیارد
شعر نور القلوب یزید عند صلوتنا * جهرا علی روح النبی المرسل *

فضیا و ناس ضوء نور محمد ؛ صلوا علی علی هذا الرسول الافضل ؛

درود شاه رسل صیقلست زنگ زدای تکویش کاینه جان

ازو جلا یابد ؛ هیچ حال نه بیند کدورت غفلت ؛ ولی که از صلوة

بنی صفا یابد جهلم سبب طیب مجالس خبر الطیب ذکر الحبیب

در آثار الاحادیث از جابر رضی الله عنه نقل کرده که حضرة

رسالت صلی الله علیه و سلم فرمود که نه نشینند جمعی در مجلسی که

متفرق شوند بر غیر صلوة من یعنی درود نه دهند بر من و بر خیزند

متفرق نشوند الا بر نتنی که از بوی مردار انتن باشد چه عطر

مجالس و طیب آن نیست الا در درود سید اخر الزمان از

حضرت شیخ محقق قطب الدین محمد البرغشی روح الله روحه سماع

دارم که شبی در اصفهان بزاویه یکی از فقراء رسیدم

و بیتوتتی آنجا اتفاق افتاد دیدم شبی بود که رائحه روح پرور

بمشام من رسید بعد ازان شنیدم بوی و درآن گوشه کاشانه

بوبرآمده بو

بدید آمده بود که هرگز از آن زیباتر نشنیده بودم ابواب
بهجت و بسطی عظیم بر روی دل گشوده شد و مرغ از استرواح
آن رایحه در اهتزاز آمد رباعی بوی آن باغ و بهار گلبن رعناست این
بوی آن یار جهان آرای جان افزاست این ؛ این چنین بوی
کز آن اجزای عالم مست شد ؛ از زمین بود دگر جا نیست یا بالاست این
در تفحص آن افتادم و بر اطراف و جوانب نظر میکردم و در درون
و بیرون زوایه بگشتم نفحات آن رایحه هم در زاویه بود
نگاه کردم درویشی در کنج این زوایه زمزمه میکرد گوش
فرا داشتم صلوة میفرستاد و آن رایحه روحانیات از دهن او
میرسید دانستم که نفحه گلزار صلوتست که از آن شمامات صافات
صوامع ملکوت معطر و مروح میگردد بیت بوی خوش تو هر که
ز باد صبا شنید ؛ از یار آشنا سخن آشنا شنید چهل و یکم
موجب سلامت و عافیتست و بی شایبه شبهت در شفاء امراض

و از اسقام واله عیوب و الام دخلی تمام دارد حکما الهی
یعنی سالکان جاده شریعت و متابعت حضرة رسالة پناهی
بتجربه دریافته اند که درود آنحضرت موجب شفا و عافیتست
و در ریاض المذکرین آورده که حضرة پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
فرمود که هیچ کس نباشد که در روزی بر من صلوة فرستد الا
که حق سبحانه در آن روز در عافیت بر وی بگشاید و از فزع
اکبرش ایمن گرداند در مجمع اللطایف مذکور است که زنی
بجناب رسالت مآب آمده گفت یا رسول الله مرا فرزندیست
که چشم و گوش و دست و پای ندارد گفت بدار الشفا عنایت تو
رجوع کرده ایم تا طبیب انفاس مبارکت در باب مداوات
بیمار من نسخه ترتیب فرماید بیت پادشاها درگهت دار الشفائی
رحمتست :: دردمندانیم اینجا بهر درمان آمدیم :: حضرة پیغمبر صلی الله تعالی
علیه وسلم فرمود که برو و بر من صلوة فرست تا بفرزندی مراد یابی.

دانرک

و اندک وقتی را بمقصد و مقصود رسی ان زن و انست
که تا لون شفا جز صلوة مصطفی نیست هم ازینجا درود اغاز کرد
متوجه خانه شد همه راه بدین ورد کذرانید و بهر قدمی که می نهاد
درود میفرستاد چون بخانه درامد فرزند خود را دید بصحت و
سلامت نشسته تمام اعضا بر وجه کمال بظهور امده و حواس
و قوی از افتها سالم شده زن از غایت شادی با فرزند
سخن ناگفته معاوده نمود بمسجد پیغمبر صلی الله علیه و سلم امده صورت
حال بوقف عرض رسانید انحضرت مسرور شد و صحابه مبتهج
و فرحان کشته جبرائیل علیه السلام فرود امد و کفت
یا رسول الله حق سبحانه سلام میرساند و میکوید چنانکه امروز
صلوة تو اعضای این شکسته حال را اصلاح اورد فردا بیمن
درحرمت تو شکستکیهای امت ترا نیز درست خواهم ساخت
رباعی چون هست طبیعت چون تو حاجی کرمی :: بیمار کناه را انجا نه المی

گر تو شفاعت نکنی ای قدمی ٭ کار همه عاصیان بر آید بدمی ٭ ٭

و در کتاب چهل وسیم از کتاب مفاتیح الاقبال آورده
که زنی مؤمنه حامله تنها از مکه بمدینه هجرت کرد او را بدین سبب
مهاجره گفتندی ناگاه پسری بزاد مانند قطعه گوشت که دو دست
و دو پای نداشت مهاجره غمناک شد و قابله را گفت
من بحکم خدا راضی ام اما بجهت شماتت اعدا یعنی کفار مکه
که گویند فلانه از شهر ما برفت و دین اسلام گرفت تا ان
اعتقاد پسر او را باز گرفتند دغدغه بخاطر میرسد قابله گفت
درین قضیه رجوع بمحکمه عالیه رسالت پناه باید کرد که ازاله
هموم و غموم جز بعون عنایت آنحضرت میسر نیست غمگشتان را از در
رشد دهد شکستگان را از وجود مرهم ٭ مهاجره بجناب نبوت
آمد و صورت حال بموقف عرض رسانید حضرت فرمود که بگو
اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت و بارکت علی ابراهیم و علی آل

ابراهیم

ابراهیم مهاجر این کلمات بر زبان رانده بطرف خانه
باز رفت فرزند خود را دید با دست و پای درست
و احوال خبر بحضرت رسالت صلی الله علیه وسلم رسانید
فرمودند که این برکت الصلوة علی النبی — چهل و دوم
سبب تدارک زلل است انتهاب عظیم به برکت وی باستدفع شود
و بلاهای بزرگ بیمنت وی محو و نابود گردد و کارهای صعب
و واقعهای با هول تدارک پذیرد و در ریاض و ازهار
آورده که حق سبحانه ملکی را فرمود که فلان شهر را زیر و زبر کن
فرشته بدان شهر آمده گریه کودکان دید و ناله زنان
و فریاد چهارپایان شنید بر ایشان رحم فرموده در آن
مهم تهاون نمود و بر ویرانی آن شهر اقدام نکرد تند باد
قهر از مهب جلال وزیده پر و بال آن ملک در هم شکست
و از تصاعد بر مصاعد افلاک محروم و مهجور ماند روزی با

جبرئیل وی را گریان و نالان بر روی خاک افتاده دید
دلش بر پریشان حالی و شکسته بالی او بسوخت و حالت
عجز و بیچارگی و صورت ضعف و آوارگی او ببارگاه کبریا
عرض کرد خطاب آمد که بگو بر حبیب من محمد صلی الله علیه وسلم
صلوة فرستد تا به برکت درود سید کاینات صلی الله علیه وسلم
پر و بالش باز دهم آن ملک بوظایف درود قیام نمود
و بال اقبال باز یافته بفراغ بال جانب آشیانه خود
پرواز کرد بیت شهباز مرغ روح به بال تو می برد پرواز
طایران فلک هم ببال تست چهل و سوم سبب خلاصی از شآمت
غیبت بیت امام بدر الائمه بیانی رحمة الله از کتاب ازهر که
امام برهان الدین سطرزی رحمة الله تالیف فرموده نقل میکنند
که روزی الیاس و خضر علی نبینا و علیهما السلام در مجلس
یکی از اولیا حاضر میبودند و آن ولی میگفت دریغا که مردان

بعلم نیز

بعلت غیبت مبتلا شده اند و یکی از کبایر غیبت است و چند انکه
منع میکنیم و درین باب نصیحت پیغمبر یا سخن من نمیشنوند و
از ان قول قبیح و سخن زشت ممتنع نمیشوند الیاس علیه السلام
فرمود که دفع این کار اسانست چون کسی بمجلس در اید گوید
بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد حق سبحانه ملکی را
بر اهل ان مجلس موکل کرده اند تا هر گاه اغاز غیبت کنند
او بدفع و منع ان مشغول گردد و با لقایات ملکی ایشانرا
منزجر سازد و از حق سبحانه درخواهد تا ان قوم را از غیبت
کردن نگاه دارد پس حضرة علیه السلام فرمود که چون کسی
از مجلس بیرون رود و گوید بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد
حق سبحانه ملکی بدان مجلس فرستد تا نگذارد که غیبت ان بیرون
رفته کنند و این هر دو صورة ببرکة صلوة انحضرة وجود گیرد
شعر ان الصلوة علی النبی الاوضح ∴ تبدی الفلاح مع النجاح

الارج :: درود نبی جای در جان کند :: دل خاکیان را گلستان کند

برد تیرگی و آرد روشنی :: رشدت رهاند و هد ایمنی ::::

چهل و چهارم سبب غنا باشد و بازرستن از احتیاج بمردمان

حافظ ابونعیم رحمه الله از جابر بن سمره نقل میکنند و او از پدرش

رضی الله عنه که فرمود ما نزدیک پیغمبر بودیم صلی الله علیه وسلم

که شکایت بسیاری دکر و کثرة درود بر من نفی فقر میکند

نبی یصلی را توانگر نسازد و از تنگدستیی و از رفع حاجت

بکیان خلاص میدهد و در حکایات الصالحین آورده که درویشی

محتاج و معیل بطلب کفاف از خانه بیرون آمد اندیشید انست کجا رود

ناگاه یکبار به مجلس واعظی رسید و او مجلسیان را بگفتن صلوة

ترغیب میفرمود درویش باستماع کلام او باز ایستاد

و بر زبان واعظ جاری شد که عزیزان درود گفتن بر پیغمبر

صلی الله علیه وسلم نقیض میکند که اگر توانگر درود فرستد حق تعالی

بمال او

بر حال او بگریه کند و اگر درویش و سنگدل نیست صلوة دهد خدای تعالی
از آسمان روزی برای وی فرستد درویش همین سخن را
یاد گرفته از مجلس بیرون رفت و ترک طلب کرده بگفتن صلوة
مشغول شد بعد از سه روز در ویرانه سنگدلی با بالش سنگی
در آمد و سنگ از جای خود منقطع شده سبوی پر زر زیر وی
پدیدار شد درویش با خود گفت که وعده روزی من
لیکن آن واعظ از آسمانست مرا روزی این نمی باید همان سنگ
بر سر سبو نهاده بخانه باز آمد و صورت حال با زن در میان نهاد
قضا را همسایه داشت جهود و او در آن محل بر بام بود
و سرگذشت درویش و قصه ویرانه و سبوی زر می شنود
فی الحال از بام فرود آمده بر آن ویرانه رفت و سبو را برداشته
بخانه آورد و چون سرش بگشاد پر از مار و کژدم دید کسان
خود را گفت این همسایه مسلمان دشمن ماست و تیکه من بر بام

بودم او دریافته و ان ثمن برای تطمیع من اغاز کرده تا شاید که
ان سبو بخانه ارم و ضرری از انچه در ان انداخت بمن لاحق گردد
هیچ به از ان نمی بینم که ان سبو را بر بام او برم و از راه روزنه
در خانه او ریزم تا انچه من میخواست بوی باز گردد پس ببام
بر امد و بوقتیکه زن شوهر را میگوید که روا باشد که در بابی
و بگذاری و ما و عیالان به بدترین حال بگذاریم و درویش
جواب میداد که من هر صد زر تو که از اسمان نامزد شده
که ناگاه یهودی سر سبوی گشاده در خانه ایشان سرنگون کرده
درویش اوازی شنوده سر بر اورد و زر دید از روزن
ریزان شده فریاد در کشید که ای زن اینک زر از جانب
اسمان رسید پس زرها بر می چید و در رو و منفعت شاد بود
نگاه کرده دید که زر از سبوی میریزد باز گشت در سبو
نگریست همان مار و گزدم دید دیگر باره بخانه درویش فرو ریخت

از زن یهود

زر سنج بود دانست که آن سبوست از اسرار غیبی که بظهور
می آید بخاطرش گذشت که این همان حکم آب رود نیل دارد
که در زمان موسی علیه السلام بنظر قبطی خون مینمود و در دست
سبطی آب صافی بود فی الحال از بالای بام درویش را
طلبیده و بر دست او مسلمان شده و از تیرگی کفر و غوایت
بروشنی ایمان و هدایت رسید و از برکت ورود آنحضرت
مسلمانرا دولت غنا و یهودی را سعادت اسلام روزی شد
بیت از تو چون نور آشنائی یافت ٭ دل هر تیره روشنائی یافت
هر که از جهل داشت روسیهی ٭ یافت از دولت تو روزبهی ٭
چهل و پنجم سبب نشو و نمای اموال باشند و ظهور برکت در آن
چهل و ششم موجب ازدیاد کمال مصلی بود چهل و هفتم واسطه
طهارت نفس مصلی گردد از الواث رذایل و این سه فضیلت
از آن حدیث استنباط کرده اند که شیخ ابن حبان رحمه الله

در کتاب الصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم آورده که پیغمبر
صلوات الله وسلامه علیه فرموده که صلوة دهید بر من
که صلوة بر من زکوة است مر شما را و امام المحدثین محمد بن عثمان
الاوسی رحمه الله در کتاب نصاب اخبار باسناد خود
از ترمذی رحمه الله این حدیث را نقل کرده و ابن ابی
شیبه رحمه الله در مصنف خود از کعب الاحبار بروایت
ابی هریره رضی الله عنه بهمین طریقه آورده اما در حدیث
ابی یعلی موصلی رحمه الله و روایه بزار از طریق مجاهد رحمه الله
از ابی هریره رضی الله عنه برین وجه نقل کرده که بسیار گویید
بر من از صلوة که آن زکوة است مر شما را و در مفتاح آورده
که زکوة بمعنی افزون شدن و بالیدن است پس درود بسیار گفتن
و نماز افزونی بود در حال مصلی و موجب زیادتی کمالات
و فضایل در نفس او و بمعنی پاکی نیز آمده بسبب طهارت نفس مصلی بود

از اوقات

چهل و ششم

از اوصاف قیمه و اخلاق ذمیمه موجب ابقاء ذکر جمیل
و ثناء حسن است در مفتاح آورده که صلوة سبب آن می‌شود
که مصلی را نام نیکو و ذکر خیر در میان اهل آسمان و زمین باقی ماند
زیرا که مصلی از حضرة عزة آن در میخواهد که بر حبیب خود
ثنا گوید از روی تعظیم و تکریم و چون خیر از جنس عمل است
حق سبحانه مصلی را نیز ثنا گوید و اهل آسمان و زمین را به ثنا وی
فرماید چهل و نهم درای او قائم مقام صدقه است مر درویشان را
در ریاض الاحادیث آورده که درویش و تنگدست بگفتن
صلوة ثواب متصدقان یابد و از مفهوم آن حدیث که صلوة
بر من زکوة است مر شما را همین معنی اخذ میتوان کرد پنجاهم
زینت مجالس است در کتاب انس المسافرین آورده که حق سبحانه
بعلم قدیم دانسته که ذکر مصطفی صلی الله علیه و سلم در همه مجالس
و محافل و بر همه افواه و السنه جاری خواهند شد الصلوة امر کرد

تا چون ذکر او گویند و شنوند هدایای درود فرستند و آن

مجالس و محافل بصلوة او آراسته گردد و عبد الله بن ادریس

الاودی باسناد خود از عائشه رضی الله عنها روایت کرده

که زینوا مجالسکم بالصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم بیت ای ذکر

ذات کاملت آرایش هر مجلسی ❊ وی وصف لطف شاملت پیرایه هر محفلی

یاد تو در هر خاطری سوز تو در هر باطنی ❊ مهر تو در هر سینه شوق رخت در هر دلی

پنجاه و یکم سبب یاد آمدن فراموش شده است چنانکه در فصل

سوالف گذشت پنجاه و دوم موجب براءت است از نفاق چه درود

بر آنحضرت محض اخلاص است و ظلمت نفاق با نور اخلاص جمع نشود

در مصابیح القلوب از امام حسن بصری رحمه الله نقل میکند

که بر دارید آوازهای خود را بالصلوة که آن زنگ نفاق را

از آینه دل بر دارد پنجاه و سوم سبب خلاص یافتن است

از نقصان و انتقام ایام تیره تری و داری و این شنی و این

جان و مال

حبان و حاکم مستدرک رحمهم الله روایت کرده اند که حضرت
پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود که ننشستند قومی در مجلسی که در آن
یاد نکردند خدای را و درود نفرستادند بر پیغمبر الا بر ایشان
نقصانی است و از ایشان طلب انتقامی اگر خواهد خدا ایشان را
عذاب کند و اگر خواهد بیامرزد پس ادای صلوة رها ننده
ننده است ازین دو حال بیست و چهارم سبب نجات میت از رغم انف
در مشکوة از امام ترمذی مرویست از ابی هریره رضی الله عنه
نقل کرده که خاک آلوده باد بینی کسی که نزد او یاد کنند
و او بر من درود نخواهد و خاک آلوده باد بینی کنایه است از
نامرادی و خاکساری و خواری و بی اعتباری و در شرح
مشکوة آورده که رغم انف عبارتست از زیانکاری
و بی بهرگی و کدام زیان و حرمان ازین زیاده که کسی تواند
که بیک بار گفتن برای خود ده صلوة حاصل کند و ده درجه برای او

و محو ده خطیه از خطیات او وجود گیرد و او در آن تقصیر نماید
تا این فضایل از او فوت شود پس گفتن صلوة موجب خلاصی باشد
از زیان وحشت و بی پدری و ندامت پنجاه و پنجم
سبب بشارت است به بهشت در مفتاح آورده که در خبر آمده است
که بشارت دهند مصلی را به بهشت قبل از حال موت چنانچه در جلاء الافهام
آورده که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که از
من هر روز هزار بار صلوة فرستد نمیرد تا جای خود در بهشت نبیند
پنجاه و ششم سبب ایمنی است از مرارت موت چنانچه در ریاض الاحادیث
آورده که یکی از صلحای امت پیغمبر بالین بیماری آمد و او را
در سکرات یافت پرسید که تلخی مرگ را چگونه می یابی
جواب داد که کام جان خود را از نبات شیرین‌تر می یابم و در
مذاق خود هیچ تلخی احساس نمیکنم آن عزیز متعجب شد که این چگونه
تواند بود دیگر است که ساقی اجل این شربت چشیده تلخ در کام

خاص و عام

خاص و عام میبرند و حلق خلق را ازین شراب زهرآمیز بی
چاشنی نمیکند از جهت آنکه اجل زهر هلال بجام ∴ کیست کز و جام نشد
تلخ کام ∴ بسیار گفت شگفت چه ار که بمن رسیده بود که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که بسیار بر من صلوة فرستد
از تلخی جان کندن ایمن باشد و من تیمنیست که شربت صلوة
چشیده ام و جرعه از آن ساغر آب حیات در کشیده
لاجرم حالی هیچ اثر تلخی در خود نمی یابم و ازین جهان شیرین کام
و بکوثر انجام میروم و در امالی و لوالی مذکورست که روزی
پیغمبر عالم صلی الله علیه و سلم در سایه نخلی نشسته بود و امیر نحل رضی الله عنه
در خدمت شاه عرب بزانوی ادب در آمده ناگاه زنبوری
بیامد و پروانه وار گرد اگرد شمع رسالت طواف آغاز کرد
و بزبانی که سلطان ملک فتوت و سلیمان تخت نبوة محرم آن بود
کلمه میگفت مرتضی علی آستین می افشاند تا آن مگس برود داد.

بزبان حال التماسی ادا میکرد [illegible] تو خواهی آستین افشان و خواهی
روی در کش هم نکس ز روی تو بر نخواهد شد که خوان دکان حلوائی ...

هرگز بدر

حضرة رسول صلی الله تعالی علیه و سلم تبسمی فرمود و گفت ای علی میدانی
که این زنبور چه میگوید علی کرم الله وجهه جواب داد که الله و رسوله
اعلم خواجه فرمود که این زنبور میخواهد که ما را مهمانی کند میگوید
در فلان موضع قدری شهد نهاده ام علی را بگوی تا شهد را بیارد
و اعتذار میکند که در عهد سلیمان علیه السلام موری ضعیف
وی را ابای پای ملخی میزبانی کرد اگر زنبوری خواجه هر دو سرا را
بمقداری عسل مهمانی کند عجب نخواهد بود القصه علی رفت
و آن شهد را بمجلس آنحضرت حاضر گردانید و رسول صلی الله تعالی
علیه و سلم از آن نحل پرسید که خورش شما شکوفه‌های تلخ است
بچه نوع در درون شما شهد مصفا میگردد زنبور جواب داد
که یا رسول الله آن نیز به برکت شماست چه هر گاه که قدری شکوفه

بدرون ما

بدون ما در آید فی الحال الهام الهی ابیر سد ناشته نوبته برتو
صلوة بفرستم و بدین ان درود شکوفه تلخ در افواه ما شهد
شیرین میشود بیت شکرستان درود رسول ۞ چو شیرین شود
کام اهل قبول ۞ بیاشند روزی اجل تلخ کام ۞ ز شهد شهاده بنوشند
جام [illegible] حبیب لقا برکت بعد الموت در شفاء السقام از ابی
حفص عمر بن عبد الله السمرقندی رحمه الله نقل کرده که وی در کتاب
رونق المجالس فرموده که تاجری در شهر بلخ بمرد و از وی دو پسر وارث
ماند و از جمله ترکه او سه تاره موی بود و ان شعرات فرق
همایون حضرة پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم چون میراث قسمت کردند
یکموی بهر برادری رسید و یکی در میان باند برادر بزرگ
گفت این موی را ببرد و نیم کنیم و هر یک حصه خود ببرداریم برادر
خورد فرمود که قطع شعر آنحضرة از ادب دور است ان برادر
گفت که چون بقطع راضی نمیشوی دست بر دار و باز ای ان

مقداری از مال بگیرد از برادر خورد و گفت من هر رشته تار موی

مبارک پیغمبر دارم و تمام میراث نمی‌گیرم که مرا هر موی

از آن بجهانی می‌ارزد بیت از تو موی بجهانی نتوان داد از آنکه

یک سر موی ترا هر دو جهان هم بها نیست :: تا یک سر موی تو بدستیم

دل از هر دو جهان :: که یک سر موی تو کار دو جهان کرد درست ::

برادر بزرگ راضی شد و شعرات مبارک را به برادر خورد

داده تمامی ترکه بحوزه تصرف در آورد و آن صاحب دولت

موها را در حقه پاکیزه کرده در گریبان نهاد هر لحظه بیرون

آوردی و بوسیدی و گفت درود بسوی حضرت فرستادی

بسی بر نیامد که غبار نکبت و ادبار بر صفحه روزگار برادر بزرگ

نشسته اموالش عرصه تلف گشت و برادر خورد را گل دولت

از شاخ اقبال شکفته بر اقران و اکفا متفوق شد القصه

بعد از وفات او یکی از اولیاء بلخ حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم در

واقعه دید

۱۲۵
۱۳۱

واقعه دید و انحضرت اورا فرمود که با مردمان بگوی که هرکرا
بکار آید حاجتی بسر قبر فلان رود و دعا کند که حق سبحانه آن
دعا را بعز اجابت میرساند آن بزرگ پرسید که یا رسول الله
این کرامت را سبب چیست سید عالم صلی الله علیه وسلم فرمود
که او در تعظیم نبوی ما بسی مبالغه کردی و بر من درود بسیار فرستاد
لاجرم در زمان حیات خویش کدخدا بود و بعد از وفات قبر او
کعبه حاجت روای خلق گشت آن عزیز بیدار شده خواب خود
با خواص و عوام بازگفت و اکابر و اصاغر شهر روی بقبر وی
آورده و حاجات خود عرض کرده بمقاصد و مطالب رسیدند
شعر کم بالصلوة علیه اسال الفرجا ۞ وکم وجدت بها فی الله الفرجا
کسیکه دولت جاوید و عز سرمد یافت ۞ مراد و مطلب دنیا و دین از درود
احمد یافت بحکم بسبب تلقین شب در قبر یعنی لطف الهی
اورا بوقت سوال ملکین در قبر تلقین صواب کند تا بآسانی

از عهده جواب بیرون آید در شفاء الاسقام از شیخ ابی بکر شبلی
قدس الله سره نقل کرده که یکی از همسایگان من درگذشت و او را
در خواب دیدم گفتم خدای با تو چه کرد گفت ای شیخ هولهای عظیم
کشیدم و رنجهای بزرگ دیدم و از جمله آن بود که بوقت سوال
منکر و نکیر زبان من از کار باز ماند با خود گفتم واویلا مرا این
عقوبت از کجا پدید آمد آخر مسلمان بودم و بر دین اسلام مردم من
درین اندیشه افتاده و آن دو فرشته بعنف و غلظت
از من جواب میطلبیدند ناگاه شخصی نیکو روی خوشبوی میان من
و ایشان حایل شد مرا تلقین کرد تا جواب ایشان بصواب
باز دادم پس گفتم کیستی یرحمک الله که مرا ازین غصه خلاص دادی
و ازین مشقت باز رهانیدی فرمود که من شخصی ام مخلوق
از صلوة تو که بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم میفرستادی و من مامورم
بآنکه هر وقت و هر جا که فریاد تو رسم شعر

صلی الله

صلی الله علی شرف الانام واله :: ترجی النجاحات فی موضع

العطیب : ای درود تو حل مشکلها شده وگر تو راحت دلها

صلوة تو گزیده و نزهت کسی از دامگاه غم بجهد بنام مهم

سبب ایمنی باشد از عذاب قبر در ریاض واثار آورده

که زنی آغاز نهاد بعد از چند شبانروز که اشک میبارید

و بر حال فرزندی می نالید و میزارید دیگر باره او را در خواب

دید خرسندل و شادمان و در روضه فردوس خرامان پرسید

که ای دختران چه حال بود که دیدم واین چه صورتست که مشاهده

میکنم جواب بسید او که ای مادر بجهت حرام وما نم خود در عذاب

بودم چنانکه دیدی درین روزها عزیزی بر کناره مقبره

بگذشت و چند نوبت صلوة بر مصطفی فرستاد ثواب آن با اهل گورستان

بخشید حق تعالی به برکت مثوبت آن صلوة عقوبت و عذاب

از اهل قبور بر گرفت و عوض ویل و ثبور فیض وحبور کرامت

بجاه النبی و آله فبادروا الصلوة العدون و النجات

فرمود شیخ ابو سعید قرشی رحمه الله فرمود که هرگاه ببرکت آن
صلوة که دیگری بفرستد عذاب قبر مرتفع میگردد متیقن
باید شد تا که مصلی از آن عذاب ایمن خواهد بود رباعی

صلوة المصطفی تمحو الخطایا ٭ وتنجی من عقوبات القبور ٭ الا یا معشر الاسلام
صلوا علی بدر الدجی صدر الصدور ٭ هرکسی بهر نجات خویش دارد

تحفه گفته تا خبر درود رسید گفتار ثبت فصل ششم موجب
دفع عطش محشر است در شفاء السقام از ابو الفرج بغدادی
رحمه الله روایت کرده که حق سبحانه وحی کرد بموسی علی نبینا و علیه السلام
که ای کلیم من دوست میداری که ترا عطش قیامت درنیابد
و در مواقف احوال او تشنه نشوی گفت نعم یا رب
خطاب رسید که امروز در دنیا بر نبیه درود حبیب من بنوش
تا فردای قیامت ترا تشنگی درنیابد فصل هفتم سبب نجات
از اهوال روز حشر است قاضی عیاض رحمه الله در شفا فرموده

که دل بعضی

که در بعضی آثار آمده است که رستگارترین شما از اهوال قیامت
و آفات و محن وقت بسیارترین شماست از جهت صلوة بر من
یعنی هر که درود بیشتر فرستد از هول قیامت ایمن‌تر و
از آفات آن رستگارتر خواهد بود شعر صلوا علی المصطفی ان
الصلوة له یوم القیام مزیل الهول والکربات نتوان نجات یافت
ز غوغای رستخیز الا بدولت صلوة محمدی **شصت و دوم**
واسطه ایمنی باشد از حسرة قیامت در انوار الابرار آورده
که سفیان ثوری را رحمه الله علیه پرسیدند که وانذرهم یوم الحسرة
این کدام روزیست که بدان بیم داده‌اند گفت روز قیامت
که مردمان را حسرة فرو گیرد نیکان حسرة میخورند که چرا نیکوئی
بیشتر نکردیم و بدان حسرة میبرند که چرا عنان از ارتکاب
سیات باز نکشیده بسلوک سبیل حسنات مشغول نگشتیم سائلی گفت
ای شیخ کسی باشد که او را روز قیامت حسرة نباشد گفت

اری انانرا که بر حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم درود بسیار
فرستاده باشد در ان روز حسرتی نباشد زیرا که مکافات ایشان
بر وجهی وجود گیرد که مزیدی بر ان متصور نتواند بود پس چرا
ایشانرا حسرة باشد نصیب دویم سبب کرانیانرا الف امام
ابو الصفا ناصر بن علی رحمه الله در باب چهل و هفتم از کتاب
لؤلؤة المتفکر از امام حسن بصری رحمه الله نقل کرده که هیچ مومنی
نباشد الا که پنج ملک بر وی موکل باشند یکی پیش روی وی تا
که شیطان را از وی دور دارد دوم در عقب وی که آفات آسمانی
از وی باز دارد سیم بر یمین وی و انرا سایق گویند کاتب
حسنات بنده است چهارم بر یسار و انرا شهید خوانند نویسنده
سیأت است پنجم ملکی بر ناصیه اوست و انرا حافظ گویند هر صلوات که
بنده بفرستد او نگاه میدارد تا بوقت غروب آفتاب پس
میرود و دیگر روز باز می آید که صلوة بنده را حفظ میکند

تا بوقت طلوع شمس

تا بوقت طلوع شمس آنکه میرود و باز بجهت حفظ صلوة روزی آید
بر همین وتیره آمدنی و رفتنی دارد و سائلی از امام پرسید
که آن فرشته کجا میرود فرمود که از پیش بنده متوجه میشود
بمرقد مطهر سید کاینات علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات
و در برابر قبر ایستاده میگوید السلام علیک یا رسول الله
فلان بن فلان درین روز یا درین شب بر تو چندین صلوة
فرستاد آنحضرت میفرماید که درود و سلام مر او باد پس بزیر
عرش رود و گوید بار خدایا فلان بن فلان بنده مومن تو
چندین صلوات و سلام بر حبیب تو فرستاده بود و من بروضه مقدسه
آنحضرت رفته عرض کردم و او برای بنده درود گفت
حق سبحانه نیز بر آن مصلی صلوة فرستد و بفرماید تا صلوة آن بنده را
در غمامه صفا ودیعت نهاده در رکنی از ارکان عرش کنند
و آن صلوة در حجاب عزة محفوظ باشد تا روز قیامت پس برقعه

که عمل بنده را وزن میکنند حق تعالی فرماید تا آن صلوة را بیارند
و در پله میزان خیرات او نهند تا گران گردد پس بحکم فاما من ثقلت
موازینه فهو فی عیشة راضیة او را بروضه رضوان برند
و بدرجه رفیع و منزله منیع فرود آرند شعر صلوا علی خیر الوری یا
فضلوه یوم الحساب یثقل المیزان انا درود شهنشاه پیمبران
ترازوی خیرات سازد گران چه نقد گران مایه کاید حساب
سبکبار گردند از رنج و شتاب و مؤید این فضیلت نقلی در فضیلت
شب ویکم بر گور شفیع نصف چهارم سبب ثبات از لغزیدن
بر پل صراط در مفتاح آورده که قدم مصلی روز قیامت بر صراط
ثابت باشد چنانکه در روایت ابوموسی مدینی رحمه الله هست
نصف پنجم سبب نور بودن بر صراط در ریاض المذکرین
از ابو هریره رضی الله عنه نقل میکنند که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود
که درود بر من نور است بر صراط یعنی روشنیست که میدوان بر صراط

تو آن نور

۱۲۹
۱۴۰

توان گذشت و بهمراهی او آن طریق دقیق را بسر توان برد

ع خوش آن راهی که همراهش تو باشی نصیحت ششم

سبب گذشتن است باسانی بر صراط امام محمد بن علی حکیم ترمذی

قدس سره در انوار الاصول از عبد الرحمن سمره رضی الله عنه

نقل میکند که روزی حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم از حجره طاهره

بیرون رفته بود فرمود که دوش عجب خوابی دیدم مردی

از امت من بر صراط میگذشت افتان و خیزان هر زمان

میلرزید و هر دم میلغزید درودی که بر من فرستاده بود

بیامد و دست وی گرفت و او را بر صراط مستقیم ساخته

بسهولت و سلامت بگذرانید نصیحت هفتم سبب هدایت است

به بهشت از مجاهد رحمه الله نقل کرده اند که هر که گفتن صلوة

در دنیا عادت کند در راه عقبی بر وی روشن گردد

هر که امروز از درود تغافل ورزد فردا طریق بهشت بر وی

باز نیاید در شفاء السقام از امام جعفر صادق رضی الله عنه نقل کرده
که ایشان از آباء کرام خود علیهم الرضوان روایت کرده اند
از حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم که هر که ذکر من شنود
و درود نفرستد گم کرده باشد بروی راه بهشت را و از اینجا
معلوم میگردد که درود دهنده را راه بهشت خواهید نمود

فضیلت دویستم موجب آشامیدن شراب سلسبیل است

در کتاب اسباب المغفرت بروایت انس رضی الله عنه
آورده که رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود که هر مسلمی و مسلمتی
که بر من صد بار صلوة فرستد حق سبحانه بروی هزار بار صلوة فرستد
و اگر هزار بار درود دهد خدای تعالی از فضل خود ثواب
ده هزار رکعت ارزانی دارد و بیاشامد او را از حظیرة
قدس از شراب سلسبیل و آن چشمه ایست در بهشت و مقاتل
گفته که آن عینیست از حظیرة جنت که از زیر عرش بیرون می آید

در جنت عدن

و بر جنت عدن میگذرد و آنکه بهشتها دیگر سیر و دلغایت شدید
الحر یافتست هر بنده که امروز از سرچشمهٔ درود مصطفوی بهره
فایز شده فردا ازان شراب پاک سیراب گشته با نور جمال
وسقیهم ربهم شرابا طهورا مستعد خواهد بود بیت خوش آنزمانه
که ساقی تو باشی :: بر بزم تو بار قدحهای جاودانی :: خوش آنزمانه
که هر ذره از ما :: برقص اندر آید که زیبا سفانی :: این بود
اندکی از فضایل صلوة و فواید آن عجالة الوقت را درین اوراق
سمت ترقیم و رقم نوشتن یافت و در رسالهٔ لوامع الجلوات
فی فضایل الصلوة صفت استقصا پذیرفته والله الموفق رباعی
صلوا علی الصدر الذی بلغ العلی بکماله :: صلوا علی البدر الذی
کشف الدجی بجماله :: انفرت ریاض خلاله حسنت جمیع خصاله
لا داء حق نواله صلوا علیه و آله :: تا از سر و ریاض مدینه گویم و بشنو
خوشست عمر که صرف چنین کلام شود :: مدینه روضهٔ قدس است و خواهم

کز استقامت او کار دین تمام شود ؛ روان کنم تحفات درود
از دل پاک ؛ چو باد صبح بدان سرو خوش‌خرام شود ؛ پس از
درود بران روضه بهشت اساس ؛ سلام گویم و جان همره سلام شود ؛

فصل فضیلت سلام مخصوصه آنست که مجزی باشد از صلوة
چنانکه در کتاب الصلوة جلالی رحمه الله مذکورست که السلام علیک
ایها النبی مجزیست از صلوة فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم
و مرویست از ابن مسعود رضی الله عنه که رسول الله صلوات الله
وسلامه علیه فرمود که بدرستیکه مر خدایرا فرشتگانند
سیاحت کننده در زمین میرسانند از امت من ایشانرا سلام
برمن امام ابوداود رحمه الله باسناد خود در صحیح آورده که
حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که هیچکس نباشد که سلام دهد
برمن الا که حق سبحانه باز گرداند ببدن من روح مرا تا باز
گردانم انرا بوی یعنی جواب سلام وی بگویم و امام بیهقی رحمه الله

در دلائل

۱۵۱
۱۶۲

در دعوات کبیر همین حدیث را نقل کرده و در شرح مشکوة
آورده که رد روح عبارت از آنست که روح مقدس
حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حضرت الوهیة شانی دارد
و او را دران استغراقی حاصل ست چون سلام یکی
از امت بوی رساند حق سبحانه باز ارد روح مطهر از ان
حالة جواب سلم باز دهد و افاضه کند از انچه دران شان
استفاضه محفه باشند بر سلام دهنده چنانچه در دنیا انچه
از سحایب وحی بر وی می ریختند او بر امت میریخت لبس الکفرة
صلی الله علیه وسلم در کار امت چه در دنیا و در برزخ و چه
در عقبی و انکه حق سبحانه باز ای یک سلام بر حبیب او ده سلام گوید
در فضیلة چهارم از همین فصل در حدیث ابی طلحه انصاری
رضی الله عنه گذشت و در شفا از ابن وهب رحمه الله نقل
میکند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم که هر که ده بار بر من سلام دستد

همچنان باشد که بنده ازاد کند و از صدیق رضی الله عنه منقولست
که سلام بر پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم از عتق رقاب افضلست
و در آثار الاحادیث از انس بن مالک رضی الله عنه
نقل کرده که حضرة رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود که هیچکس
از امت من که بر من سلام دهد چون وفات یافته باشم
الا که جبرئیل سوی من آید و گوید ای محمد من فلان بن فلان و تعریف
وی کند تا حدی که او را بشناسم و گویم نعم پس گوید
او بر تو سلام کفته است من گویم و علیه السلام و رحمة الله
و برکاته و بامید نوید این جواب او اوراک مباش این
خطابت مستطاب جگر سوختگان بادیه فراق از غایت آرزو بیتابی
و نهایت اشتیاق باخلاص تمام تحفهای سلام بمرقد سید انام
میفرستد و رجا واثق است که از شرف اجابة محروم نمانند
شعر یا راکبا نحو المدینة راکبا ❊ بلغ سلامی للنبی محمد ❊ وقل السلام علیک

یا علیم الله

یا علم الهدی ∴ یا ایها الهادی لسید راشد ∴ نسیم باد صبا
تحفه درود و سلام ∴ ز ما بیارگه ختم انبیا برسان ∴ ز خاک آستانه
احترام آنحضرت ∴ برای چشم محبّ دیده توتیا برسان ∴ ∴
نیازمندی ما بندگان درویشان ∴ شاه مملکت آرای تل کفی
برسان ∴ سلام ما چو نمودی نیاز کردی عرض ∴ کرم نمای
به جوابی برای ما برسان **فصل هفتم** در مذمت تارک صلوة
بباید دانست چنانکه مصلی را با نوازشنوبتها نوازند تارکان
صلوة را نیز بانواع عقوبتها مبتلا گردانند چه در ترک صلوة و تسلیمات
بر حضرت سید کاینات صلی الله علیه وسلم هم مخالفة فرمان
خدایست و هم موافقت یهود و نصاری و دیگر محروم ماندن
از فضایل و فوایدی که در فصل سابق گذشت و هر که مطلقا
صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم نفرستد و منفر شود از دین
و دیانت بر طرفست چنانکه در حکایتی از محمد بن حمدان المروزی

رحمة الله نقل کرده و او باسناد خود از ابن مسعود رضی الله عنه
نقل کرده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که
بر من درود نفرستد پس دین نیست مر او را اما کسانی که
بوقت ذکر آنحضرت درود نفرستند هشت عقوبت برای ایشان
مقررست پنج در دنیا و سه در عقبی اول از عقوبات دنیوی
آنکه داغ شقاوت بر جبین حال ایشان نهند و رقم بدبختی
بر صفحه روزگار ایشان کشند در ریاض المذکرین از انس
بن مالک رضی الله عنه روایت کرده که من از رسول صلی الله
علیه وسلم شنیدم که فرمود که جبرائیل علیه السلام دعا کرد
بدبخت باد کسیکه ترا نزدیک او یاد کنند و بر تو درود نفرستد
دوم در نظر عالمیان خوار و نگونسار و بی مقدار و ساقط
از درجه اعتبار شود چنانکه در حدیث امام ترمذی گذشت
خاک آلوده باد بینی کسی که مرا نزدیک او یاد کنند و بر من درود نفرستد

خاک آلوده باد

خاک آلودگی الف کنایت است از خواری و بی مقداری

بیت از درود شش هر که او سر درکشد * خط خذلانش

قضا در سر کشد سوم رقم بخیل که بدترین صفتی و ناپسندیده ترین

خصلتی است مر صاحب الف احوال انسان گشتند چنانکه در صحیح ترمذی

بروایت مرتضی علی رضی الله عنه مذکور است که حضرت پیغمبر صلی الله

علیه وسلم فرمود که بخیل آنست که پیش نزدیک او مذکور شوم

او بر من صلوة نفرستد و بروایت ابی ذر رضی الله عنه چنان

آمده که بخیل ترین مردمان آنست که من یاد کرده شوم نزدیک او

و او بر من درود ندهد حینئذ ناچار اگر کسی که با کفرة بدرود

بخیل ورزد خود را بدنام دنیا و آخرت سازد و حضرت قدوة

شیخ اکبر قدس الله روحه در جزو اخیر فتوحات آورده که در

ذکر آن حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم از صلوة غافل مباش

تا از صفت بخیل ایمن گردی چه ثابت شده که بهنگام یاد کردن

اکفره ترک صلوة بخلیست و انرا اذم اوصاف و اراذل
اخلاق گفته اند چه در احادیث صحیحه امده است که وای داء
ادوی من البخل و حق سبحانه فرموده لا یحب کل مختال فخور و اهل
اختیال و فخر را چنین صفت کرده اند که الذین یبخلون پس
همچنانکه اهل کبر و خیلا مذموم اند و از شرف محبت حق سبحانه
بی بهره و محروم اند بخیلان نیز همان حکم دارند و هم حضرت شیخ قدس سره
درین حدیث نکته فرموده که معنی بخل اینجا راجع بنفس تارک صلوات است
چه منقول است که حق سبحانه در عوض یک صلوة ده صلوة بر ان شخص
میفرستد پس ترک کننده درود بخیلیست بر خود بمثابه
که نفس خود را از چنان کرامتی محروم و بی بهره میگرداند
و ابخل بخلا انست که بر نفس خود بخل کند و چنین کسی را لئیم گویند
و او از سفله و ممسک بدتر است چهارم نام جفاکاری بر انسان
انست در شفا از قتاده رحمه الله نقل میکنند که حضرت رسول

صلی الله علیه و سلم

صلی الله علیه وسلم فرمود که از جفا باشد اگه نزدیک کسی نام من گویند [بشنوم]
و او بر من صلوة نفرستد و امام طحاوی رحمه الله گفته است
سماع ذکر آنحضرة درود گفتن واجب میباشد دلیل او
این حدیث است که در شرح قدوری زاهدی آورده که من
ذکرت عنده فلم یصل علی فقد جفانی وازینجا معلوم میشود
که چنانکه تارکان صلوة بجفاکاری موصوف اند فرستندگان
درود بوفاداری موسوم اند بیت مطرب دستان سرای
بزم رفا را :: نیست سرودی به از درود محمد بخیم مجلس الشان
بنا پاکی و مرداری مشهور باشد چنانکه در فضیلة جهل و دوم
در حدیث جابر رضی الله عنه گذشت که اهل مجلسی که بی غیر صلوة
پیغمبر صلی الله علیه وسلم متفرق شوند و بر بینی پراکنده کردند
که از بوی مردار آنتن باشد پس هرآینه مجلس ایشان از نتن
والحس خواهد بود زیرا که عطر محافل وطیب مجالس درود آنحضرة

پس در هر مجلسی که آن عطر نبود رایحه کریه آن مجمع که عین
پریشانی است ملائکه و روحانیات را متاذی خواهد ساخت
بیت گوشهٔ گلبنی کز عطر درودی ندمد * رشک برد در حال
آن گلشن جنة العالی * صومعه که ننشستش زمزمه در درود او ***
هست چو دیر بر پیران لایق لفظ بوریا * اما از عقوبات اخروی
اول آنست که در آتش حسرت بسوزند در ریاض المذکرین
از ابی سعید خدری رضی الله عنه نقل کرده که حضرت رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده ننشیند قومی در مجلسی و بر من صلوة نفرستند
مگر آنکه ایشانرا حسرتی باشد روز قیامت و اگرچه به بهشت
درآیند بثواب و انعام درود و ثنای و ابن حبان همین
حدیث را از ابو هریره رضی الله عنه نقل کرده اند و حسرت
زنان با آنکه در بهشت باشند جهت محرومی ایشانست از کثرت
ثواب درود دهندگان بر من دوم آنکه راه بهشت گم کنند

در اخبار

در اخبار بروایت ابن مسعود رضی الله عنه مذکور است
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که روز قیامت
قومی را از امت من غریبان رسد که به بهشت روند اثنای
راه گم کرده متحیر و سرگشته باشند بعضی از ایشان بگفتند یا رسول الله
سبب این گمراهی و موجب این سرگردانی چه باشد فرمود
که ایشان نام من شنوده باشند و بر من صلوة نفرستاده
و ابو هریره رضی الله عنه از حضرت پیغمبر صلوات الله وسلامه علیه
روایت کرده که هر که فراموش کند امر و صلوة مرا فراموش
شود راه بهشت بر وی بیت: هر که ز راه تو رخ دل بتافت
گم شد و ره جانب منزل نیافت و از امام جعفر رضی الله عنه درین باب
از شفا ~~[illegible]~~ در فضیلت نصف و هفتم مذکور شده سوم
آنکه از رحمت خدا دور باشند در صحیح ترمذی و بسیاری
از کتب احادیث هست که روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم

پای بر پایهٔ اول نهاد از منبر و گفت آمین پس پا به دیگر بالا رفت و فرمود که آمین بر پایهٔ سیم نیز آمین بر زبان راند صحابه از سر آمین بی سماع دعا و مشاهدهٔ دعاکننده سؤال فرمودند آنحضرت جواب داد که دعاکننده جبرئیل بود چون بپایهٔ اول از منبر برآمدم دعا کرد که هرکه مادر و پدر یا یکی را از ایشان دریابد و آمرزیده نشود بعلت آنکه با ایشان نیکویی نکند که سبب آمرزش گردد خدای تعالی او را از رحمت خود دور گرداناد و مرا گفت بگو آمین من گفتم آمین چون بپایهٔ دوم که رفتم دعا فرمود که هرکه تو نزد وی یاد کرده شوی و بر تو درود نفرستد پس بمیرد و بدوزخ در آید حق سبحانه او را از رحمت خود دور دارد و بگو آمین گفتم آمین و چون بپایهٔ سیم رفتم گفت هرکه شب قدر یا ماه رمضان را دریابد و بدو رسد آمرزش نرسد از رحمت خدا دور ماند بگو آمین گفتم آمین

و امام جعفر نیز

و امام عفیف الدین رحمه الله در اربعین خود فرموده که
ذکر دور ماندن از رحمت الهی که وعید شدید است بر ترک
صلوة در شریف ترین بقعه که مسجد مدینه است و بر فاضلترین رتبه
که بالا منبر است در بزرگترین محفلی که در مجلس سید انام و مجمع صحابه
کرام است در خوبتر زمانی که محل تصاعد آنحضرت است بر بالای
منبر و بهتر وقتی که هنگام نزول جبرئیل است از سپهر اخضر و دعای
روح الامین و آمین رب العلمین و تبلیغ اوست بر وجوب
صلوة نزدیک ذکر سید کاینات چو نام ختم رسل بشنوند
زنده دلان ☸ زبان بذکر صلوة و سلام بگشایند ∴
خوش آن صحیفه که پر باشد از درود و ثنا ☸ چو نامه اعمال خاص و عام
بگشایند ∴ این عقوبتها که مذکور شد راجع است بآنها که نام
آنحضرت بشنوند و درود نفرستند یا ذکر کننده آنحضرت
صلی الله علیه و سلم نیز که ترک درود کند بوقت ذکر وی با درین

وعید ها داخل است وخبایکه ترک صلوة در گفتن و نشنودن
نام آنحضرة صلی الله علیه وسلم موجب عقوبت و نکال است ترک
کتابت آن نیز نوبت نوشتن ذکر آنحضرت و سبب بسیاری
درد و وبال است در شفا از یحیی ابن مالک رحمه الله نقل کرده
که وی گفت دوستی داشتم از اهل بصره او مرا حدیث کرد
که مردی بصری چون کتابت احادیث مینمود و متعمدا از نام سید انام
صلی الله علیه وسلم اسقاط صلوة و سلام کرد اندک زمانی را
آکله در اصابع دست وی افتاد و کلی از بدنش منقطع شد
در شفاء السقام از محمد بن حسین الحرانی رحمه الله نقل فرموده
که مردی زاهد متورع که قایم اللیل و صایم النهار و او را فضل
و تقی وراق گفتندی با مرا حکایت کرد که حدیث مینوشتم و نزدیک
ذکر پیغمبر صلی الله علیه وسلم ترا در واقعه دیدم که از روی غضب
با من گفت چرا وقت کتابت نام من ترک صلوة میکنی من بترسیدم

ودر حال قلم

و در دل خود گذراشتم که هرگز دیگر بی ادبی نکنم بیدار شدم
و دیگر ترک کتابت صلوة نکردم بعد از مدت آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را دیدم بنظر لطف و مرحمت در من نگریست و گفت
ای فضل صلوة تو امین رسانیدند هرگاه که مرا یاد کنی یا نزد تو
مذکور شوم یا نام من کتابت کنی بگو و بنویس صلی الله علیه وسلم شعر
الا ایها الاخوان صلوا وسلموا :: صلوة وتسلیما کثیرا مکملا علی خیر خلق الله جل جلاله
محمد الهادی الی الناس مرسلا :: در مجلسی که از صلوات فرو شمع
افتد سر و دوش عقل در هفتم آسمان :: هر داستان که زینت آن نه از درود اوست
دستان کاهنان شمر آن نه داستان فصل ششم در آداب
مصلی قبل از شروع در آن از تمهید مقدمه چاره نیست باید دانست
از تهذیب الی اقوال و افعال و تحسین اخلاق و احوال نزدیک
جمهور محققان افعال بر دو قسم است یکی افعال قلوب و آنرا نیات
خوانند و دیگر افعال قوالب که آنرا اعمال گویند و اخلاق و غرائم

کامل

و نسبت باطن منسوب اند و اقوال و اعمال بظاهر متعلق و ادب

آنست که ظاهر و باطن آن بمحاسن اخلاق و احوال و مساعی کردار

و گفتار آراسته بود بیت صورت مقترن بصدق و صفا

یعنی مجتمع بمهر و وفا ظاهری بنور طاعتش همراه باطنی از

کمال وجد آگاه تا عبرناک اجنا و بیرون تا عرقناک اعتقاد

درون حضرت شیخ الاسلام ابو اسمعیل عبد الله بن ابی منصور

محمد الانصاری روح الله روحه فرموده که الادب تهذیب

الظاهر والباطن و خود شرح فرموده اند که تهذیب ظاهر و باطن

موافقت دل و زبانست و مساوات درون بیرون یعنی

آن گوید که کند و آن کند که گوید چنان باشد که نماید و چنان نماید

که باشد بیت خواهی که رسی بعالم قدس باید که چنانکه نمائی باشی

و در ترجمه عوارف مذکورست که ما دام آثار محاسن

آداب در ظاهر شخصی پدید نیاید علامت آنست که باطنش

هنوز نشان دار نشده

هنوز نشاد بنشده چه تا ادب ظاهر نشانه تا ادب باطن آ
شیخ ابو حفص حداد قدس سره فرموده که حسن الادب فی الظاهر
عنوان ادب الباطن بیت ازانکه دل از نور ادب رخشانست
بر چهرهٔ او چو مهر و مه تابانست :: پس ادیب کسی بود
که هیچ دقیقه از دقایق ادب ظاهراً و باطناً سراً و علانیةً
فرو نگذارد چه اهمال ادب اگر در ظاهر بود سبب عقوبت شود
در ظاهر و اگر در باطن بود عقوبت بود در باطن و حفظ
قواعد ادب سبب قبول اعمال قلبیه و قالبیه است چنانکه در عوارف
المعارف از انس بن مالک رضی الله عنه نقل فرموده
که الادب فی العمل علامة قبول العمل بیت چو نگه داری ادب
در کوی شاه :: آن ادب بنشاندت در پیشگاه :: از ادب
پر نور گشتست این فلک :: وز ادب معصوم و پاک آمد ملک ::
و مقرب است که منشأ جمیع آداب و اوصاف و احوال و اقوال

و افعال حضرت پیغمبرست صلی الله تعالی علیه وسلم زیرا که کمال رتبه

ادب آنحضرت بغایت بوده و مفتاح عنایت رب الارباب

ابواب عنایت ادب بر آنحضرت گشوده که ادبنی ربی فاحسن

تادیبی لاجرم هر که او را متابعت نماید بقدر متابعت از

ادب آنحضرت بهره یابد تا چون بکمال متابعت رسد کمال ادب

او را حاصل شده باشد و بی شایبه شبهت محافظت

قوانین ادب با چنین حضرت کمال که مجمع همه ادابیست لازم و واجب بود

و معظم اداب به نسبت آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه آنست

که در خاطر خود راه ندهد که هیچ آفریده را آن کمال منزلت

و علو مرتبت که او را بوده ممکن نباشد چه مقررست که نهایت

احوال همه رسل که مقربان بارگاه الوهیت اند بدایت

حال اوست و جز حق سبحانه کس را بر نهایت حال محمدی اطلاع نیست

بیت زهی کمال که در حسن بی نهایت تست ∴ نهایت همه پیغمبران

بدایت

هدایت نیست؛ و دیگر باید که در جمیع حالات از اعتقادات
و اقوال و افعال تعظیم و توقیر حضرت رسالت صلی الله تعالی علیه و سلم
با تعظیم الهی مقارن دارند تا مضمون کلام سعادت فرجام
حضرت ملک علام تعالی شانه عمل نموده باشند که تؤمنوا بالله
و رسوله و تعزروه و توقروه و چنانکه حق سبحانه را به تعظیم یاد میکنند
نام حبیب او را نیز صلی الله تعالی علیه و سلم بکرامت تمام یاد کنند
و از تعظیم نام خجسته انجام وی استفاده است از مضمون آیت
لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا چه اکثر مفسران
بر آنند که حق سبحانه نهی کرده است از آنکه بوقت خطاب با حضرت
پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم نام وی برند چنانکه یکدیگر را نام میبرند
یعنی بگویند یا محمد صلی الله تعالی علیه و سلم یا احمد صلی الله علیه و سلم
بلکه بر سبیل تعظیم و تبجیل گویند یا رسول الله یا نبی الله و امثال آن
تا فرق باشد میان خطاب آنحضرت و غیر او پس بوقت ذکر

اسم سامی حضرت خیر الانام اقتران صلوة و سلام بدان از تمام
تکریم و توقیر آنحضرت باید داشت و در ادای صلوة که وسیله
اکتساب و رابطه اقتراب بآنحضرت است از رعایت ادب
غافل نباید شد و اداییکه تعلق بمصلی دارد و آن دو قسمست صوری
و معنوی اما آداب صوری ده است اول آنکه بی طهارة صلوة نگزارند
تا تعظیم آنحضرت بجای آورده باشند در مجمع اللطایف آورده
که ایاز خاص را پسری بود محمد نام داشت و او را ایاز بملازم
سلطان محمود ساخته بود روزی سلطان متوجه طهارة خانه شد
فرمود که پسر ایاز را بگویید تا آب طهارة بیارد ایاز
این سخن شنیده در تامل افتاد که پسر من چه گناه کرده که سلطان
نام او بر زبان نمی راند ... بر زبان چون توئی حیفست نام چون منی
سلطان وضو ساخته بیرون آمد و در ایاز نگریست او را
اندیشناک دید پرسید که سبب این ملالی که بر جبین تو می بینم چیست

ایاز از ادب

ایاز از روی نیاز بموقف عرض رسانید که بنده زاده را
بنام نخواندید پرسیدم که مبادا ترک ادابی از وی صادر شده باشد
و موجب انحراف مزاج همایون گشته سلطان تبسمی فرموده
و گفت ای ایاز دل جمع دار که از وی هیچ صورتی که مکروه طبع من
بوده باشد صدور نیافته بلکه وضو نداشتم و او محمد نام دارد
مرا شرم امد که لفظ محمد بر زبان من گذرد و وقتیکه بی وضو باشم
چه این لفظ نه نام سید انام است بیت هزار بار بشویم
دهان بمشک وگلاب :: هنوز نام تو بردن ادب نمیدانم دوم
باید که هیچ مجلس را از درود و اذکارش خالی نگذارد که زیب
محفل و زینت مجلس بر ان نام سعادت انجام است رباعی
نوشین دهان و کام زبان است ان نام :: ارام دل و راحت
جان است ان نام :: هم زیور خطه زمین است ان اسم :: ::
همه سکه نقد اسمانست ان نام :: و در اثار الاحادیث

مذکور است که حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم فرمود که بیارائید
مجلسهای خود را بالصلوة در حال حیوة من و بعد از وفات
من و مقرر است که هر مجلس که به عبیر آیه ذکر الهی و درود حضرة
رسالت پناهی آراسته نگردد و تیره ترین مجالس و ناخوش
ترین محافل خواهد بود بیت ذکر تو آرایش هر محفلی است ⁂
یاد تو آسایش هر بیدلی است ⁂ ذکر تو هرجا که مکرر شود ⁂
مجلس از آن ذکر معطر شود و سوم باید که در صلوة اکثار نماید
و بر اندکی اقتصار نکند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم صلوة را
بسیار دوست میداشت و لفظ فعل مأمور به منبی و داله بر تکثیر
دارد چه تفعیل در اغلب برای تکثیر و تکریر است کما لا یخفی در
شفاء السقام از ابو عبد الله محمد بن الحسن الصفار رحمه الله
نقل کرده که چون امام ابو العباس احمد بن منصور رحمه الله
درگذشت او را در واقعه دیدم در محراب مسجد جامع شیراز نشسته

حله لطیف

۱۶۱

حلهٔ لطیف در بر و تاج مرصع بجواهر بر سر فرا پیش رفتم
و گفتم خدا با تو چه کرد فرمود که مرا بیامرزید و تاج کرامت
و حلهٔ سعادت بمن ارزانی داشت پرسیدم که سبب چه بود
گفت درود فرستادن من بر حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم
گفتم دیگران هم درود میفرستند چرا ازین مرتبهٔ رفیع نرسیده‌اند
جواب داد که من از همه بیشتر درود میفرستادم و اینجا
کثرت در صلوة میباید و در مفتاح آورده که اکثار در صلوة
می باید و در اکثار صلوة تقصیر نکنند مگر محروم یعنی کسیکه نامش
در دفتر حرمان مرقوم شده باشد و بعضی از علما و مشایخ گفته‌اند
هرگاه صلوة فرستند از یازده کمتر نباشد و درین باب
خبری هست در مصابیح القلوب آورده که حضرة رسالت
صلی الله علیه و سلم فرشته دید او را چندین هزار دست
و بر هر دستی چندین هزار انگشت دید آن انگشتان جای

میکرد آنحضرت از جبرئیل علیه السلام پرسید که این چه
فرشته ایست جواب داد که یا رسول الله این ملکیست
موکل بر قطرات امطار و حساب آن قطرها نگاه میدارد
حضرت رسول صلی الله علیه و سلم از وی پرسید که عدد قطرات
باران را از ازل تا ابد میدانی گفت دانم حضرت فرمود که چگونه دانی گفت
از ابر روز که خدا ابر آفریده و از ابر باران باریده
من میدانم که چند قطره باران است و نگاه داشته ام
که چند قطره بر کوهها بارید و چند قطره بر صحراها و چند بر دریاها
و از چند قطره گیاه حاصل شده و چند قطره در شوره زارها
ضایع گشته و کدام قطره از سحاب زودتر جدا شده و کدام
قطره زودتر بر زمین رسیده و کدام قطره با هم در هوا
ملاقی شده حضرت رسول صلی الله علیه و سلم پرسید
که یا ملک الامطار هیچ حساب باشد که تو از عهده او بیرون
نیایی گفت

نیایی گفت آری یا رسول الله صلی الله علیه وسلم بنده مومن
که با خلاص تمام بر حضرت تو شما درود فرستند ثوابی که از
یک عدد ده عدد ازو ارزانی داریدش محافظت
آن نتوانم کرد همین که عدد صلوة بیازده رسد من از حساب
ثواب آن عاجز آییم و همه محاسبان آسمان و زمین بدان
نتوانند رسید و جز حضرت سریع الحساب جل ذکره هیچ کس
بکنه آن نرسد بیت عقل در ساحت این بادیه سرگردانست
عقل مسکین چگونه وادی بی پایانست چهارم فرستادن
صلوة را وسیله شهرت و سرمایه نیک نامی نسازد و گفتن آن
منت بر مردم ننهند و بدان طلب مال و جاه نکنند بلکه
از جمیع اغراض و اعواض دنیوی آن را پاک دارد تا بشرف
قبول رسد از شیخ سمنون محب قدس سره منقولست که روا نباشد
درود فرستادن بر پیغمبر بطریق احتساب و طلب ثواب

و از امام سفیان ثوری نیز رحمه الله همچنین نقل کرده اند پنجم
در مواطن مکروه درود نفرستند و یکی از آن مجلس بازی گران
و قصه خوانان است در تجنیس آورده که اگر کسی در مجلس قصه خوان
و معرکه بازیگری جهت گرمی هنگامه صلواتی فرستد آثم است
و در باب ثانی از کراهیت قنیه فرموده که بوقت ملاعبه سیوف
مر او شمشیر بوقت جهاد باز نیست آهسته گفتن تکبیر و صلوة افضل
و همچنین باید که صلوة بوقت سماع سخنان غریب غیر مشروع درود نفرستد
محتسب بود و بوقت فروختن چیزی در بازار بغایت مکروه است
چنانکه فروشندگان و دلالان میکنند در فصل ثانی از کراهیة
خلاصه مذکور است که چون تاجری جامه بیرون آرد و بگشاید
و تسبیح گوید یا درود فرستد آثم است اما اگر عالم در مجلس گوید
صلوة فرستید یا خود صلوة فرستد ثواب و ماجور باشد
ششم بوقت ادای حدیث رفع صوت صلوة نماید در گفتن صلوة

بطریق اعتدال

بطریق اعتدال در اذکار امام نووی رحمه الله مذکورست
که لازم بود بر قاری حدیث که هرگاه رسول صلی الله علیه وسلم
یاد کند صلوة فرستد و رفع صوت کند بصلوة و در برداشتن
آواز مبالغه نکند بر وجهی که از حد اعتدال خارج شود و جمعی
از محدثان نص کرده اند بر رفع صوت و از آنجمله امام حافظ
ابوبکر خطیب بغدادی رحمه الله و در آثار آمده که بر دارید
آواز خود را بصلوة که رفع صوت بوقت ادای درود و صلوات
که غبار شقاق و زنگار نفاق از مرایای قلوب بر دارد بهم
و در فضیلت بیست و چهارم از فصل ششم شمه ازین معنی مذکور گشته
بیت تمام توصیقل ست که دلهای تیره را روشن کند چو آینهای
سکندری هفتم باید دانست که اقتصار کنند
بوقت درود فرستادن بصلوة بدون سلام امام نووی
رحمه الله فرموده که نص کرده اند علما بر کراهت اقتصار بر صلوة

دون سلام و بالعکس و در مواطن هم از امام نواوی رحمه الله

نقل کرده اند که در اول شرح صحیح مسلم و در اذکار و غیر آن

آورده که اغلب علما بر آنند که افراد صلوة از سلام مکروه است

و دلیل ایشان اقتران صلوة و سلام باهم در قرآن و شیخ

جزری در مفتاح فرموده که من ندیده ام که از علما کسی بر کراهت

اقتصار نص کرده باشند اما جمع میان هر دو اولی و افضل

و اتم و اکمل است و بر تقدیری که ایراد هر یک بی دیگری

روا داشته باشند طریق ادب اقتضاء آن میکنند که سلوک سبیل

اولویت نمایند هشتم باید که بهنگام کتابت صلوة نیز اقتصار بر یکی

نکنند بدون دیگری بلکه جمع نماید که این صورت برعایت حرمت

اقرب است امام ابو عمرو عثمان بن عبد الرحمن الشافعی المشهور

بابن الصلاح رحمه الله از حمزه کسائی رحمه الله نقل کرده که من

حدیث مینوشتم و الصلوة دون سلام اکتفا میکردم که شبی حضرت

اول

رسول صلی الله تعالی علیه وسلم را در واقعه دیدم و مرا گفت
که جهت ترا که صلوة برمن تمام نمیکنی دانستم که این عتاب
بجهت ترک صلوة وسلم است بعد ازان نوشتم صلوة را اگر با سلام
و در مواطن آورده که محدث ابو العباس احمد بن عبد الدایم
رحمه الله فرموده که حدیث مینوشتم و نزدیک ذکر آنحضرة
بر صلی الله علیه اقتصار مینمودم وقتی از اوقات حضرت پیغمبر را
صلی الله علیه وسلم بخواب دیدم و مرا گفت چرا وقتیکه صلی الله علیه
مینویسی وسلم را فرو میگذاری و بدین سبب چهل حسنه از تو
فوت میشود یعنی وسلم چهار حرفست و بهر حرفی ده حسنه مقرر است
باید که از بسیاری کتابت صلوة نزدیک ذکر آنحضرت صلی الله
علیه وسلم ملول نشود و به تنگ نیاید و هر وقت که صلوة نویسد
بزبان نیز بگوید ششم مکروهست که درود مرمز نویسد چنانکه
کاتبان لفظ صلعم بجای صلی الله علیه وسلم می نویسند و این صورة نشانه

بی ادبی و کاهلی است بلکه باید که درود آنحضرت را بر وجه کمال
نویسد و زیاده از آنکه معهود است در شفاء السقام آورده
از ابراهیم دارمی رحمه الله نقل کرده که هر جا در کتب حدیث
نام آنحضرت را بیرون می‌دیدم پس می‌نوشتم که صلی الله علیه وسلم تسلیماً
شبی آنحضرت را صلی الله علیه وسلم در واقعه دیدم صحیح که
بر وی چون مه تابان بقد چو سرو خرامان آن ورقی از آنکه نوشته بودم
در دست ایشان بود چون دیدند من نام ایشان را بهر آن وجه
تعظیم کرده ام فرمود که هر چند که جهت اجلال و اکرام اسم شریف
و توقیر و تکریم نام نامی ایشان استدلال بر کثرت ارادت
و محبت و عقیدت می‌توان کرد بیت نام تو برم فدا کنم جان :.
ای جان و جهان فدای نامت بیت اولی آنست که در آخر صلوة درود فرستد
بر پیغمبران و بر صلوة ایشان ختم کند چه ایشان مر این امت را جای خیر
گفته اند و در نصاب الاخبار آورده که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود

که چون صلوة

١٦٥
١٩٤

که چون صلوة فرستند بر من در او در دهید بر پیغمبران که من یکی ام از ایشان

و باید که بر آل هم نیز صلوة فرستند به تبعیه ایشان چنانکه حضرت عزت

که رحمة الله فرموده و برکاته علیکم اهل البیت و در حدیث وارد شده

که و علی آل ابراهیم و الفاظی که در باب صلوة انبیا و آل ایشان

شاید اغلب محدثان بر این توجه ایراد میکنند و علی سایر النبیین و آل کل

و سایر الصالحین اما آداب معنوی پنج است اول مراقبت و آن حضور دل

و طرد غفلت است در فصول الاصول فرموده که در وقت فعل صلوة

از غفلت دور باید بود و از روح مقدس اکمل نبی استمداد

همت باید نمود و دل را از خواطر نالایق پاک کرده حاضر باید داشت

و اگر دغدغه از ظهور خطرات نفسانی و همزات شیطانی ظهور نماید

به اکمال در ظل حمایه اکمل نبی باید گریخت تا بزودی مرتفع و

مندفع گردد بیت از تاب آفتاب حوادث چه غم مرا ::::

چون سایه بان لطف تو باشد پناه من دو بیم فضیحت نیست دا: کسان

باشد که عزیمت کنند بر آنکه پس این صلوة که به تقریب تسلیم انقیاد
و امتثال فرمان حق سبحانه تعالی تسلیم و بر گزیده خدا و رسول خدا یا
اقامه تسلیمها داده شد ام و بدین وسیله طالب قرب و جوینده رضای
ایشانم و امید شفاعت میدارم و حق گذاری نعمت تبلیغ میکنم
و با ملائکه و مومنان موافق و با یهود و منافقان مخالفم و امثال این
چیزها بخاطر آرد و مطلقا اعتراض فاسده در دل نگذارند سوم
تسویه ظاهر و باطن یعنی تو نیت صلوة دل و زبان را مطابق سازد
بلکه باید که زبان ترجمان دل باشد که نزد محققان نطق دل معتبرست
عزیزی فرموده که حق سبحانه بخود بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم صلوة فرستاد
پس مومنان را امر کرد بدان ایشان زبان بعبارتهای او گشودند
و اکثر راه حقیقت آن نبردند یعنی بدگر زبانی مشغول شده از
فکر خیالی غافل ماندند و بباید دانست که ذکر دو نوع است
ذکری که فراموشی بدان راه ندارد و آن بزبان حقیقت است

دوم ذکری

و ذکری که گاه گاه فراموشی بر آن طاری شود و آن بزبان
شریعت پس باید که مصلی بهر دو زبان صلوة فرستادن عادت
کند تا اگر وقتی زبان شریعت از کار بماند زبان حقیقت
همچنان بر کار باشد چنانکه گفته اند بیت مرا تو جان و جهانی
به یاد میکنمت :. علی الدوام نه یادی پس از فراموشی چهارم
حاضر دیدن آنحضرت را یعنی باید که بوقت گفتن صلوة آنحضرت را
حاضر بیند شیخ سعید الدین فرغانی قدس سره در مناهج العباد
بمناهج الی که حقایق نماز بیان میکند در قرائت التحیات
فرموده که در حال صلوة گفتن چنان باید که حضرت رسالت را
صلی الله علیه و سلم پیش خود حاضر بیند مشاهده کند که آنحضرت هم
میشنود و می بیند که کیست و چگونه صلوة میفرستد و بچه نوع
بر وی سلام میگوید و در عوارف المعارف آورده که در
تشهد چون سلام دهد بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم باید که او را

در بینش چشم دل ممثل سازد و خطاب با وی کند و محقق است
که نفوس قدسیه چون از علایق بدنیه متجرد گشتند عروج نموده
و مرتبه قرب پیوسته هیچ چیز مر ایشان را حجاب نمیباشد پس مشاهده
هر حال که بخواهند میتوان کرد و بواسطه روح مقدس حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم متوجه حال امت است پس اگر کسی او را
حاضر بیند و بحضور آنحضرت وی صلوة فرستد هر آینه آن صلوة
بقبول رسیده او را دولت وصول بمرتبه قرب دست دهد
و اگر ازین پایه فروتر است و مشاهده جمال آنحضرت او را دست
نمیدهد باری که داند که آنحضرت او را می بیند و صلوة او معروض
میشود هر آینه این صورت او را بر آن دارد که از غفلت
بر طرف شده بحضور دل درود دهد و اگر هیچ ازین دو مرتبه
ندارد و غافلی است بی حاصل او را صلوة جز حرکت لسانی و رفع
صوت ثمره نیست بیت زبانت گر موافق نیست با دل :. تو خود دیگر کو

زان لعن

گر آن نگفتن چه حاصل ٭ زبان باید که از دل راز گوید ٭ سخن او بشنود
پس باز گوید پنجم تکمیل نسبت و اکتساب آنست که مصلی بواسطه
درود نبوی و وسیله سلام مصطفوی علیه افضل الصلوات
و اکمل التحیات تصحیح نسبت خود کند با آنحضرت یا بعد از تحکیم نسبت
از فیضی که پیوسته بر آنحضرت فایض است بهره مند شود و آن
عزیز همچنانکه درویشان بتوسط ذکر الهی و مواظبت بر آن
بجایی میرسند که نسبت مشغولی ایشان از خود و غیر خود گسسته شده
نسبت آگاهی حق سبحانه درست میکرد و مصلی نیز باید که برابطه
صلوة محمدی صلی الله علیه و سلم و مداومت بر آن رشته
تعلق از خود و غیر خود منقطع سازد تا مستغرق دریای
حقیقت آنحضرت گردد و بواسطت آنحضرت نسبت شناخت حق سبحانه
حاصل کند چه علما و عرفا متفقند بر آنکه آفرینش جن و انس برای
شناختن است و شناخت حاصل نمیشود مگر بمتابعت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم

وحضرت خواجه آفاق قطب الاولیا بالاستحقاق الحبر المعظم والغوث

الاعظم قبله مقبلان کار آگاه خواجه خواجگان عبیدالله قدس سره

فرموده اند رهانیدن مرغ لاهوتیه که محبوس قفص ناسوتیست

بی تابیز چیزیست که لازمست مقام محبوبیه را که باز بسته بمتابعیت

مصطفویست صلی الله علیه وسلم میسر گردد وعلیک باتباعه

والسلام علی من اتبع الهدی خاتمه در بیان صلوة متنوعه بدانکه

احصار انواع صلوة که علما ومشایخ بر حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم

فرستاده اند از طوق بشر خارجست چه از شیخ سعد الملة والدین الحموی

قدس الله روحه چهار هزار و بروایتی دوازده هزار نوع

صلوة نقل کرده اند و دراوراد و اذکار و کتب ورسایل

ایشان بعضی از آنها ثبت است و مشایخ متعرف ... را صلوة متنوعه

بسیار است و هر عزیزی بنوعی از صلوة که مناسب رابطه اورا

با حضرة پیغمبر صلی الله علیه وسلم بوده ملهم شده و بخواص و منافعی

که از آن

که از آن دریافته اشارت فرموده و درین اوراق تحریر
چهل نوع از صلوة که در اخبار و آثار آمده یا از اکابر نقل
صحیح مروی گشته با فواید و خواص آن اتفاق افتاد و الله
الموفق وهو ولی الرشاد اول قاضی عیاض رحمه الله در شفا بروایت
ابی هریره رضی الله عنه نقل کرده که حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم
فرموده که هر که خواهد که بر وی پیمایند بپیمانه تمام تر یعنی مزد دهند
او را اجر داده کامل و بهره بیشتر گردد از مثوبات تقسیطی وافر و حظی
شامل چون صلوة فرستد برین وجه گوید اللهم صل علی محمد النبی الامی
وازواجه امهات المؤمنین و ذریته و اهل بیته کما صلیت علی ابراهیم
انک حمید مجید و امام ابو داود رحمه الله باسناد خود همین حدیث
ایراد فرموده و دارمی نیز همین حدیث آورده و در روایت او
بجای علی ابراهیم و علی آل ابراهیم دوم انس بن مالک رضی الله عنه
فرموده که پس در پیش حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم ایستاده بودم

که منقبت که هر که درود دهد برین روز ادینه هشتاد بار حق تعالی از
گناه هشتاد ساله وی بیامرزد گفتند یا رسول الله چگونه بهر شما
صلوة دهد فرمود که بگوید اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی
واین را ابکی در سنا رکبیر در سوم در شفا از زید بن الحباب رضی الله عنه
روایت کرده که شنودم از رسول خدای صلی الله علیه وسلم
که هر که گوید اللهم صل علی محمد اللهم انزله المقعد المقرب عندک یوم القیمة
واجب شود شفاعتش مرا او را چهارم در حصن حصین از معجم اوسط و از معجم
اوسط طبرانی نقل کرده و در مسند امام احمد رحمه الله بروایت
رویفع بن ثابت الانصاری رضی الله عنه آمده که سید عالم صلی الله علیه وسلم
فرموده که هر که صلوة فرستد بر محمد صلی الله علیه وسلم آنکه گوید و انزله
المقرب عندک یوم القیمة واجب کردم او را شفاعت من
پنجم در ریاض الاحادیث از ابی سعید خدری رضی الله عنه
نقل کرده و در سواطع از ابن وهب با سناد وی آورده

در نسخ کتاب ... ... نقطه
در درود ... ...
... ...

که بعض صلی الله علیه وسلم

که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که هر مردی که مال ندارد تا صدقه دهد
یعنی فقیری که از روی صدقه دهندگان دارد باید که
برین وجه گوید در دعای خود که گوید اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک
وصل علی المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات پس هر که
این درود مر او را زکوة است یعنی بگفتن این صلوة ثواب تصدق یابد

ششم در اذکار الاحادیث از انس بن مالک
رضی الله عنه روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
نشسته بود یکی از صحابه رضی الله عنهم از پیش ایشان گذشت
فرمودند که عمل این مرد بالا میرود یعنی مصعد قبول
میرسد هر روز از عمل آن مقدار که هیچ یک از امت من
آن مقدار از اعمال صعود نمیکند گفتند یا رسول الله
این کرامت بچه چیز یافته است فرمود که من این خبر را از زبان
جبرئیل علیه السلام میگویم و او برین وجه با من تقریر کرده و من

اثر اینها شنیده ام دیگر نوبت که جبرئیل علیه السلام
نازل شده آنحضرت از روی سوال فرمود که موجب صعود علو
این مرد از اصحاب من چیست جبرئیل گفت یا رسول الله
فضل و کرامت وی آنست که هر روز ده بار میگوید اللهم
صل علی محمد النبی کما امرتنا ان نصلی علیه وصل علی محمد النبی کما
ینبغی ان نصلی علیه وصل علی محمد النبی بعدد من صلی علیه وصل علی
محمد النبی بعدد من لم یصل علیه و در عینیه از ۲ رتب کلمه دیگر نقل کرده
که وصل علی محمد النبی کما تحب ان نصلی علیه جامع این اوراق گوید
وقتی بضرورت از وطن مالوف جلا نموده با بعضی از اهل و
عیال بطریقی متوجه بودم و از یاران و مددکاران زیاده کسی
همراه نبود ناگاه جمعی کثیر پیش آمدند و بر صفحات احوال شان
اثر خوف و اضطراب ظاهر بود و بعد از استفسار حال گفتند
که درین راه طایفه از قطاع طریق همه مکمل و مسلح هستند و ما

با وجود کثرت

با وجود کثرت بهزار کلفت رنج ازیشان گذشته‌ایم و با این
تنهایی و بی نوایی چگونه از دست تعرض و آزار ایشان
رهایی یابی طریقه العود احمد رعایت نموده باز گرد و چون
باز گشتن مصلحت وقت بود بهمانجا توقف نموده جز از عظیم دست
نداد و در اثنای این حال خواب غلبه کرده دیدم که آینده میگوید
این صلوة بخوان و آن سلام علیک است هر روز پس همین پنج کلمه از صلوتی که مذکور شد
باندک تفرقه و تقدیم و تاخیر املا فرموده و من هرگز این کلمات را
در کتابی ندیده و از کسی نشنیده بودم از غایت ترس بیدار شدم
و کلمات خمسه بر زبان من جاری بود میخواندم و دو کس بیچاره که
با من بودند در قرائت آن اتفاق نمودند اندک فرصتی را
بگروه دزدان رسیده بگذشتیم و ایشان نیز دیدیم و سخنان ایشان
می‌شنیدیم و ایشان البته ما را ندیدند و از گذشتن ما خبر نیافتند
هفتم و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده که جمعی از بادیه

نشینان مردی را با شتری نا محکمه نبوت حاضر ساخته بر و دعوی
کردند که این مرد این شتر ما را دزدیده و بعد از انکار وی
دزدان گواهان گذرانیدند و حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم
بقطع ید وی امر فرمود در وقتیکه او را میبردند تا بسیاست
رسانیده دست ببرند در زیر لب چیزی میخواند شتر دزدیده
که مدعای ایشان بود فریاد بر کشیده بزبان فصیح گفت یا رسول الله
این مرد از دزدیدن من بیزار است بلکه برو تهمت کردند و گواهان
بدروغ گواهی دادند مرا فلان کس دزدیده و ایشان این
بیچاره را متهم کرده اند حضرت نبوی فرمود تا آن قوم را باز گردانید
و ساربان را که شتر نام برده حاضر کردند و او بطوع و رغبت
بدزدی اقرار کرد و حضرت با اجرای حد بر و حکم فرمود در دنبال
متهم را طلبیده بپرسید که در وقت رفتن از نزد من چه میگفتی
گفت من ملائکه را دیدم که محلات مدینه از ایشان پر شده بود

دم و در زبانم بود

ونزدیک بود که دیوار بشکافد وبدان رسد که تو میان من
وایشان حایل شدی گفت یا رسول الله بر تو صلوة میفرستادم
برینوجه که اللهم صل علی النبی محمد حتی لا یبقی من صلوتک شیء وبارک
علی النبی محمد حتی لا یبقی من برکاتک شیء وارحم علی النبی محمد حتی لا یبقی
من رحمتک شیء حضرت فرمود که تو فردا این صلوة بگذاری
وروی تو رخشنده باشد از ماه شب چهارده ودر روضة
العلماء نقل کرده وکلمه دیگر الحاق کرده که وسلم علی النبی محمد
حتی لا یبقی من سلامک شیء ۹ هشتم در شفا مذکورست که چون
مرتضی علی رضی الله عنه خواستی که صلوة فرستد ان الله
وملائکته تا اخر خواندی گفتی لبیک اللهم وسعدیک صلوات الله البر الرحیم
والملائکة المقربین والنبیین والصدیقین والشهداء والصالحین
وما سبح لک من شیء یا رب العالمین علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین
وسید المرسلین وامام المتقین ورسول رب العالمین الشاهد

البشیر الداعی الیک باذنک السراج المنیر وعلیه السلام واتمه
اهل البیت رضوان الله علیهم اجمعین بدین صلوة مداومت
نموده اند و فرموده که فواید این درود در دنیا و مثوبات
ان در اخرة از حد حصر بیرون و از حیز شمار افزونست
نهم در ریاض المذکرین از مرتضی علی کرم الله وجهه روایت
کرده که هر که هر روز سه بار در روز ادینه صد بار بگوید
صلوات الله و ملٰئکته و انبیایه و رسله وجمیع خلقه علی محمد وعلی اله
علیهم السلام و رحمة الله وبرکاته بدرستیکه درود داده باشد
بر پیغمبر بر روی همه خلایق و روز قیامت در زمره خواص انکشرة
مبعوث کردد و حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم دست وی
کرفته به بهشت در آید و او را با خود دارد دهم ابن عباس
رضی الله عنه فرموده است که هر که کوید صلی الله علی محمد واجزه
عنا ما هو اهله مدت هزار روز هفتاد کاتب را در رنج اندازد

بنعت نازه

یعنی کتابت ملائکه هفتاد تن هزار روز کتابت کنند ثواب
این کلمات را در رنج افتند بجهت بسیاری کتابت آن
یازدهم در ازهار الاحادیث آورده که هر که هر روز
شش بار گوید اللهم صل علی محمد واله وسلم واجزه عنا خیر الجزا حق
نعمت نعمت که آورده باشد حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
در روز حشر گوید او را عذرخواهی نماید و از حق سبحانه رفعت
او در خواهد دوازدهم طاوس یمانی رحمه الله از ابن عباس
رضی الله عنه نقل کرده که او بدین نوع صلوة میفرستاد که اللهم صل علی
محمد وتقبل شفاعته الکبری وارفع درجته العلیا واته سوله فی الاخرة
والاولی کما اتیت ابراهیم وموسی ومیگفت هر که بدین نوع
صلوة فرستد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم او را شفاعت کند
ومر او را در والدین واقربا واحباب او رتبه شفاعت
رضی الله عنه
ارزانی دارند سیزدهم در روضة العلما از ابن مسعود

روایت کرده که او فرمود که چون بر رسول خواهید که درود فرستید
نیکو سازید درود خود را که بر آنحضرت عرض میکنند گفتند ما را
تعلیم ده که چگونه صلوة فرستیم گفت بگوئید اللهم اجعل صلوتک
وبرکاتک ورحمتک ورأفتک وتحیتک علی سید المرسلین
وامام المتقین وقائد الغر المحجلین وخاتم النبیین محمد عبدک ونبیک
ورسولک امام الخیر وقائد الخیر ورسول الرحمة اللهم ابعثه مقاما محمودا
یغبطه به الاولون والاخرون اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد کما صلیت
علی ابراهیم انک حمید مجید برکة این درود درود دهنده را
از همه زبان حضرت رسالت رسانند و اورا چندان ثواب دهند که اگر
تمام جن وانس خواهند که شمار کنند نتوانند وچون ملائکه این درود را
بعرض پیغمبر صلی الله علیه وسلم رسانند بر فرستنده درود سلام گویند
ودیگر از غرر ادعیه درود چهاردهم در استغفار از امام حسن بصری
رحمه الله نقل فرموده که هر که خواهد تا شربت صفا از حوض مصطفی بکامش

او بنوشد

او نیز بنویسند باید که بدین نوع صلوة فرستند که اللهم صل علی محمد
وعلی اله واصحابه واولاده وازواجه وذریته واهل بیته واصهاره
وانصاره واشیاعه ومحبیه وامته وعلینا معهم اجمعین **پانزدهم**
در شفا السقام از ابی الحسن یحیی المطلبی رحمه الله روایة کرده
واز بنیان اصفهانی رحمه الله علیه که وی گفت رسول صلی الله علیه وسلم
در واقعه دیدم گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم محمد بن ادریس
الشافعی ابن عم تست هیچ سودی بوی رسانیده گفت اری
از خدای درخواست کردم تا او را حساب نکند گفتم بسبب این عنایت
چه بود فرمود که او بر من درودی فرستاده که هیچ کس مثل ان نشنیده
گفتم یا رسول الله ان چه درود است فرمود که اللهم صل علی محمد کلما ذکره
الذاکرون وکلما غفل عن ذکره الغافلون و موافق همین نقل است
که ابراهیم ابن اسمعیل مزنی رحمه الله گفته که من امام شافعی را
در واقعه دیدم و گفتم خدای با تو چه کرد فرمود که مرا بیامرزید

و امر کرد تا مرا بتعظیم و احترام بهشت بردند چنانکه داماد را
بحجله برند و برمن نثارها کردند ببرکت صلوتی که در کتاب الرساله
آورده بودم و بدان نوع بشفر ستادم پرسید که آن کدام
همین صلوة که مذکور شده برخواند مردم هم در شفاء السقام
از ابلیشی نقل کرده که نزدیک امام ابی بکر احمد بن موسی المجاهد
المقری رحمه الله که مقدمه قضاة وعظماء دهر بود نشسته بودم
ناگاه شیخ ابوبکر شبلی قدس سره بدان مجلس در آمد امام ابوبکر
بر پای خاست و با او معانقه فرمود و میان دو ابروی وی
بوسه داد من گفتم یا سیدی نه تو و نه همه اهل بغداد گمان میبرند که
این مرد مجنون است گفت بلی گفتم پس این چه تعظیم بود نسبت به او
رعایت کردی امام فرمود که من با او آن کردم که از حضرت رسول
صلی الله علیه و سلم مشاهده نموده بودم من پرسیدم که آن چگونه بود
گفت پیغمبر را صلی الله علیه و سلم در واقعه دیدم جای نشسته

دلبال

و بسیاری از اکابر که بخدمت وی السلام ناگاه شبلی بدان
محفل در آمده متوجه حضرت پیغمبر شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم
برخاست و با او معانقه نموده میان دو چشم وی بوسه داد و
من گفتم یا رسول الله با شبلی این نیکویی فرمود که آری وی بعد از
هر نماز میگوید که لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه تا آخر
آنگه بر من صلوة میفرستد و گفته اند صلوة شبلی بر پیغمبر بوده که
اللهم صل علی محمد ملاء السموات وملاء الارض العظیم گوینده این صلوة را
به بری آسمان و زمین و بمقدار عرش عظیم برین ثواب دهند
بهمقدارسم در ریاض المذکرین از عبد الرحمن مقبری رحمه الله
نقل کرده که چون خالد بن کثیر رحمه الله در گذشت زیر بالین
وی رقعه یافتند بر آنجا نوشته که براءة من النار لخالد بن کثیر
از اهل او سوال کردند که عمل او چه بود که چنین تشریفی درباره
او شرف صدور یافت زنش گفت وی هر روز جمعه هزار نوبت

درود پیغمبر شنام و مکلف سبب آزادی من از آتش همین خواهد بود

پرسیده شد که چه نوع صلوه پیغمبر شنا گفت برین نمط که اللهم صل علی محمد النبی

الامی وعلی اله وسلم هجدهم در احیاء العلوم آورده که هر که

در هفت روز ادینه هر روزی هفت بار بگوید اللهم صل علی محمد

وعلی ال محمد صلوة تکون لک رضاء ولحقه اداء واته الوسیلة والمقام

المحمود الذی وعدته واجزه عنا افضل ما جزیت نبیا عن امته وصل علی

جمیع اخوانه من النبیین والصالحین یا ارحم الراحمین سزاوار گردد

شفاعت آنحضرت را با شنیدن آنحضرت علیه و نیز شفاعت او را از

درکات جحیم برهاند و بدرجات جنات النعیم برساند نوزدهم

صلوة ثمانیه که منسوب به نجبا و ایشان هشت تن اند در هر زمانی

و زیاده و کم نشوند حضرت شیخ قدس الله روحه در فتوحات فرموده

که ایشان اهل علم اند بصفات ثمانیه و مقام ایشان کرسی است

یعنی کشف ایشان از آنجا و زیشوا اند نموده و در علم تسییر کواکب

ابتهالکیو

از جهت کشف و اطلاع بر وجه اصطلاح قدمی راسخ دارند و سلطان
ابراهیم ادهم قدس سره این را از رقیة الملائکه دیده در حرم
مسجد اقصی و هر یک یک کلمه ازین صلوة بوی آموخته اند و فرمود
که ما را ببرکت این کلمات بشر فاتحات کلی هست و احوال و مواجید
بجهت این ورد بر ما غلبه میکند و فواید این بسیارست اللهم صل علی محمد
و آله عدد ما خلقت اللهم صل علی محمد و آله ملاء ما خلقت اللهم صل علی محمد
و آله عدد کل شیء اللهم صل علی محمد و آله ملاء کل شیء اللهم صل علی محمد و آله عدد
ما احصاه کتابک اللهم صل علی محمد و آله ملاء ما احصاه کتابک اللهم
صل علی محمد و آله عدد ما احاط به علمک اللهم صل علی محمد و آله ملاء
ما احاط به علمک نقلست که سلطان بقیة الدهر بر ادای این صلوة
مواظبت مینموده و عم والد این فقیر رحمهما الله از شیخ محمد خفرادی یا
بهوزلی قدس سره بر ینوجه که بعضد کتابت در ابد استماع نموده بود
بسمع از شیخ المشایخ شیخ سعد الدین حموی روح الله روحه نسبت

که هرکه بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم بدین نوع درود فرستد

که اللهم صل علی سیدنا محمد مطلق عنان جود الایمان فی میدان

الاحسان و مرسل ریاح الکرام الی روضة الجنان و علی آل محمد

و سلم هر آینه با ایمان رود در بهشت و او را با ایمان بر انگیزانند

روز قیامت بیست و یکم هم از حضرت شیخ قدس الله سره روایت کرده اند

که اگر کسی از وسوسه شیطان و دغدغه نفس و هوا متنفر باشد

باید که پیوسته بدین نوع صلوة فرستد که اللهم صل علی محمد مفرق فرق

الکفر و الطغیان و مشتت جیوش القرین و الشیطان و علی آل محمد

و سلم تا از شر شیاطین و همزات ایشان مامون و محفوظ ماند

بیست و دوم هم از آنحضرت عظم الله برکته منقول در شرف ثابت شده

که هرکه بر حضرت رسالت صلوة الله و سلامه علیه بدین نوع درود دهد

که اللهم صل علی سیدنا محمد صاحب الفرق و الفرقان و جامع الورق

و منزله من سماء القرآن و علی آل محمد و سلم هرگز بدیت هیچ ظالمی

مبتلا نشود

تبدیل نشود و حق سبحانه وی را از احتیاج و تنگدستی نگاه دارد

و از بعضی اولاد و کرام عظام ایشان استماع افتاده که

حضرت شیخ این سه صلوة یکی تنوالیه مذکور شد در عالم کشف

دیده اند که بر ساق عرش مکتوب بوده و از آنجا خوانده اند

و یاد گرفته بیست و سوم از شیخ رشید الدین عبد الوهاب خلیفه

نیشابوری رحمه الله که از منتسبان دودمان بزرگوار

مشایخ حمویه قدس الله ارواحهم بوده منقولست که حضرت شیخ

سعد الدین اعلی الله درجته در جبل الصالحین بوده اند بظاهر دمشق

در غرفه نشسته بوقت سحر مؤذنی که او را مقری کرمانی میگفته اند

و از جمله اولیا و اهل کشف و کرامات بوده برخاسته و چیزی

میخوانده که ناگاه حضرت شیخ دریچه غرفه را فتح فرموده اند

و گفته اند ای مؤذن بیا مؤذن بطی الهوا از دریچه بغرفه در آمده

و شیخ فرموده اند که خالی روح الله حضرت سید الانبیاء والمرسلین

سلطان الله فی الارضین صلواة الله وتحیاته وسلامه علیه

حاضر بودند و یازده کلمه در صلوة النشاء فرمودند با بلاد النشاء

اکثر تا کتابت کرده شد مستدعی هم که در بن شجر انرا بلبید

بخواند تا به برکت ان با وقات در احوال سحرخیزان زنده دل

برسد مؤذن یاد گرفته بیا لای سینه برآمد و با آواز خوش

و لحن دلکش اغاز کرد و در سماع ان خروش و فغان از

چندین زوایه و کاشانه برخاست بیت چون ذکر تو در میانه درآید

از هر طرفی فغان برآید . وان کلمات این است که اللهم صل علی محمد

فی عرصات القیامة اللهم صل علی محمد حین تقوم الساعة والطامة

اللهم صل علی محمد صلوة مخلصة عن الملامة اللهم صل علی محمد صلوة مبلغة

الی السلامة اللهم صل علی محمد صلوة فائضة علی اهل الکرامة اللهم

صل علی محمد فی کل حین و اوان اللهم صل علی محمد فی کل زمان و مکان

اللهم صل علی محمد لکل لسان و جنان اللهم صل علی محمد عند ظهور کل حکمة

و بیان

دبیان اللهم صل علی محمد صاحب الکتاب العزیز وحامل الفرقان
اللهم صل علی محمد جامعه بین سرکن فکان وصل علی جمیع اخوانه من
النبین والصدیقین والشهداء والصالحین اهل القبلة والایمان
والکتاب والمیزان باحسان یا منان واغفر لامة نبیک وحبیبک
محمد علیه الصلوة والسلام واسکنهم اعلی الجنان واحسن
الیهم یا ولی الاحسان وادخلهم برحمتک فی ارض دار رضوان
والرحمة والغفران واعذهم من الشیطان والنیران برحمتک
یا ارحم الراحمین خواندن این صلوة بوقت عرض حاجات
موجب اجابت دعوات وبهنگام مخافات سبب ایمنی از
آفات است ولیسی اکابر تجربه کرده اند و فواید مشاهده فرموده اند
سبب چهارم حضرة استادی ومخدومی سلطان المفسرین برهان
المذکرین قدوه المحدثین الامیر عز الملة والتقوی والدین طاهر
الراوندی روح الله روحه تقریر فرمودند که حضرت شیخ سعد الملة

والدین قدس سره بشبی در همین غرفه که مذکور شد سید عالم را
صلی الله علیه وسلم در واقعه دیده اند و آنحضرت شش کلمه
صلوة بر ایشان املا فرموده و ایشان میخواسته اند که
مقری کرمانی را طلبیده التماس یاد گرفتن و خواندن آن
کنند ناگاه مقری آغاز کرده همان صلوة را بنغمهای دلاویز
و لحنهای شورانگیز خوانده اند حضرت شیخ زاده را حیرتی عظیم دست داده
و موزن به اهال کیفیت حاضر شده فرموده که متحیر و متعجب مباشید
که در آن زمان که آنحضرت صلی الله علیه وسلم این صلوة بر شما
املا میفرمودند من شنودم و یاد گرفتم و آن این است اللهم صل علی محمد
صلوة متفردة بذکره و مذکوره اللهم صل علی محمد صلوة جامعة بین
فرحه و سروره اللهم صل علی محمد صلوة محیطة بطوره و صوره اللهم صل علی
محمد صلوة منورة لقلوب اصحاب صدوره اللهم صل علی محمد صلوة شارحة
لمستوره فی مسطوره و صل علی جمیع الانبیاء و الاولیاء بعدد عبوره

و مروه

ونور ذره بين الماء وطهوره والنور وظهوره والحق ادبوره
خواص اين صلوة و فوايد آن بسيار است خصوصا در جلب قلوب
وجذب منافع وازدياد قبول در دلها وتوقف رويه سلاطين
وامرا و ملاقات علما و وزرا و ديدن اهل اختيار و ارباب
اقتدار خاصيتها كلي ميدهد وبتجربه محقق شده بيست و پنجم
مروي است از شيخ حاجي سكوستي رحمة الله كه از خلفاء حضرت
شيخ ركن الدين علاء الدوله السمناني قدس سره بوده كه
حضرت پيغمبر را صلى الله عليه وسلم در واقعه ديدم گفتم يا رسول الله
چگونه صلوة فرستم بر شما فرمودند كه بگوي اللهم صل على محمد بعدد كل
ذرة الف الف مرة تا همه درودها برين صلوة فرستاده باشي
بيست و ششم شيخ محقق زين الدين على كلا قدس سره فرموده
كه هر كه خواهد كه بصلوة همه خلايق از مبدا احوال تا انجام كار بر حضرت
سيد مختار صلى الله عليه وسلم درود فرستد بدين نوع گويد

اللهم صل علی سیدنا محمد واله وسلم فی الاولین وصل علی سیدنا محمد
فی الاخرین وصل علی محمد واله وسلم فی الملا الاعلی الی یوم الدین
درود هفتم شیخ الامام ابو العباس بونی روح الله روحه فرمود
که هر که در روزی سه نوبت و در شبی سه نوبت این صلوة
بخواند همچنان باشد که در تمام ساعات ان شبانروز
صلوة فرستاده باشد اللهم صل علی محمد فی اول کلامنا اللهم صل علی محمد
فی اوسط کلامنا اللهم صل علی محمد فی اخر کلامنا وشیخ عالم عامل سعید الدین
فرغانی قدس الله سره در مناهج العباد این صلوة را ایراد فرموده
درود هشتم صلوة حضرة خضر علیه السلام مشهورست وبعضی از اولیا
این امت از وی تعلیم گرفته اند اللهم صل علی محمد واله وسلم عدد
ما علمت اللهم صل علی محمد واله وسلم زنة ما علمت اللهم صل علی محمد
واله وسلم ملاء ما علمت این درود نیز در مناهج مسطور و نیز در عرفا
خواص و منافع ان نا محصورست درود نهم حافظ ابو الحسن علی بن محمود

الشاذلی

الشاذلی رحمة الله فرموده اند که بخدمت شیخ المشایخ ابی عبد الله
الحسین الحرانی رسیدم و از وی التماس نمودم که مرا نوعی
از صلوة تلقین فرمایند که بصورة و معنی فایده یابم و در دنیا و عقبی
بمیامن آن مستظهر باشم فرمود که قرآن حفظ داری گفتم
آری گفت هرگاه وظیفه خود تمام نمایی بدین صلوة اختتام کنی
اللهم صل علی محمد و آله و صحبه و سلم بعدد ما فی جمیع القرآن حرفا حرفا
و بعدد کل حرف الفا الفا ... آورده اند که کسی نزد سلطان
غازی محمود سبکتکین انار الله برهانه آمد و گفت مدتی بود
که حضرة پیغمبر را صلوات الله و سلامه علیه میخواستم که در خواب ببینم
و غمی که صد دارم با آن دل از غم خود باز گویم بیت همه شب
دیده بغم گشایم در خواب تا بو که در خواب بدان دولت بیدار رسم
قضا را اسعادتم مساعدت نشد دوش بدان دولت رسیدم
و رخسار جان فزای جهان آرایش کالقمر لیلة البدر و کالدرج

لیلة القدر دیدم بیت امشب شب ما نور ز مهتاب وگر داشت
وز گریهٔ شادی مژه‌هام آب وگر داشت ﷻ و چون آنحضرت را
منبسط یافتم قدم بر بساط انبساط نهادم گفتم یا رسول الله هزار درم
قرض دارم و بر ادای آن قادر نیستم و می‌ترسم که اجل
دررسد و ودیعت روح باز سپارم و باز وام در گردن
من بماند حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که نزد محمود سبکتکین برو
و این مبلغ از وی بستان گفتم یا سید البشر شاید از من باور نکند
و نشانه طلبد گفت بگوی آن نشانه که در اول شب چون
تکیه میکنی سی هزار بار بر من درود میدهی و باخر شب که
بیدار میشوی سی هزار نوبت دیگر صلوة میفرستی وام ما ادا کن
سلطان بگریه درآمد و او را تصدیق کرده و امش ادا کرد
و هزار درم دیگرش عطا فرمود ارکان دولت متعجب شده گفتند
ای سلطان این مرد را درین محال که گفت تصدیق کردی و حال آنکه

ما در اول شب

ما در اول شب و آخر شب با توایم دمی نبینیم که بصلوة اشتغال نکنیم
و اگر کسی بفرستادن درود مشغول گردد و کدی و جهدی که زیاده
در حیز تصور نیاید در تمام اوقات و ساعات شبانروز
شصت هزار بار صلوة نتوان فرستاد با اندک فرصتی در اول
و آخر شب چگونه این صورة تیسیر پذیر باشد سلطان فرمود که من از
علما شنوده بودم که هرکه یکبار بدین نوع صلوة فرستد که اللهم صل علی
محمد ما اختلف الملوان وتعاقب العصران وکر الجدیدان واستقبل
الفرقدان وبلغ روحه وارواح اهل بیته منا التحیة والسلم وبارک
وسلم علیه کثیرا چنان باشد که ده هزار بار صلوة فرستاده باشد
ومن در اول شب سه نوبت و در آخر شب سه نوبت این را میخوانم
وچنان میدانم که شصت هزار بار صلوة فرستادم پس این درویش
که پیغام سید انام آورده بود راست گفت و آن گریه کردم از شادی
که سخن علما راست بوده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بر آن گواهی داد

وجه یکم مولانا شمس الدین کبشی رحمه الله وقتیکه در ولایت وی

وبای عام بوده حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم در واقعه دیده

وگفت یا رسول الله مرا دعای تعلیم ده که ببرکت آن از بلیه طاعون

ایمن شوم آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود که هر که بدین نوع بر من

درود دهد که اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد بعدد کل داء و دواء از طاعون

امان یابد وجه دوم در ذخیرة المذکرین آورده که یکی از صالحان

امت در ایام بهار بصحرا بیرون شد و سرسبزی اشجار و انوار

وازهار مشاهده نموده گفت یا رب صل علی محمد بعدد ورق

هذه الاشجار وصل علی محمد بعدد الورد والانوار وصل علی محمد بعدد

قطر الامطار وصل علی محمد بعدد رمل القفار وصل علی محمد

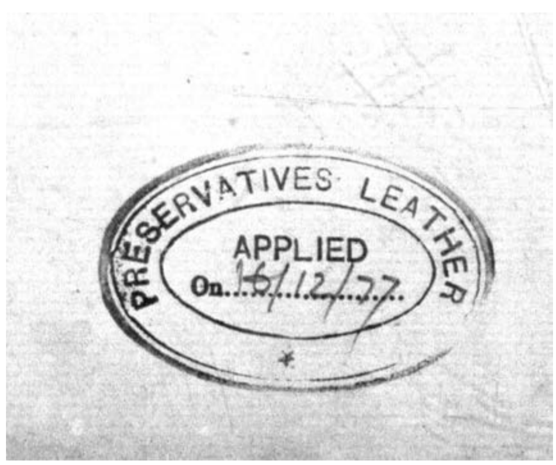
بعدد دواب البراری والبحار وعلی آله وصحبه وسلم :

تمام شد نسخه تحفة الصلوات للمولانا حسین بن علی الواعظ الکاشفی

رحمه الله تعالی [illegible] صاحب السنی [illegible]

[illegible]

بگوید کار فرو بسته وی بگشاید و بر دشمن ظفر یابد و اگر در حبس باشد حق سبحانه
او را رهائی بخشند و ایراد تمام خواص وی در امثال این مختصرات نگنجد و حضرت عارف


PRESERVATIVES LEATHER
APPLIED
On 16/12/77